فرهنگ اصطلاحات پناهندگی و اقامت در آلمان

تعریف تخصصی و ساده‌شده واژه‌ها و اصطلاحات حقوقی و اداری،
همراه با نکات مهم کاربردی و تجربی

به‌روز شده بر اساس آخرین تغییرات قوانین و مقررات آلمان و اتحادیه اروپا – اوت ۲۰۲۶

تدوین: حنیف حیدرنژاد
مددکار اجتماعی و مشاور روحی ـ اجتماعی

مقدمه

فرهنگ اصطلاحاتی که اکنون در اختیار شما قرار دارد، شامل **۱۲۵ واژه و اصطلاح حقوقی و اداری در حوزه پناهندگی و اقامت در آلمان** است. هدف آن ارائه تعریفی ساده و روشن، همراه با نکات کاربردی برگرفته از تجربه کاری، برای آسان‌تر شدن فهم این اصطلاحات است.

این مجموعه برای افرادی تهیه شده است که به‌تازگی در حوزه پناهندگی و اقامت فعالیت خود را آغاز کرده‌اند ـ اعم از مددکاران اجتماعی، روان‌شناسان یا افراد با عناوین حرفه‌ای دیگر ـ و همچنین برای دانشجویان، کارآموزان رشته‌های علوم اجتماعی و داوطلبان و علاقه‌مندانی که تجربه‌ای در این حوزه ندارند. این افراد در آغازِ کار با انبوهی از اصطلاحات و تعاریف حقوقی روبه‌رو می‌شوند که فهم آنها گاه دشوار و گیج‌کننده است. این فرهنگ اصطلاحات به آنها کمک می‌کند مهم‌ترین و رایج‌ترین اصطلاحاتی را که در نامه‌های اداری و احکام دادگاه با آنها روبه‌رو می‌شوند، بهتر درک کنند.

این مجموعه حاصل بیست‌وپنج سال تجربه کاری با پناهجویان، پناهندگان و مهاجرانی است که در آلمان، در ارتباط با مسائل پناهندگی، اقامت و پیامدهای ناشی از آن، نیازمند مشاوره و حمایت بوده‌اند.

نسخه اولیه و ساده‌تر این فرهنگِ اصطلاحات، بین سال‌های **۲۰۱۵ تا ۲۰۲۴** در مرکز مشاوره‌ای که در آن کار می‌کردم، در اختیار همکارانم قرار داشت و به‌تدریج و بر اساس نیازهای کاری تکمیل شد. اکنون نسخه بازنگری‌شده و به‌روز شده آن، که آخرین تغییرات این حوزه در آلمان و اتحادیه اروپا تا **اوت ۲۰۲۶** را دربر می‌گیرد، در اختیار عموم قرار می‌گیرد.

واژه ها و اصطلاحات در نسخه فارسی بر اساس **حروف الفبای آلمانی** تنظیم شده است.

تعریف هر اصطلاح بر اساس ساختاری یکسان ارائه شده و شامل این بخش‌هاست:

- **تعریف اصطلاح**
- **توضیح ساده برای فرد غیرمتخصص**
- **نکته عملی و تجربی**
- **مثال**
- **مبانی حقوقی و منابع مرتبط**

در پایان هر مدخل، منابع مرتبط و مبانی حقوقی آورده شده و به آنها **لینک مستقیم** داده شده است.
در متن آلمانی، تا حد امکان اصول زبان جنسیت‌زدای آلمانی (Gendern) رعایت شده است.

مطالعه هر اصطلاح، تنها اطلاعات اولیه‌ای در اختیار خواننده قرار می‌دهد و فرد تازه‌کار را از مراجعه به متون حقوقی، مشورت با همکاران باتجربه‌تر یا در موارد لازم، مشورت با وکیل بی‌نیاز نمی‌کند.

پس از فهرست مطالب، **فهرست مهم‌ترین حروف مخفف** مورد استفاده در زبان و متون اداری و حقوقی حوزه پناهندگی و اقامت نیز آورده شده است.

نکته مهم برای مخاطب ایرانی

تجربه کاری با پناهجویان ایرانی نشان می‌دهد که بسیاری از آنان با تعریف دقیق اصطلاحات و مقررات قانونی این حوزه آشنایی کافی ندارند. گاهی یک نامه اداری، نامه وکیل یا حکم دادگاه بر اساس برداشت نادرست یا غیر دقیق

از یک اصطلاح خوانده و تفسیر می‌شود. این برداشتِ نادرست می‌تواند بر تصمیم‌گیری‌های بعدی فرد تأثیر گذاشته و حتی به ضرر او تمام شود.

این فرهنگ اصطلاحات می‌تواند به علاقه مندان و افراد ذی‌نفع کمک کند تا اطلاعات پایه‌ای خود را در این زمینه تقویت کنند. با این وجود، **در تصمیم‌گیری‌های مهم، مشورت با یک مرکز مشاوره یا وکیل توصیه می‌شود.**

در پایان، لینک برخی وبسایت های تخصصی و مفید در امور پناهندگی و اقامت آورده شده است.

در تنظیم نهایی این مجموعه از ChatGPT(چت‌جی‌پی‌تی) کمک گرفته شده است.

حنیف حیدرنژاد
سپتامبر ۲۰۲۶

فهرست واژه ها و اصطلاحات (به ترتیب حروف الفبای آلمانی)

Ablehnungsbescheid – offensichtlich unbegründet abgelehnt
Ablehnungsbescheid – unbegründet abgelehnt
Ablehnungsbescheid – Asylantrag als unzulässig abgelehnt
Abschiebung
Abschiebungshaft
Abschiebungsschutz
Abschiebungsverbote
Anerkennung
Anhörung im Asylverfahren
Ankerzentren / AnkER-Einrichtungen
Anlaufbescheinigung
Anmelden / Anmeldebescheinigung
Asyl
Asylberechtigte
Asylbewerber / Asylantragstellende
Asylbewerberleistungsgesetz (AsylbLG)
Asylfolgeantrag
Asylgesetz (AsylG)
Asylverfahrensgesetz (AsylVfG)
Attest
Aufenthaltserlaubnis
Aufenthaltsgesetz (AufenthG)
Aufenthaltsgestattung
Aufschiebende Wirkung
Ausbildungsduldung
Ausländer*innen
Ausländerbehörde
Ausländerzentralregister (AZR)
Ausreisepflicht
Ausweis
Beratungsstelle / Flüchtlingsberatung / Migrationsberatung
Bescheid
Bescheinigung
Beschäftigungsduldung
Bescheinigung über die Meldung als Asylsuchende (BÜMA)
Beschwerdestelle NRW – Unabhängige Beschwerde- und Informationsstelle Flucht (UBIF)
Besuchserlaubnis
Bezirksregierung Arnsberg
Bundesamt für Migration und Flüchtlinge (BAMF)
De-facto-Flüchtlinge

Dublin-III-Verordnung
Duldung
„Duldung light“- Duldung für Personen mit ungeklärter Identität
„EASY“-System
Eigenständiges Aufenthaltsrecht der Ehegatten
Einbürgerung
Ehegattennachzug und der Kindernachzug
Eilantrag
Elektronischer Aufenthaltstitel (eAT)
Eurodac
Familienasyl und internationaler Schutz für Familienangehörige
Familiennachzug
Familiennachzug zu anerkannten unbegleiteten Minderjährigen Flüchtlingen
Fiktionsbescheinigung
Flüchtlingseigenschaft / Zuerkennung der Flüchtlingseigenschaft
Flüchtlingskonvention
Flüchtlingsrat
Flughafenverfahren / Asylgrenzverfahren
Folge- und Zweitantrag
Folter
Fortbildung
GEAS (Gemeinsames Europäisches Asylsystem)
Gemeinschaftsunterkunft (Flüchtlingsheim)
Gesundheitsamt
Grenzübertrittsbescheinigung (GÜB)
Gutachten
Integrationskurs
Internationaler subsidiärer Schutz
Istanbul-Protokoll
Jugendamt
Härtefallkommission
Heirat, Kinder – Schutz von Ehe und Familie
Jesiden / Eziden
Jobcenter
Kinderrechtskonvention
Kindersoldat
Kirchenasyl
Klage
Klagebegründung
Krankenkasse
Kriegs- und Bürgerkriegsflüchtlinge
Kontingentflüchtlinge
Landesaufnahmesystem in NRW / Asylstufenplan NRW
LEA Bochum (Landeserstaufnahmeeinrichtung Bochum)

Maghreb-Länder
Menschen mit Migrationshintergrund
Migration
Migrationsberatungsstelle
Niederlassungserlaubnis
Notar
Oberverwaltungsgericht (OVG) / Verwaltungsgerichtshof (VGH)
Papierlose Menschen
Petitionsausschuss-NRW
Praktikum
Prozesskostenhilfe (PKH)
Psychosoziale Beratung
PTBS (Posttraumatische Belastungsstörung)
Rathaus
Rechtsanwalt / Rechtsanwältin
Rechtsbehelfsbelehrung
Reiseausweis für Flüchtlinge („Blauer Pass“)
Reiseunfähigkeit
Residenzpflicht / Räumliche Beschränkung
Schulung
Sozialamt
Spätaussiedler
Standesamt
Stellungnahme (Psychologische-Psychotherapeutische Stellungnahme)
Trauma / Traumatisierung
Überweisung
Umverteilung / Umverteilungsantrag
Umschulung
Unbegleitete Minderjährige Flüchtlinge (UMF) / Unbegleitete Minderjährige (UMA)
United Nations Voluntary Fund for Victims of Torture (UNVFVT)
Urteil
UNO - Flüchtlingshilfe
VIS - Visa-Informationssystem
Verpflichtungserklärung
Verwaltungsgericht (VG)
Vollmacht
Vormund
Weiterbildung
Widerspruch
Wohnsitzauflage / Wohnsitzregelung
Zentrale Ausländerbehörde (ZAB)
Zentrale Unterbringungseinrichtung (ZUE)
Zeugnisanerkennung / Zeugnisbewertung
Zulassung der Berufung

فهرست حروف مخفف

مخفف	عنوان کامل آلمانی	معادل فارسی
ABH	Ausländerbehörde	اداره امور اتباع خارجی
Abs.	Absatz	بند(بندِ قانون)
AEUV	Vertrag über die Arbeitsweise der Europäischen Union	معاهده شیوه کار اتحادیه اروپا
AsylbLG	Asylbewerberleistungsgesetz	قانون تأمین اجتماعی پناهجویان
AsylG	Asylgesetz	قانون پناهندگی
AufenthG	Aufenthaltsgesetz	قانون اقامت
AufenthV	Aufenthaltsverordnung	آیین‌نامه اقامت
AVwV	Allgemeine Verwaltungsvorschrift	دستورالعمل عمومی اداری
AZ	Aktenzeichen	شماره پرونده
AZR	Ausländerzentralregister	ثبت مرکزی اتباع خارجی
BA	Bundesagentur für Arbeit	آژانس فدرال کار
BAMF	Bundesamt für Migration und Flüchtlinge	اداره فدرال مهاجرت و پناهندگان
BeschV	Beschäftigungsverordnung	آیین‌نامه اشتغال
BGBl.	Bundesgesetzblatt	روزنامه رسمی فدرال
BGB	Bürgerliches Gesetzbuch	قانون مدنی آلمان
BMI	Bundesministerium des Innern	وزارت کشور فدرال
BMAS	Bundesministerium für Arbeit und Soziales	وزارت کار و امور اجتماعی فدرال
BVerfG	Bundesverfassungsgericht	دادگاه قانون اساسی فدرال
BVerwG	Bundesverwaltungsgericht	دیوان اداری فدرال
EG	Europäische Gemeinschaft	جامعه اروپا
EASY	Erstverteilung von Asylbegehrenden	توزیع اولیه متقاضیان پناهندگی
EGMR	Europäischer Gerichtshof für Menschenrechte	دادگاه اروپایی حقوق بشر
EMN	Europäisches Migrationsnetzwerk	شبکه اروپایی مهاجرت
EU	Europäische Union	اتحادیه اروپا
EuGH	Gerichtshof der Europäischen Union	دیوان دادگستری اتحادیه اروپا
GG	Grundgesetz	قانون اساسی جمهوری فدرال آلمان
GEAS	Gemeinsames Europäisches Asylsystem	نظام مشترک اروپایی پناهندگی
GFK	Genfer Flüchtlingskonvention	کنوانسیون ژنو درباره وضعیت پناهندگان
JMD	Jugendmigrationsdienst	خدمات مهاجرتی جوانان
JVA	Justizvollzugsanstalt	زندان / اداره اجرای احکام کیفری

مخفف	عنوان کامل آلمانی	معادل فارسی
MBE	Migrationsberatung für erwachsene Zugewanderte	مشاوره مهاجرت برای بزرگسالانِ مهاجر
OVG	Oberverwaltungsgericht	دادگاه عالی اداری ایالت
PKH	Prozesskostenhilfe	کمک‌هزینه دادرسی/ دادگاه
PTBS	Posttraumatische Belastungsstörung	اختلال استرس پس از سانحه
SGB I	Sozialgesetzbuch Erstes Buch	قانون تأمین اجتماعی، کتاب اول
UNHCR	Hoher Flüchtlingskommissar der Vereinten Nationen	کمیساریای عالی سازمان ملل متحد برای پناهندگان
VG	Verwaltungsgericht	دادگاه اداری
VwGO	Verwaltungsgerichtsordnung	قانون آیین دادرسی دادگاه‌های اداری
ZAB	Zentrale Ausländerbehörde	اداره مرکزی امور اتباع خارجی
ZUE	Zentrale Unterbringungseinrichtung	مرکز اسکان مرکزی پناهجویان

Ablehnungsbescheid – offensichtlich unbegründet abgelehnt
(تصمیم رد درخواست پناهندگی به عنوان آشکارا بی‌اساس)

تعریف: رد درخواست پناهندگی به عنوان «آشکارا بی‌اساس» (offensichtlich unbegründet) شکل خاصی از رد درخواست است. شرایط قانونی آن به‌ویژه در ماده ۳۰ قانون پناهندگی و مقررات مربوطه در حقوق اتحادیه اروپا تعیین شده است. این نوع تصمیم پیامدهای حقوقی و اداری مهمی دارد، از جمله مهلت کوتاه‌تر برای خروج و مهلت‌های کوتاه‌تر برای برخی اقدامات قضایی.

به زبان ساده: در اینجا BAMF فقط نمی‌گوید درخواست پناهندگی رد شده است؛ بلکه معتقد است بر اساس معیارهای قانونی، درخواست به‌طور آشکار بی‌اساس است.

نکته عملی: توجه به چنین نوع ردی برای فرد بسیار مهم است، زیرا مهلت مراجعه به دادگاه و درخواست حمایت قضایی می‌تواند کوتاه باشد. بنابراین پس از دریافت چنین تصمیمی باید فوراً بررسی شود که در متن تصمیم چه راه‌های اعتراض و چه مهلت‌هایی ذکر شده است.

مثال: در مورد درخواست پناهندگی فردی از یک کشور مبدأ امن، در صورتی که ارزیابی بامف در صدور جواب منفی، با واقعیات یا مدارک نقض نشود، ممکن است درخواست به عنوان آشکارا بی‌اساس رد شود.

پایه حقوقی / منابع:
§ 30 AsylG | § 36 AsylG | § 38 AsylG | BAMF – Sichere Herkunftsstaaten

Ablehnungsbescheid – unbegründet abgelehnt
(تصمیم رد درخواست پناهندگی به عنوان بی‌اساس)

تعریف: در رد درخواست به عنوان «بی‌اساس» (unbegründet)، بامف پس از بررسی محتوایی درخواست، به این نتیجه می‌رسد که شرایط لازم برای اعطای اشکال مورد درخواست حمایت وجود ندارد. در قانون پناهندگی باید میان انواع مختلف حمایت، از جمله حق پناهندگی، موقعیت پناهندگی، حمایت فرعی و ممنوعیت‌های ملی اخراج تفاوت گذاشت.

به زبان ساده: این یعنی بامف درخواست را از نظر محتوایی بررسی کرده و به این نتیجه رسیده است که شرایط لازم برای اعطای وضعیت حمایتی مربوطه وجود ندارد.

نکته عملی: این نوع ردی، جواب رد عادی می باشد. در این حالت، طبق ماده ۳۸، بند ۲ قانون پناهندگی مهلت خروج قانونی اصولاً ۳۰ روز است؛ البته در شرایط خاص ممکن است مهلت متفاوت باشد. توضیحات مربوط به راه‌های اعتراض و مهلت‌های مندرج برای اعتراض، در تصمیم کتبی بامف تعیین‌کننده است.

مثال: BAMF دلایل ارائه‌شده را بررسی می‌کند و به این نتیجه می رسد که شرایط لازم برای اعطای حق پناهندگی، حمایت از پناهندگان و حمایت فرعی وجود ندارد و همچنین ممنوعیت ملی اخراج را نیز تشخیص نمی‌دهد. در نتیجه درخواست از نظر محتوایی رد می‌شود.

پایه حقوقی / منابع:
§ 31 AsylG | § 38 AsylG | BAMF – Ausgang des Asylverfahrens

Ablehnungsbescheid – Asylantrag als unzulässig abgelehnt
(تصمیم رد درخواست پناهندگی به عنوان ناوارد)

تعریف: هنگامی که درخواست پناهندگی «ناوارد» (unzulässig) اعلام می‌شود، BAMF اصولاً دلایل مربوط به تعقیب و آزار یا سایر دلایل حمایتی فرد را از نظر ماهوی بررسی نمی‌کند. بر اساس ماده ۲۹ قانون پناهندگی، مواردی که مسئولیت یا اعطای حمایت بر عهده کشور دیگری است، درخواست پناهندگی باید به عنوان ناوارد رد شود.

به زبان ساده: «ناوارد» با «بی‌اساس» یکسان نیست. در اینجا BAMF اصولاً نمی‌گوید که دلایل فرار فرد غیرقابل باور یا ناکافی هستند، بلکه می‌گوید به دلیل قانونی مشخص، درخواست در آلمان از نظر ماهوی بررسی نمی‌شود.

نکته عملی: در چنین تصمیمی باید با دقت بررسی شود که کدام یک از دلایل ناوارد بودن در تصمیم ذکر شده است. بسته به مورد، مقررات خاصی در باره اعتراض، مهلت خروج و در صورت لزوم انتقال فرد به کشور دیگر وجود دارد. توضیحات مربوط به راه‌های اعتراض در خود تصمیم اهمیت تعیین‌کننده دارد.

مثال: اگر کشور دیگری از اتحادیه اروپا قبلاً به فرد حمایت بین‌المللی اعطا کرده باشد، BAMF می‌تواند درخواست پناهندگی او در آلمان را بر اساس ماده ۲۹ ، بند ۱، شماره ۲ قانون پناهندگی غیرقابل پذیرش اعلام و رد کند.

پایه حقوقی / منابع:
§ 29 AsylG | § 31 AsylG

Abschiebung
(اخراج / بازگرداندن اجباری)

تعریف: اخراج (Abschiebung) به اجرای اجباری ترک خاک آلمان گفته می‌شود. بر اساس ماده ۵۸ قانون اقامت آلمان (AufenthG)، اخراج اصولاً زمانی امکان‌پذیر است که الزام به ترک کشور قابل اجرا باشد، به فرد مهلت خروج داوطلبانه داده نشده یا این مهلت به پایان رسیده و یا خروج داوطلبانه تضمین نشده باشد. همچنین اگر به دلایل امنیت و نظم عمومی، نظارت بر خروج ضروری باشد.

به زبان ساده: اگر فردی موظف باشد آلمان را ترک کند و داوطلبانه کشور را ترک نکند، در صورت وجود شرایط قانونی، می‌توان او را به‌طور اجباری به کشوری که برای بازگرداندن او تعیین شده منتقل کرد.

نکته عملی: صرف رد شدن درخواست پناهندگی به‌تنهایی به معنای امکان فوری اخراج نیست. از جمله باید بررسی شود که الزام به ترک کشور به لحاظ عملی قابل اجرا باشد و یا مانع قانونی یا عملی برای اخراج وجود نداشته باشد. در باره افراد زیر سن قانونیِ بدون همراه، مقررات حمایتی ویژه‌ای وجود دارد.

مثال: پس از قطعی و قابل اجرا شدن الزام به ترک کشور و پایان مهلت خروج، در صورتی که خروج داوطلبانه تضمین نشده باشد و ممنوعیت اخراج یا مانع دیگری وجود نداشته باشد، اداره مسئول می‌تواند اخراج را اجرا کند.

پایه حقوقی / منابع:
§ 58 AufenthG | § 59 AufenthG | § 60 AufenthG

Abschiebungshaft
(زندان اخراج)

تعریف: بازداشت به منظور اخراج، سلب آزادی‌ای است که با دستور قضایی و برای تضمین یا آماده‌سازی اخراج انجام می‌شود. این نوع بازداشت مجازات کیفری نیست. مطابق ماده ۶۲ قانون اقامت، این بازداشت تنها در شرایط تعیین‌شده در قانون مجاز است و هرگاه هدفِ مورد نظر با وسیله‌ای خفیف‌تر قابل دستیابی باشد، نباید دستور بازداشت صادر شود.

به زبان ساده: ممکن است فردی برای مدت محدودی بازداشت شود تا اخراجی که از نظر قانونی امکان‌پذیر است، خنثی یا مختل نشود. برای این کار باید شرایط قانونی وجود داشته باشد. تصمیم در این مورد اساسا با دادگاه می باشد.

نکته عملی: مدت بازداشت باید تا کوتاه‌ترین زمان ممکن محدود شود. افراد زیر سن قانونی و خانواده‌های دارای فرزند زیر سن قانونی اصولاً در بازداشت به منظور اخراج قرار داده نمی‌شوند. برای انواع مختلف بازداشت، شرایط متفاوتی وجود دارد. بازداشت تأمینی (Sicherungshaft) اصولاً می‌تواند تا شش ماه تعیین شود و در شرایط مشخص تا حداکثر ۱۸ ماه تمدید شود.

مثال: اگر خطر فرار وجود داشته باشد و فرد موظف به ترک کشور باشد، دادگاه می‌تواند در صورت وجود سایر شرایط قانونی، بازداشت تأمینی را مقرر کند؛ به‌خصوص زمانی که بدون بازداشت، اجرای اخراج به‌طور قابل توجهی دشوار یا غیرممکن شود.

پایه حقوقی / منابع:
§ 62 AufenthG | § 62a AufenthG

Abschiebungsschutz
(حمایت در برابر اخراج)

تعریف: «حمایت در برابر اخراج» اصطلاحی کلی برای انواع حمایت‌های حقوقی است که مانع اخراج یک شخص به کشور مشخصی می‌شوند. از جمله این موارد می‌توان به حمایت از پناهندگان، دارندگان موقعیت حمایت فرعی و دارندگان ممنوعیت‌های اخراج طبق ماده ۶۰، بندهای ۵ یا ۷ قانون اقامت اشاره کرد.

به زبان ساده: به زبان ساده، حمایت در برابر اخراج یعنی یک شخص به دلایل حقوقی نمی‌تواند به کشور مشخصی اخراج شود. اینکه این حمایت بر چه مبنای قانونی قرار دارد، باید در هر مورد جداگانه بررسی شود.

نکته عملی: در مشاوره باید دقیقاً مشخص شود که نوع حمایت پناهجو بر چه مبنای قانونی قرار دارد. «Abschiebungsverbot» (ممنوعیت اخراج) با به‌رسمیت‌شناختن فرد به‌عنوان پناهنده یا اعطای حمایت فرعی یکسان نیست.

تفاوت بین "حمایت در برابر اخراج" با ممنوعیت اخراج: «Abschiebungsschutz» اصطلاحی کلی برای انواع حمایت‌های قانونی در برابر اخراج به یک کشور مشخص است، در حالی که «Abschiebungsverbot» یک شکل مشخص قانونی از این حمایت، به‌ویژه طبق ماده ۶۰، بندهای ۵ یا ۷ قانون اقامت است. در صورت بیماری شدید نیز در شرایط قانونی می‌توان ممنوعیت اخراج به دلایل پزشکی را مطرح کرد.

مثال: برای مثال، BAMF تشخیص می‌دهد که به دلیل خطر مشخصِ رفتار غیرانسانی در صورت اخراج، فرد نباید به کشور مبدأ خود اخراج شود.

پایه حقوقی / منابع:
§ 60 AufenthG – Verbot der Abschiebung | § 25 Abs. 3 AufenthG – Aufenthaltserlaubnis bei Abschiebungsverbot

Abschiebungsverbot
(ممنوعیت اخراج)

تعریف: ممنوعیت اخراج، از بازگرداندن فرد به کشور مشخصی جلوگیری می‌کند؛ چنانچه شرایط قانونی ممنوعیت اخراج وجود داشته باشد. ماده ۶۰ قانون اقامت چندین وضعیت را در این زمینه پیش بینی می‌کند.

به زبان ساده: ممنوعیت اخراج یعنی فرد، در صورت تحقق شرایط قانونی، نباید به کشور مورد نظر بازگردانده شود، زیرا در آنجا ممکن است با خطر جدی یا رفتار مغایر با حقوق بشر مواجه شود.

نکته عملی: باید میان انواع مختلف حمایت تفکیک قائل شد. ممنوعیت ملی اخراج بر اساس ماده ۶۰، بند ۵ یا ۷ قانون اقامت با به‌رسمیت‌شناختن فرد به عنوان پناهنده یا اعطای حمایت فرعی یکسان نیست. در صورت احراز ممنوعیت ملی اخراج، ممکن است بر اساس ماده ۲۵، بند ۳ قانون اقامت، اجازه اقامت صادر شود.

مثال: اگر در صورت بازگرداندن فرد به یک کشور مشخص، خطر جدی و مشخص برای جان، جسم یا آزادی او وجود داشته باشد یا خطر نقض کنوانسیون اروپایی حقوق بشر وجود داشته باشد، در صورت تحقق شرایط قانونی، می‌توان ممنوعیت ملی اخراج را احراز کرد.

پایه حقوقی / منابع:
§ 60 AufenthG | § 25 AufenthG | § 31 AsylG

Anerkennung
(به‌رسمیت شناختن)

تعریف: در حوزه پناهندگی و اقامت، «Anerkennung» به معنای احراز و اعلام رسمی یک وضعیت حقوقیِ مورد حمایت، یا پذیرش یک حق مشخص از سوی مرجع صلاحیت‌دار اداری یا دادگاه است. در روند پناهندگی، به‌ویژه باید میان به‌رسمیت شناختن حق پناهندگی بر اساس ماده ۱۶الف قانون اساسی آلمان و اعطای وضعیت پناهندگی بر اساس ماده ۳ قانون پناهندگی تفاوت گذاشت. بررسی و تصمیم گیری در مورد درخواست های پناهندگی، با اداره فدرال مهاجرت و پناهندگان (BAMF) است و از جمله بررسی می‌کند که آیا شرایط لازم برای به‌رسمیت شناختن حق پناهندگی یا برخورداری از حمایت بین‌المللی وجود دارد یا خیر.

به زبان ساده: «Anerkennung» یعنی یک اداره یا دادگاه رسماً تأیید کند که فرد، شرایط قانونی مشخصی را دارد و به همین دلیل از یک وضعیت یا حق قانونی برخوردار است.

نکته عملی: در روند پناهندگی بسیار مهم است که دقیقاً مشخص شود کدام نوع حمایت برای فرد به‌رسمیت شناخته یا اعطا شده است. به‌رسمیت شناختن حق پناهندگی با اعطای وضعیت پناهندگی یکسان نیست. همچنین ممنوعیت اخراج به معنای به‌رسمیت شناخته شدن فرد به‌عنوان پناهنده نیست. بنابراین، متن دقیق تصمیم BAMF اهمیت ویژه‌ای دارد. هنگام صدور اجازه اقامت، اداره امور اتباع خارجی متناسب با نوع حمایت اعطاشده، عنوان اقامت مربوطه را صادر می‌کند. این تفاوت بر مواردی مانند برخی خدمات دولتی، شرایط الحاق خانواده، اجازه اشتغال و امکان دریافت برخی حمایت‌های دولتی برای تحصیل دانشگاهی تأثیر می‌گذارد.

مثال: BAMF تشخیص می‌دهد که یک متقاضی پناهندگی شرایط دریافت موقعیت پناهندگی را دارد. فرد به این ترتیب از حمایت پناهندگی برخوردار می‌شود. این وضعیت از نظر حقوقی با به‌رسمیت شناختن حق پناهندگی بر اساس ماده ۱۶الف قانون اساسی آلمان متفاوت است.

پایه حقوقی / منابع:
Artikel 16a GG | §§ 2 und 3 AsylG

Anhörung im Asylverfahren
(مصاحبه / جلسه استماع در روند پناهندگی)

تعریف: مصاحبه ی شخصی در BAMF یکی از بخش‌های مرکزی روند پناهندگی است. در این جلسه به متقاضی پناهندگی فرصت داده می‌شود دلایل شخصی فرار و تعقیب و همچنین سایر واقعیت‌ها و شرایطی را که ممکن است مانع اخراج او شوند، بیان کند.

به زبان ساده: Anhörung یا Interview همان جلسه‌ای است که در آن، فرد به BAMF به‌طور مفصل توضیح می‌دهد چرا کشور خود را ترک کرده و چرا در صورت بازگشت نیاز به حمایت دارد.

نکته عملی: مصاحبه ی پناهندگی، تعیین کننده ترین مرحله در پروسه درخواست پناهندگی می باشد. حضور در Anhörung بسیار مهم است. واقعیت‌ها و تجربیات شخصی مهم باید تا حد امکان کامل و صادقانه بیان شوند. طبق ماده ۲۵ قانون پناهندگی، ممکن است اطلاعاتی که بعد از مصاحبه ارائه می‌شوند، در نظر گرفته نشوند. جلسه علنی نیست و مترجم نیز حضور خواهد داشت. تحت شرایط خاصی امکان حضور وکیل یا یک فرد مورد اعتماد متقاضی پناهندگی نیز وجود دارد.

مثال: فردی که به دلیل تعقیب سیاسی از کشور خود فرار کرده است، در جلسه Anhörung اتفاقات مشخصی که نشان دهنده تحت تعقیب بودنش می باشد را توضیح داده و تجربیات شخصی خود و دلایلی که موجب می‌شوند در صورت بازگشت، دوباره در معرض خطر قرار گیرد را شرح می‌دهد.

پایه حقوقی / منابع:
§ 25 AsylG | BAMF – Persönliche Anhörung

Ankerzentren / AnkER-Einrichtungen
(مراکز آنکر / مراکز «ورود، تصمیم‌گیری و بازگشت»)

تعریف: «AnkER» مخفف Ankunft, Entscheidung und Rückführung، یعنی «ورود، تصمیم‌گیری و بازگشت» است. AnkER-Einrichtungen مراکزی هستند که در آنها چندین مرحله و وظیفه مرتبط با روند پناهندگی، از جمله پذیرش، ثبت، رسیدگی و در صورت لزوم بازگشت، تا حد امکان در یک محل متمرکز می‌شوند. این مدل از سال ۲۰۱۸ ایجاد شد.

به زبان ساده: در یک مرکز AnkER تلاش می‌شود مراحل مختلف پرونده پناهندگی، از ورود و ثبت اطلاعات تا تصمیم‌گیری و در صورت لزوم بازگشت، تا حد امکان در یک محل انجام شود.

نکته عملی: اجرای GEAS در ۱۲ ژوئن ۲۰۲۶ به‌معنای حذف خودکار مراکز AnkER نیست. AnkER و این مراکز همچنان می‌توانند بخشی از ساختار پذیرش اولیه باشند. در کنار این ساختار، پس از اجرای اصلاحات GEAS در آلمان، امکان ایجاد Sekundärmigrationszentren (مراکز مهاجرت ثانویه) نیز فراهم شده است. این مراکز جایگزین AnkER-Zentren نیستند، بلکه یک سازوکار جدید و جداگانه برای دسته مشخصی از پرونده‌ها هستند.

مثال: فردی پس از ثبت و شناسایی در یک مرکز پذیرش اقامت داده می‌شود؛ در آنجا چندین نهاد مرتبط با روند پناهندگی با یکدیگر همکاری می‌کنند. اینکه فرد چه مدت باید در آن مرکز بماند، صرفاً از اصطلاح AnkER ناشی نمی‌شود، بلکه به مقررات قانونی مربوط به مراکز پذیرش، تکالیف اقامت و محدودیت‌های مکانی بستگی دارد.

پایه حقوقی / منابع:
§§ 44 ff. AsylG | BAMF – Ankunftszentren und AnkER-Einrichtungen

Anlaufbescheinigung
(گواهی معرفی به مرکز پذیرش)

تعریف: Anlaufbescheinigung برگه ای است که پناهجویان می‌توانند پس از نخستین ثبت و در صورتی که بر اساس نظام EASY برای ادامه روند به یک مرکز پذیرش در ایالت دیگری منتقل شوند، دریافت کنند. این سند، از جمله، اطلاعات شخصی، نشانی مرکز پذیرش مسئول و اطلاعات مربوط به تخصیص در نظام EASY را دربرمی‌گیرد.

به زبان ساده: چنین برگه ای مشخص می کند که متقاضی پناهندگی درخواستش را ارائه داده و باید خودش را در محلی که در آن برگه آمده، معرفی کنی.

نکته عملی: Anlaufbescheinigung را نباید با Ankunftsnachweis (گواهی ورود و ثبت) یکی دانست. Anlaufbescheinigung برای رفتن فرد به مرکز پذیرش مربوطه و معرفی خود در آنجاست؛ گواهی ورود پس از آن در مرکز مربوط صادر می‌شود.

مثال: پس از ثبت اولیه مشخص می‌شود که فرد باید به یک ایالت دیگر برود. آن مرکز برنامه سفر را سازمان‌دهی می‌کند و فرد با Anlaufbescheinigung و نشانی مرکز پذیرش، خود را به آنجا معرفی می‌کند.

پایه حقوقی / منابع:
BAMF – Erstverteilung der Asylsuchenden | § 45 AsylG

Anmelden / Anmeldebescheinigung
(ثبت آدرس / گواهی ثبت آدرس)

تعریف: Anmelden در حقوق اداری آلمان به ثبتِ محل سکونت نزد اداره ثبت ساکنان، مربوط است. کسی که در یک محل سکونت جدید مستقر می‌شود، اصولاً باید در مهلت قانونی خود را نزد اداره مربوطه ثبت کند.
Anmeldebescheinigung گواهی انجام این ثبت است.

به زبان ساده: کسی که در آلمان در یک خانه یا محل سکونت جدید مستقر می‌شود، باید نشانی خود را نزد مرجع ثبت مربوطه ثبت کند و به‌عنوان مدرک، گواهی ثبت آدرس دریافت می‌کند.

نکته عملی: برای پناهجویان و مهاجران، ثبت آدرس اهمیت دارد، زیرا نشانی ثبت‌شده برای امور مختلف نزد ادارات، از جمله اداره امور اتباع خارجی، جاب‌سنتر یا اداره خدمات اجتماعی، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

مثال: یک پناهنده پذیرفته‌شده به خانه‌ای مستقل نقل مکان می‌کند. او نشانی جدید خود را نزد اداره مربوطه ثبت کرده و گواهی ثبت آدرس دریافت می‌کند.

مهم: پس از تغییر آدرس، باید یک کپی از گواهی ثبت آدرس برای ادارات مسئول ارسال شود. برای اداره امور اتباع خارجی معمولاً لازم نیست، زیرا این اداره از طریق اداره ثبت ساکنان یا Bürgerbüro مستقیماً از نشانی جدید مطلع می‌شود. افرادی که پرونده پناهندگی آنها هنوز نزد BAMF مختومه نشده یا پرونده آنها در دادگاه اداری مطرح است، باید تغییر آدرس خود را فوراً به آنجا اطلاع دهند.

پایه حقوقی / منابع:
Bundesmeldegesetz (BMG) §§ 17 und 24

Arbeitserlaubnis
(اجازه کار)

تعریف: Arbeitserlaubnis در زبان عمومی به اجازه اشتغال یک تبعه خارجی گفته می‌شود. در حقوق اقامت آلمان، حق اشتغال اصولاً از طریق عنوان اقامت یا مقررات مندرج در آن تنظیم می‌شود. برای پناهجویان و افرادی که Duldung دارند، مقررات ویژه‌ای وجود دارد.

به زبان ساده: هر فردی که از یک کشور خارج از اتحادیه اروپا می‌آید، به‌طور خودکار اجازه کار در آلمان ندارد. اینکه فرد اجازه کار دارد و در چه محدوده‌ای می‌تواند کار کند، به‌ویژه به وضعیت اقامتی او و اطلاعات درج‌شده در اجازه اقامت، Aufenthaltsgestattung یا Duldung بستگی دارد.

نکته عملی: پیش از شروع کار باید بررسی شود که فرد حق اشتغال دارد یا نه. در برخی انواع اجازه اقامت، حق اشتغال مستقیماً وجود دارد و در برخی موارد شرایط یا بررسی اضافی لازم است. اگر اجازه لازم وجود نداشته باشد، نباید کار آغاز شود.

مثال: فردی که هنوز در روند پناهندگی است، یک پیشنهاد شغلی دریافت می‌کند. پیش از شروع کار بررسی می‌شود که آیا بر اساس وضعیت اقامتی خود اجازه کار دارد و آیا به اجازه اضافی نیاز است یا نه.

پایه حقوقی / منابع:
Aufenthaltsgesetz (AufenthG) § 4a | Asylgesetz (AsylG) § 61

Asyl
(پناهندگی)

تعریف: Asyl در معنای محدود حقوقِ اساسی آلمان به حمایت بر اساس ماده ۱۶الف قانون اساسی آلمان اشاره دارد. اما در زبان روزمره و در ادبیات سیاست مهاجرت، «Asyl» اغلب به‌عنوان اصطلاحی کلی برای روند پناهندگی و انواع مختلف حمایت بین‌المللی به کار می‌رود.

از نظر حقوقی باید میان پذیرفته شده به عنوان پناهنده(Anerkennung als Asylberechtigter) بر اساس ماده ۱۶الف قانون اساسی و حمایت فرعی و ممنوعیت‌های ملی اخراج (Flüchtlingseigenschaft)، تفاوت گذاشت.

به زبان ساده: در زبان روزمره، Asyl اغلب برای کل روند حمایت به یک متقاضی پناهندگی به کار می‌رود؛ اما از نظر حقوقی، Asylberechtigung فقط یکی از اشکال مشخص حمایت بر اساس ماده ۱۶الف قانون اساسی است.

نکته عملی: در مشاوره و مستندسازی باید دقیقاً مشخص شود که منظور کدام نوع حمایت است. ردِ موقعیت Asylberechtigung به‌خودی‌خود به این معنا نیست که شکل دیگری از حمایت در چارچوب پناهندگی نیز رد شده است.

مثال: BAMF شناسایی فردی به‌عنوان Asylberechtigter بر اساس ماده ۱۶الف قانون اساسی را رد می‌کند، اما ویژگی پناهندگی او را به رسمیت می‌شناسد. بنابراین او از حمایت پناهندگی برخوردار است، هرچند در معنای محدود حقوق اساسی «پناهنده واجد حق پناهندگی» شناخته نشده است.

پایه حقوقی / منابع:
Aufenthaltstitel | Artikel 16a Grundgesetz | § 3 AsylG – Flüchtlingseigenschaft

Asylberechtigte
(افراد دارای حق پناهندگی)

تعریف: افراد دارای حق پناهندگی (Asylberechtigte) کسانی هستند که حق بنیادین پناهندگی طبق ماده ۱۶الف، بند ۱ از قانون اساسی آلمان (GG) به آنان اعطا شده است. این حق به افرادی مربوط می‌شود که به دلایل سیاسی تحت تعقیب قرار گرفته‌اند. وضعیت حقوقی آنان از جمله در ماده ۲ قانون پناهندگی تنظیم شده است.

به زبان ساده: فرد زمانی دارای موقعیت پناهنده سیاسی است که آلمان حمایت قانون اساسی مربوط به پناهندگی را طبق ماده ۱۶الف قانون اساسی به او اعطا کرده باشد.

نکته عملی: حق پناهندگی با به‌رسمیت‌شناختن فرد به عنوان پناهنده طبق ماده ۳ قانون پناهندگی، یکی نیست. این دو وضعیت ممکن است پیامدهای حقوقی مشابهی داشته باشند، اما از نظر حقوقی یکسان نیستند.

مثال: BAMF فردی را طبق ماده ۱۶الف قانون اساسی آلمان دارای حق پناهندگی می‌شناسد. در نتیجه، فرد می‌تواند اصولاً بر اساس ماده ۲۵، بند ۱ قانون اقامت، اجازه اقامت دریافت کند.

پایه حقوقی / منابع:
§ 2 AsylG | § 31 AsylG | § 25 AufenthG

Asylbewerber / Asylantragstellende
(متقاضیان پناهندگی)

تعریف: اصطلاح Asylbewerber یا Asylantragstellende به افرادی گفته می‌شود که در آلمان درخواست پناهندگی داده‌اند و روند رسیدگی به درخواست آنان در حال بررسی بوده و هنوز به‌طور نهایی پایان نیافته است. این اصطلاح در وهله نخست وضعیت فرد در روند رسیدگی را نشان می‌دهد و به خودی خود چیزی درباره اینکه فرد در نهایت از حمایت در چارچوب حق پناهندگی برخوردار خواهد شد یا نه، نمی‌گوید.

به زبان ساده: متقاضی پناهندگی کسی است که در آلمان درخواست حمایت کرده و هنوز منتظر تصمیم درباره درخواست خود است.

نکته عملی: برای طبقه‌بندی دقیق حقوقی باید میان درخواست ثبت‌شده پناهندگی، روند جاری پناهندگی و وضعیت حمایتی اعطا شده تفاوت گذاشت. در طول روند پناهندگی ممکن است فرد دارای Aufenthaltsgestattung باشد(برگه اقامت موقت در حالی که درخواست پناهندگی در دست بررسی است).

مثال: فردی در آلمان درخواست پناهندگی می‌دهد. تا زمانی که روند رسیدگی ادامه دارد و تصمیم نهایی و قطعی صادر نشده است، می‌توان او را متقاضی پناهندگی نامید.

پایه حقوقی / منابع:
§ 13 AsylG | BAMF – Ausgang des Asylverfahrens

Asylbewerberleistungsgesetz (AsylbLG)
(قانون تامین اجتماعی متقاضیان پناهندگی)

تعریف: قانونِ تامین اجتماعی متقاضیان پناهندگی (Asylbewerberleistungsgesetz – AsylbLG) مزایای دولتی مربوط به تأمین هزینه زندگی و برخی نیازهای دیگر را برای گروه‌هایی از افراد که در ماده ۱ این قانون مشخص شده‌اند، تنظیم می‌کند. این گروه‌ها، با رعایت شرایط قانونی، از جمله شامل متقاضیان پناهندگی دارای Aufenthaltsgestattung و گروه‌های دیگری با برخی وضعیت‌های مشخص اقامتی می‌شوند.

به زبان ساده: این قانون مشخص می‌کند افرادی که شرایط تعیین‌شده در قانون را دارند و نمی‌توانند هزینه زندگی خود را تأمین کنند، از چه حمایت‌های اجتماعی دولتی می‌توانند برخوردار شوند.

نکته عملی: این قانون از جمله مزایای پایه، خدمات مربوط به بیماری، بارداری و زایمان و برخی مزایای دیگر را تنظیم می‌کند. برای افرادی که بدون وقفه اساسی ۳۶ ماه در آلمان اقامت داشته‌اند و مدت اقامت خود را از طریق سوءاستفاده از قانون به‌طور عمدی طولانی نکرده‌اند، ماده ۲ قانون مزایای متقاضیان پناهندگی، مقررات ویژه‌ای پیش‌بینی کرده است.

مثال: فردی که دارای Aufenthaltsgestattung است و شرایط ماده این قانون را دارد، می‌تواند از مزایایی که قانون تعیین کرده است برخوردار شود. نوع و میزان مزایا به شرایط قانونی و وضعیت فردی بستگی دارد.

پایه حقوقی / منابع:
§ 1 AsylbLG | § 2 AsylbLG | § 3 AsylbLG | § 4 AsylbLG | Leistungssätze ab 2026

Asylfolgeantrag
(درخواست پناهندگی مجدد، پس از پایان یک پرونده قبلی)

تعریف: Asylfolgeantrag به درخواست پناهندگی مجددی گفته می‌شود که پس از پایان یک پرونده پناهندگی قبلی در آلمان ارائه می‌شود. بر اساس مقرراتی که از ۱۲ ژوئن ۲۰۲۶ اعمال می‌شود، بررسی چنین درخواستی از جمله بر اساس ماده ۷۱ قانون پناهندگی و مواد ۵۵ و ۵۶ مقررات اتحادیه اروپا Verordnung (EU) 2024/1348 انجام می‌شود. ارائه درخواست مجدد به‌طور خودکار به معنای آغاز یک رسیدگی کامل و جدید نیست. اداره فدرال مهاجرت و پناهندگی (BAMF) ابتدا بررسی می‌کند که آیا شرایط قانونی برای رسیدگی مجدد وجود دارد یا خیر.

به زبان ساده: کسی که قبلاً در آلمان یک پرونده پناهندگی داشته است، در شرایط مشخصی می‌تواند دوباره درخواست پناهندگی بدهد. نکته تعیین‌کننده این است که آیا اطلاعات، وقایع یا شواهد جدیدی وجود دارد که بتواند به تصمیمی مساعدتر منجر شود.

نکته عملی: در یک درخواست مجدد باید دقیقاً مشخص شود که از زمان پرونده قبلی چه چیزی تغییر کرده است و چه واقعیات یا مدارک جدیدی وجود دارد. همچنین باید زمان وقوع این تغییرات تا حد امکان روشن و قابل اثبات باشد.

مثال: پس از قطعی شدن رد درخواست پناهندگی نخست، فرد مدارکی جدید ارائه می‌کند که نشان می‌دهد وضعیت خطر شخصی او به‌طور قابل توجهی تغییر کرده است. BAMF بررسی می‌کند که آیا شرایط لازم برای رسیدگی به یک پرونده جدید وجود دارد یا خیر.

پایه حقوقی / منابع:
§ 71 AsylG | Art. 3 Nr. 19 Verordnung (EU) 2024/1348 | Art. 55 und 56 Verordnung (EU) 2024/1348 | BAMF – Ablauf des Asylverfahrens | asyl.net - Folge- und Zweitantrag

Asylgesetz (AsylG)
(قانون پناهندگی آلمان)

تعریف: Asylgesetz (AsylG) قانون مرکزی آلمان در زمینه رسیدگی به درخواست‌های پناهندگی و بسیاری از مسائل مربوط به اعطای پناهندگی و حمایت بین‌المللی است. این قانون، از جمله، مقررات مربوط به ارائه درخواست پناهندگی، رسیدگی توسط BAMF، جلسه استماع، تصمیم‌گیری درباره درخواست، پذیرش و توزیع پناهجویان، Aufenthaltsgestattung، درخواست‌های مجدد و راه‌های اعتراض قضایی را دربرمی‌گیرد.

به زبان ساده: قانون پناهندگی مشخص می‌کند که رسیدگی به یک درخواست پناهندگی در آلمان چگونه انجام می‌شود و چه اشکال قانونی حمایت مورد بررسی قرار می‌گیرند.

نکته عملی: هنگام استفاده از منابع قدیمی باید بررسی شود که آیا مواد قانونی ذکرشده هنوز معتبر هستند یا تغییر کرده‌اند. به‌ویژه در ارتباط با اصلاحات مربوط به GEAS، بسیاری از مقررات تغییر کرده‌اند.

مثال: یک مشاور می‌تواند بر اساس AsylG بررسی کند که برای ارائه درخواست، جلسه استماع، تصمیم BAMF، اعتراض قضایی یا Aufenthaltsgestattung کدام مقررات فعلی قابل اعمال است.

پایه حقوقی / منابع:
Asylgesetz (AsylG) | § 25 AsylG | §§ 44 ff. AsylG | §§ 55 ff. AsylG | §§ 71 ff. AsylG

Asylverfahrensgesetz (AsylVfG)
(قانون روند رسیدگی به پناهندگی)

تعریف: Asylverfahrensgesetz (AsylVfG) نام سابق قانون رسیدگی به پرونده‌های پناهندگی بود. از ۲۴ اکتبر ۲۰۱۵ نام این قانون به Asylgesetz (AsylG) تغییر کرده است. بنابراین AsylVfG دیگر نام قانونیِ جاری نیست.

به زبان ساده: اگر در یک متن قدیمی اصطلاح AsylVfG را دیدید، معمولاً منظور همان قانونی است که امروز AsylG نام دارد.

نکته عملی: در احکام، اسناد یا منابع قدیمی باید بررسی شود که ماده قانونی مورد اشاره در آن زمان چه محتوایی داشته و امروز معادل آن کدام مقرره است. به‌ویژه در ارتباط با اصلاحات جدیدِ نظام اروپایی پناهندگی، نباید شماره مواد قدیمی را بدون بررسی با وضعیت فعلی تطبیق داد.

مثال: در یک بروشور مربوط به سال ۲۰۱۴ ممکن است از یک ماده AsylVfG نام برده شده باشد. برای استفاده از آن اطلاعات در مشاوره امروزی باید ابتدا بررسی شود که این مقرره در قانون فعلی چه وضعیتی دارد.

پایه حقوقی / منابع:
AsylG

Attest
(گواهی پزشکی)

تعریف: Attest، گواهی پزشکی‌ای است که در آن، پزشک برخی واقعیات پزشکی، علائم، تشخیص‌ها یا محدودیت‌های جسمی و روانی فرد را تأیید می‌کند. در حقوق پناهندگی و اقامت، گواهی‌های پزشکی به‌ویژه زمانی اهمیت پیدا می‌کنند که وضعیت سلامت فرد برای روند پناهندگی، تضمین‌های ویژه روند رسیدگی یا امکان بازگرداندن او اهمیت داشته باشد.

به زبان ساده: گواهی پزشکی یک مدرک کتبی پزشکی درباره وضعیت سلامت یا بیماری فرد است.

نکته عملی: گواهی پزشکی باید تا حد امکان مشخص، قابل فهم و قابل پیگیری باشد. باید روشن باشد که یافته‌های پزشکی بر اساس چه معاینه‌ای به دست آمده‌اند و چه پیامدهای جسمی یا روانی‌ای ممکن است داشته باشند. در مورد بیماری‌های روانی یا پیامدهای شکنجه و آسیب‌دیدگی روانی، بسته به مورد، ممکن است گزارش تخصصی‌تر پزشک متخصص یا یک ارزیابی کارشناسی لازم باشد. صرف ارائه گواهی پزشکی به‌طور خودکار موجب صدور ممنوعیت اخراج یا یک عنوان اقامت مشخص نمی‌شود. همچنین ممکن است یک اداره، برای مثال هنگام خروج از محلِ اسکان

جمعی(خوابگاه پناهجویان) و انتقال به مسکن مستقل یا هنگام جابه‌جایی از یک شهر به شهر دیگر، ارائه گواهی پزشکی را درخواست کند.

مثال: یک متقاضی پناهندگی از یک بیماری شدید روانی رنج می‌برد. پزشک متخصص معالج برای او گواهی پزشکی صادر می‌کند که در آن تشخیص، روند درمان و پیامدهای احتمالی بازگرداندن/اخراج فرد از نظر سلامت توضیح داده شده است.

پایه حقوقی / منابع:
§ 60 Abs. 5 und 7 AufenthG

Aufenthaltserlaubnis
(اجازه اقامت)

تعریف: Aufenthaltserlaubnis یک عنوان اقامت موقت بر اساس قانون اقامت آلمان است. این اجازه برای یک هدف مشخص که قانون تعیین کرده صادر می‌شود؛ برای مثال به دلایل بشردوستانه، خانوادگی یا دیگر اهداف پیش‌بینی‌شده در قانون اقامت. حقوق و وظایف فرد به‌ویژه به مبنای قانونی مشخصی که اجازه اقامت بر اساس آن صادر شده و همچنین شروط مندرج در آن بستگی دارد.

به زبان ساده: داشتن Aufenthaltserlaubnis به‌طور کلی یعنی: این فرد بر اساس یک مبنای قانونی مشخص و برای مدت معینی اجازه دارد در آلمان اقامت کند.

نکته عملی: برای مشاوره کافی نیست که فقط بدانیم فرد Aufenthaltserlaubnis دارد. باید مشخص شود که این اجازه بر اساس کدام ماده قانونی، برای چه مدت و با چه شروطی صادر شده است. Aufenthaltserlaubnis با Niederlassungserlaubnis و Erlaubnis zum Daueraufenthalt – EU تفاوت دارد.

مثال: فردی بر اساس یکی از مقررات بشردوستانه قانون اقامت، Aufenthaltserlaubnis دریافت کرده است. اینکه آیا حق کار دارد، تمدید آن تحت چه شرایطی ممکن است و آیا می‌تواند به عنوان اقامتی دیگری منتقل شود، به مبنای قانونی مشخص آن بستگی دارد.

پایه حقوقی / منابع:
§ 4 Abs. 1 Satz 2 Nr. 2 AufenthG | § 7 AufenthG

Aufenthaltsgesetz (AufenthG)
(قانون اقامت آلمان)

تعریف: Aufenthaltsgesetz (AufenthG) ورود، اقامت، اشتغال و پایان اقامت اتباع خارجی در آلمان را تنظیم می‌کند. این قانون، از جمله، مقرراتِ مربوط به عناوین اقامت، Aufenthaltserlaubnis، Niederlassungserlaubnis، اقامت به دلایل بشردوستانه، پیوستن اعضای خانواده، اشتغال، الزام به ترک کشور و اخراج را دربرمی‌گیرد.

به زبان ساده: قانون اقامت در اصل به این پرسش پاسخ می‌دهد: «یک فرد تبعه کشور ثالث تحت چه شرایطی می‌تواند وارد آلمان شود، در این کشور بماند، کار کند یا مجبور به ترک آلمان شود؟»

نکته عملی: AufenthG و AsylG را باید از یکدیگر تفکیک کرد. AsylG عمدتاً روند پناهندگی و بررسی اشکال حمایت را تنظیم می‌کند، در حالی که AufenthG عمدتاً قانون عمومی اقامت است. با این حال، در عمل این دو قانون در بسیاری از موارد با یکدیگر ارتباط دارند.

مثال: پس از پایان روند پناهندگی، فرد بر اساس یکی از مقررات AufenthG Aufenthaltserlaubnis دریافت می‌کند. حقوق و محدودیت‌های او فقط از داشتن کارت اقامت مشخص نمی‌شود، بلکه باید ماده قانونی‌ای که اقامت بر اساس آن صادر شده است، بررسی شود.

پایه حقوقی / منابع:
§ 4 AufenthG | § 7 AufenthG

Aufenthaltsgestattung
(اجازه اقامت در طول روند رسیدگی به درخواست پناهندگی)

تعریف: Aufenthaltsgestattung اجازه قانونی اقامت فرد در آلمان در طول رسیدگی به پرونده پناهندگی است. بر اساس ماده ۵۵ قانون پناهندگی، اقامت فرد برای انجام روند پناهندگی، تا زمانی که شرایط قانونی آن وجود داشته باشد، مجاز است. Aufenthaltsgestattung عنوان اقامت بر اساس قانون اقامت (AufenthG) نیست؛ بلکه مستقیماً بر اساس قانون پناهندگی ایجاد می‌شود.

به زبان ساده: فردی که Aufenthaltsgestattung دارد، به‌طور ساده می‌تواند بگوید: «من به این دلیل که پرونده پناهندگی‌ام هنوز در حال رسیدگی است، اجازه دارم در آلمان بمانم.» این وضعیت به معنای آن نیست که فرد به‌عنوان پناهنده یا شخص واجد حق پناهندگی شناخته شده است.

نکته عملی: Aufenthaltsgestattung را باید از Aufenthaltserlaubnis و Duldung تفکیک کرد. همچنین ممکن است همراه با آن محدودیت‌های مکانی و الزام‌هایی برای اسکان وجود داشته باشد. بنابراین در مشاوره باید علاوه بر خودِ Aufenthaltsgestattung، محدودیت‌های مکانی، شروط و Verpflichtung zur Unterbringung نیز بررسی شوند.

مثال: فردی درخواست پناهندگی خود را ارائه کرده اما هنوز عنوان اقامت دیگری دریافت نکرده است. در طول روند رسیدگی، اقامت او بر اساس ماده ۵۵ قانون پناهندگی مجاز است و این وضعیت با گواهی مربوطه بر اساس ماده ۶۳ قانون پناهندگی اثبات می‌شود.

پایه حقوقی / منابع:
§ 55 AsylG | § 56 AsylG | § 63 AsylG | Art. 10 Verordnung (EU) 2024/1348 | BAMF – Ablauf des Asylverfahrens | Aufenthaltsgestattung

Aufschiebende Wirkung
(اثر تعلیقی)

تعریف: Aufschiebende Wirkung به این معناست که یک اعتراض یا شکایت، در شرایطی که قانون تعیین کرده است، اجرای تصمیم اداری مورد اعتراض را بطور موقت تعلیق می‌کند. در حقوق پناهندگی و اقامت، شکایت همیشه به‌طور خودکار دارای اثر تعلیقی نیست.

به زبان ساده: اگر یک اعتراض یا شکایت دارای اثر تعلیقی باشد، تصمیم مورد اعتراض اصولاً تا زمانی که اثر تعلیقی وجود دارد اجرا نمی‌شود. با این حال، در حقوق پناهندگی استثناهای قانونی متعددی وجود دارد.

نکته عملی: در روند پناهندگی باید دقیقاً بررسی شود که شکایت در مورد مشخص چه اثری دارد. طبق ماده ۷۵ قانون پناهندگی، شکایت علیه تصمیم‌های موضوع قانون پناهندگی، اصولاً اثر تعلیقی ندارد، مگر در مواردی که قانون پیش‌بینی کرده است. اگر اثر تعلیقی وجود نداشته باشد، بسته به مورد ممکن است درخواست فوری از دادگاه اداری لازم باشد. بنابراین باید توضیحات مربوط به راه اعتراض در تصمیم BAMF فوراً بررسی شود.

اگر اثر تعلیقی وجود نداشته باشد، بسته به پرونده، ممکن است درخواست فوری دیگری به دادگاه اداری ضروری باشد. بنابراین، دستورالعمل‌های مربوط به راه‌حل‌های قانونی در تصمیم BAMF باید فوراً بررسی شود.

مثال: اداره فدرال مهاجرت و پناهندگی (BAMF) تصمیمی صادر می‌کند که شکایت علیه آن به‌طور خودکار اثر تعلیقی ندارد. فرد می‌خواهد از اجرای اخراج پیش از تصمیم دادگاه جلوگیری کند و باید بررسی کند که آیا درخواست فوری برای ایجاد اثر تعلیقی لازم و ممکن است.

پایه حقوقی / منابع:
§ 75 AsylG | § 84 AufenthG

Ausbildungsduldung
(تحمل موقت اقامت برای آموزش حرفه‌ای)

تعریف: Ausbildungsduldung بر اساس ماده ۶۰س قانون اقامت آلمان، نوعی Duldung ویژه برای افرادی است که موظف به ترک آلمان هستند، اما تحت شرایط قانونی، یک دوره آموزش حرفه‌ای واجد شرایط یا برخی دوره‌های دستیار و کمک‌حرفه‌ایِ قابل ادامه را در آلمان آغاز کرده یا ادامه می‌دهند. این نوع دولدونگ، تحت شرایط قانونی، امکان ادامه آموزش را با وجود الزام به ترک آلمان فراهم می‌کند.

به زبان ساده: فردی که Duldung دارد، در شرایط مشخصی می‌تواند در طول آموزش حرفه‌ای خود در آلمان بماند، هرچند اصولاً موظف به ترک آلمان است.

نکته عملی: در مشاوره باید به‌ویژه نوع آموزش، زمان ورود به آلمان، روشن بودن هویت با ارائه مدارک هویتی، موارد احتمالی منع صدور و اقدامات مشخص برای پایان دادن به اقامت بررسی شود. در صورت پایان زودهنگام یا قطع آموزش، مقررات خاصی درباره وضعیت بعدی وجود دارد. Ausbildungsduldung اصولاً برای مدت آموزش صادر می‌شود.

مثال: فردی که موظف به ترک آلمان است، یک دوره آموزش حرفه‌ای واجد شرایط و به رسمیت شناخته‌شده دولتی را آغاز می‌کند و شرایط ماده ۶۰س قانون اقامت را دارد. اداره اتباع خارجی برای مدت آموزش Ausbildungsduldung صادر می‌کند.

پایه حقوقی / منابع:
§ 60c AufenthG – Ausbildungsduldung | § 60a AufenthG – Duldung

Ausländer*innen
(اتباع خارجی)

تعریف: بر اساس ماده ۲ بند ۱ قانون اقامت، Ausländer کسی است که مطابق ماده ۱۱۶ بند ۱ قانون اساسی آلمان (GG)، آلمانی محسوب نمی‌شود. بنابراین این اصطلاح اصولاً همه افرادی را دربرمی‌گیرد که تابعیت آلمان را ندارند.

به زبان ساده: زن یا مرد خارجی، فردی است که مطابق قانون اساسی آلمان، تبعه آلمان محسوب نمی‌شود.

نکته عملی: صرفِ این عنوان برای تعیین وضعیت حقوقی فرد کافی نیست. برای مثال باید مشخص شود که فرد شهروند اتحادیه اروپا، تبعه کشور ثالث، پناهجو، برخوردار از حمایت بین‌المللی یا دارای یکی از عناوین اقامت است. این وضعیت‌های حقوقی متفاوت می‌توانند حقوق و تعهدات متفاوتی ایجاد کنند.

مثال: فردی تابعیت کشوری غیر از آلمان را دارد. شرایط ورود و اقامت او بسته به وضعیت حقوقی‌اش، به‌ویژه بر اساس قانون اقامت، مقررات اتحادیه اروپا یا مقررات ویژه پناهندگی تعیین می‌شود.

پایه حقوقی / منابع:
§ 2 Abs. 1 AufenthG – Begriffsbestimmungen

Ausländerbehörde
(اداره اتباع خارجی)

تعریف: Ausländerbehörde اداره‌ای است که مسئول اقدامات و تصمیم‌های مربوط به اقامت و اسناد و گذرنامه اتباع خارجی است. بر اساس ماده ۷۱ قانون اقامت، ایالت‌ها تعیین می‌کنند که کدام اداره این وظایف را انجام می‌دهد. بسته به صلاحیت، این وظایف می‌تواند شامل تصمیم‌گیری درباره عناوین اقامت، Duldung، الزام به ترک آلمان و برخی اقدامات مربوط به پایان اقامت باشد.

به زبان ساده: اداره اتباع خارجی، اداره‌ای است که بر اساس صلاحیت محلی یا موضوعی، بسیاری از امور اقامتی یک فرد خارجی را رسیدگی می‌کند.

نکته عملی: اینکه کدام Ausländerbehörde مسئول است، به‌ویژه به مقررات تعیین صلاحیت در هر ایالت و محل سکونت یا اقامت فرد بستگی دارد. برای برخی وظایف، به‌خصوص بازگرداندن افراد، ممکن است ادارات مرکزی نیز مسئول باشند.

مثال: فردی می‌خواهد Aufenthaltserlaubnis خود را تمدید کند. اصولاً اداره اتباع خارجی مسئول در محل اقامت او صلاحیت دارد، مگر آنکه طبق مقررات ایالتی اداره دیگری مسئول باشد.

پایه حقوقی / منابع:
§ 71 AufenthG – Zuständigkeit

Ausländerzentralregister (AZR)
(ثبت مرکزی اتباع خارجی)

تعریف: Ausländerzentralregister (AZR) یک سامانه سراسری حاوی داده‌های شخصی و اطلاعات مرتبط با وضعیت حقوقی اتباع خارجی است. این سامانه به‌عنوان منبع مرکزی اطلاعات برای وظایف مربوط به اقامت و پناهندگی در اختیار ادارات مسئول قرار دارد. BAMF اداره ثبت‌کننده است و دسترسی به داده‌ها و انتقال آنها بر اساس مقررات قانونی انجام می‌شود.

به زبان ساده: در AZR اطلاعات مهم مربوط به وضعیت حقوقی اتباع خارجی به‌صورت متمرکز ثبت می‌شود تا ادارات مسئول بتوانند وظایف قانونی خود را انجام دهند.

نکته عملی: AZR یک سامانه عمومی و آزاد برای دسترسی همگان نیست. دسترسی و انتقال اطلاعات تابع مقررات قانونی است. برای مراکز مشاوره و خودِ افراد مهم است که برای دریافت اطلاعات و اصلاح داده‌ها مقررات ویژه مربوط به حفاظت از داده‌ها و ثبت اطلاعات وجود دارد.

مثال: در جریان رسیدگی به یک پرونده پناهندگی، اطلاعات شخصی فرد در AZR به‌صورت مرکزی ثبت می‌شود. ادارات می‌توانند در چارچوب صلاحیت قانونی خود این اطلاعات را مشاهده و با داده‌های مرتبط دیگر تطبیق دهند.

پایه حقوقی / منابع:
AZR-Gesetz (AZRG) | BAMF – Datenerhebung und Führung des AZR | BAMF – Ankunft und Registrierung

Ausreisepflicht
(ملزم به خروج از آلمان)

تعریف: Ausreisepflicht به این معناست که یک فرد خارجی باید آلمان را ترک کند، زیرا عنوان اقامتی لازم را ندارد و حق دیگری برای اقامت نیز برای او وجود ندارد.

به زبان ساده: کسی که مشمول الزام به خروج است، باید آلمان را ترک کند؛ اما این الزام به‌خودی‌خود به معنای آن نیست که فرد فوراً اخراج خواهد شد.

نکته عملی: در مشاوره باید میان صِرفِ الزام به خروج و «vollziehbare Ausreisepflicht» تفاوت گذاشته شود. همچنین باید مهلت خروج و موانع احتمالی اخراج بررسی شوند. Duldung نیز اصولاً الزام به خروج را از بین نمی‌برد. در صورت بیماری شدید، در شرایط قانونی می‌توان ممنوعیت اخراج به دلایل پزشکی را مطرح کرد. برای این منظور گواهی پزشکی واجد شرایط لازم است و الزامات ماده ۶۰آ، بند ۲س قانون اقامت باید در آن رعایت شود؛ در غیر این صورت ممکن است گواهی مورد توجه قرار نگیرد. اداره اتباع خارجی می‌تواند برای بررسی وضعیت پزشکی، معاینه پزشکی یا ارزیابی توسط کارشناس پزشکی (Gutachter) را ترتیب دهد.

مثال: برای مثال، اجازه اقامت شخصی منقضی می‌شود و تمدید نمی‌گردد. اگر حق دیگری برای اقامت وجود نداشته باشد، او اصولاً مشمول الزام به خروج است.

پایه حقوقی / منابع:
§ 50 AufenthG – Ausreisepflicht | § 58 AufenthG – Abschiebung | § 60a Abs. 3 AufenthG – Ausreisepflicht trotz Duldung | § 60a Abs. 2c AufenthG

Ausweis
(مدرک شناسایی)

تعریف: Ausweis، اصطلاحی کلی برای یک سند رسمی است که هویت یک شخص یا یک وضعیت حقوقی مشخص را اثبات می‌کند. در حقوق اقامت، اسناد مختلفی وجود دارند که بسته به هدف، می‌توانند به‌عنوان مدرک شناسایی، مدرک جایگزین گذرنامه یا عنوان اقامت مورد استفاده قرار گیرند.

به زبان ساده: Ausweis مدرکی است که شخص می‌تواند با آن هویت خود را نزد اداره‌ها یا مراجع دیگر اثبات کند. هر Ausweis الزاماً گذرنامه یا مدرک تابعیت نیست.

نکته عملی: در مشاوره باید دقیقاً بررسی شود که چه مدرکی در اختیار فرد است و چه کارکردی دارد. عنوان اقامت، گواهی Duldung، مدرک جایگزین گذرنامه و Reiseausweis für Flüchtlinge از نظر حقوقی اسناد متفاوتی هستند.

مثال: برای مثال، شخصی گذرنامه معتبر ندارد و می‌تواند تحت شرایط قانونی یک Ausweisersatz دارای عکس دریافت کند.

پایه حقوقی / منابع:

§ 48 AufenthG – Ausweisrechtliche Pflichten | § 78a AufenthG – Ausweisersatz

Beratungsstelle / Flüchtlingsberatung / Migrationsberatung
(مرکز مشاوره / مشاوره پناهندگان / مشاوره مهاجرت)

تعریف: مراکز مشاوره برای پناهندگان و مهاجران، اطلاعات و حمایت‌هایی در زمینه روند پناهندگی، اقامت، خدمات اجتماعی، پیوستن اعضای خانواده، ادغام و دیگر مسائل مرتبط با مهاجرت ارائه می‌کنند. حوزه مسئولیت و تخصص این مراکز بسته به مرکز، متفاوت است. وکالت یا نمایندگی در دادگاه، فقط در چارچوب اختیارات قانونی مربوط امکان‌پذیر است.

به زبان ساده: مرکز مشاوره اغلب اولین محل مراجعه است برای فردی که نمی‌داند کدام اداره مسئول است یا قدم بعدی در پرونده او چیست.

نکته عملی: قبل از مشاوره، باید مشخص شود که مشاوره شامل کدام حوزه می شود: مشاوره عمومی اجتماعی، مشاوره پناهندگی، مشاوره مهاجرت یا مشاوره حقوقی تخصصی است.

مثال: فردی یک جواب منفی از BAMF دریافت کرده و نمی‌داند چه مهلتی برای اقدام دارد. یک مرکز مشاوره پناهندگان می‌تواند درباره اقدامات بعدی اطلاعات بدهد و در صورت لزوم او را به یک وکیل معرفی کند.

توضیح: پناهجویان در آلمان برای دریافت مشاوره، معمولاً به مراکز غیردولتی مراجعه می‌کنند و خدمات مشاوره‌ای آنها اساساً رایگان است. این مراکز در آلمان نام‌های مختلفی دارند. از شناخته‌شده‌ترین سازمان‌ها و نهادهای ارائه‌دهنده این خدمات می‌توان به AWO، Caritas، Diakonie و Der Paritätische اشاره کرد.

پایه حقوقی / منابع:
Adresse BAMF – Migrationsberatung

Bescheid
(تصمیم/ابلاغ رسمی اداری)

تعریف: «Bescheid» اطلاع‌رسانی کتبی یا الکترونیکی یک اداره در باره یک تصمیم مشخص است. Bescheid غالباً ابلاغ یک Verwaltungsakt (اقدام اداری) است و می‌تواند حقی ایجاد کند، خدمتی را تأیید یا رد کند یا تکلیفی بر عهده شخص بگذارد.

به زبان ساده: در Bescheid، اداره به‌طور رسمی اطلاع می‌دهد که چه تصمیمی گرفته شده و این تصمیم چه پیامدهایی دارد.

نکته عملی: Bescheid باید همیشه کامل خوانده شود. تصمیم، دلایل آن، مهلت‌ها، Rechtsbehelfsbelehrung (راهکارهای قانونی) و در صورت وجود، مهلت خروج، اهمیت ویژه دارند. تاریخ دریافت ابلاغ نیز باید ثبت شود، زیرا مهلت‌های قانونی ممکن است از این تاریخ محاسبه شوند.

مثال: برای مثال، BAMF درباره درخواست پناهندگی Bescheid صادر می‌کند و مشخص می‌کند که چه نوع حمایتی اعطا شده یا چرا درخواست رد یا ناوارد اعلام شده است.

پایه حقوقی / منابع:
§ 35 VwVfG – Begriff des Verwaltungsaktes | § 37 VwVfG – Form und Rechtsbehelfsbelehrung | § 31 AsylG – Entscheidung des Bundesamtes

Bescheinigung
(گواهی)

تعریف: Bescheinigung سند رسمی‌ای است که یک اداره با آن واقعیت مشخص، وضعیت، اثر حقوقی یا اعتبار سند دیگری را تأیید می‌کند.

به زبان ساده: یک گواهی به‌صورت کتبی تأیید می‌کند که امر مشخصی وجود دارد یا اتفاق افتاده است.

نکته عملی: همیشه باید بررسی شود که دقیقاً چه چیزی در Bescheinigung تأیید شده است. برای مثال، گواهی می‌تواند وضعیت اقامت، Duldung، اثر یک درخواست یا خروج به‌موقع را اثبات کند.

مثال: برای مثال، پس از درخواست تمدید عنوان اقامت ممکن است Fiktionsbescheinigung صادر شود که اثر حقوقی درخواست و در صورت لزوم اجازه اشتغال را مستند می‌کند.

پایه حقوقی / منابع:
§ 81 Abs. 5 AufenthG – Fiktionsbescheinigung | § 60a Abs. 4 AufenthG – Bescheinigung über die Aussetzung der Abschiebung | § 63 AsylG – Bescheinigung über die Aufenthaltsgestattung

Beschäftigungsduldung
(تحمل موقت اقامت به دلیل اشتغال)

تعریف: Beschäftigungsduldung بر اساس ماده ۶۰د قانون اقامت، نوعی Duldung ویژه برای افرادی است که موظف به ترک آلمان هستند و تحت شرایط مشخص، برای همسر یا شریک زندگی آنها نیز قابل صدور است. این Duldung معمولاً می‌تواند برای ۳۰ ماه صادر شود، مشروط بر آنکه شرایط قانونی مربوط به زمان ورود، مدت داشتن Duldung، اشتغال مشمول بیمه‌های اجتماعی، تأمین هزینه زندگی، تسلط به زبان آلمانی و دیگر شرایط شخصی برآورده شده باشد.

به زبان ساده: فردی که موظف به ترک آلمان است، در شرایط مشخص می‌تواند به دلیل اشتغال موجود خود، Duldung دریافت کند و از این طریق موقتاً وضعیت اقامتی باثبات‌تری داشته باشد.

نکته عملی: این مقرره به‌طور کلی برای همه افراد موظف به ترک آلمان که شاغل هستند قابل استفاده نیست. ماده ۶۰د از جمله ورود تا ۳۱ دسامبر ۲۰۲۲، دست‌کم ۱۲ماه داشتن Duldung و اصولاً دست‌کم ۱۲ ماه اشتغال مشمول بیمه اجتماعی با حداقل معمولاً ۲۰ ساعت در هفته را مقرر می‌کند. شرایط دیگری نیز باید وجود داشته باشد.

مثال: فردی که مدت نسبتاً طولانی Duldung داشته و شرایط زمانی، شغلی و شخصی ماده ۶۰د را داراست، برای Beschäftigungsduldung درخواست می‌دهد. اداره اتباع خارجی شرایط صدور را بررسی می‌کند.

پایه حقوقی / منابع:
§ 60d AufenthG – Beschäftigungsduldung | § 60a AufenthG – Duldung

Bescheinigung über die Meldung als Asylsuchende (BÜMA)
(گواهی ثبت به‌عنوان پناهجو)

تعریف: Bescheinigung über die Meldung als Asylsuchende (BÜMA) یک گواهی قدیمی برای ثبت فرد به‌عنوان پناهجو بود. این نظام با Einführung des bundeseinheitlichen Ankunftsnachweises (معرفی گواهی سراسری ورود و ثبت) تغییر کرد. بنابراین BÜMA امروز عمدتاً یک اصطلاح از دور خارج شده است که در اسناد قدیمی دیده می‌شود.

به زبان ساده: اگر در یک سند قدیمی BÜMA دیده شود، منظور همان گواهی قدیمی ثبت به‌عنوان پناهجو است.

نکته عملی: در پرونده‌ها یا اسناد مشاوره‌ای قدیمی نباید به‌طور خودکار فرض کرد که BÜMA هنوز مدرک جاری ثبت پناهجو است. برای وضعیت فعلی، اسناد و مبانی قانونی امروزی ملاک هستند.

مثال: فردی هنوز از یک پرونده قدیمی، BÜMA در اختیار دارد. برای مشاوره امروزی باید بررسی شود که چه گواهی جاری یا چه وضعیت اقامتی جایگزین آن شده است.

پایه حقوقی / منابع:
§ 63a AsylG – Ankunftsnachweis | BAMF – Ankunft und Registrierung

Beschwerdestelle- NRW

(مرکز مستقل شکایت و اطلاعات امور پناهندگی در ایالت NRW)

تعریف: مرکز مستقل شکایت و اطلاعات امور پناهندگی Beschwerdestelle NRW – (UBIF) Unabhängige Beschwerde- und Informationsstelle Flucht در بوخوم، یک مرکز مستقل برای دریافت شکایت پناهندگان و همچنین کارکنان و داوطلبان حوزه امور پناهندگی بود. این مرکز شکایت‌های فردی را دریافت می‌کرد و در شناسایی مشکلات ساختاری نیز فعالیت داشت. این پروژه از ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۲ ادامه داشت و رسیدگی به شکایت‌های فردی از ۱ ژوئیه ۲۰۲۲ متوقف شد. بنابراین UBIF در سال ۲۰۲۶ باید پروژه تلقی شود که زمان فعالیتش به پایان رسیده است.

به زبان ساده: UBIF یک پروژه سابق در شهر بوخوم بود که پناهندگان می‌توانستند برای طرح شکایت به آن مراجعه کنند. این پروژه اکنون پایان یافته است.

نکته عملی: این مدخل برای فهم اسناد و شبکه‌های مشاوره‌ای قدیمی همچنان مفید است، اما نباید چنین برداشتی ایجاد کند که UBIF در سال ۲۰۲۶ هنوز شکایت‌های فردی دریافت می‌کند. برای شکایت‌های فعلی باید مراکز مشاوره، واحدهای رسیدگی به شکایت یا نهادهای مستقل فعلیِ مسئول بررسی شوند.

مثال: در یک بروشور قدیمی به UBIF به‌عنوان یک مرکز مستقل شکایت در بوخوم اشاره شده است. هنگام استفاده امروزی از چنین بروشوری باید در نظر داشت که رسیدگی به شکایت‌های فردی در سال ۲۰۲۲ پایان یافته است.

توضیح: در همه ایالت‌های آلمان مراکز یا واحدهای مشابهی برای طرح شکایت یا مراجعه وجود دارد، اما نام آنها ممکن است متفاوت باشد. با توجه به اینکه ایالت نورد راین-وستفالن پرجمعیت‌ترین ایالت آلمان است، در اینجا مرکز مربوط به این ایالت معرفی شده است.

پایه حقوقی / منابع:
Evangelische Hochschule Bochum – UBIF, Hinweis zum Projektende | Flüchtlingsrat NRW – zur UBIF

Besuchserlaubnis

(مجوز خروج موقت از محدوده اقامت)

تعریف: در ادبیات مشاوره‌ای، Besuchserlaubnis به مجوزی گفته می‌شود که به فردی که مشمول محدودیت مکانی است اجازه می‌دهد برای مدت موقت محدوده اقامت تعیین‌شده برای خود را ترک کند. بر اساس ماده ۵۷ و ۵۸ قانون پناهندگی، بسته به اینکه فرد موظف به سکونت در یک مرکز پذیرش باشد یا محدوده اقامت او به شکل دیگری تعیین شده باشد، شرایط متفاوتی اعمال می‌شود.

به زبان ساده: کسی که بر اساس وضعیت اقامتی خود نمی‌تواند آزادانه در محدوده بزرگ‌تری رفت‌وآمد کند، ممکن است برای برخی دلایل به اجازه‌ای نیاز داشته باشد تا موقتاً محدوده تعیین‌شده را ترک کند.

نکته عملی: مبنای قانونی مشخص و اداره مسئول، به نوع محدودیت مکانی موجود بستگی دارد. برای مراجعه به ادارات و دادگاه‌هایی که حضور شخص در آنها الزامی است، مقررات قانونی خاصی وجود دارد.

مثال: یک پناهجو که موظف است در یک مرکز پذیرش سکونت داشته باشد، می‌خواهد به دیدن یکی از اعضای نزدیک خانواده خود در شهر دیگری برود. اینکه آیا و تحت چه شرایطی می‌تواند محدوده اقامت خود را ترک کند، به‌ویژه بر اساس ماده ۵۷ قانون پناهندگی تعیین می‌شود. مسئول صدور چنین مجوزی، Ausländerbehörde (اداره اتباع خارجی) مربوط است.

پایه حقوقی / منابع:
§ 57 AsylG | § 58 AsylG | § 12 AufenthG

Bezirksregierung Arnsberg
(اداره مدیریت منطقه‌ای مستقر در آرنزبِرگ)

تعریف: Bezirksregierung Arnsberg یک نهاد دولتی در ایالت نورد راین-وستفالن با مسئولیت هماهنگی، نظارت و اجرای سیاست‌ها میان دولت ایالتی و شهرداری‌ها می باشد. این نهاد در حوزه پذیرش پناهندگان، از جمله در توزیع داخلی آنها در ایالت و در برخی موارد توزیع میان ایالت‌ها، وظایفی را بر عهده دارد. بر اساس Flüchtlingsaufnahmegesetz NRW، تخصیص پناهندگان خارجی به شهرداری‌ها توسط Bezirksregierung Arnsberg انجام می‌شود.

به زبان ساده: Bezirksregierung Arnsberg یک نهاد ایالتی است که در نورد راین-وستفالن، از جمله در توزیع و تخصیص پناهندگان به شهرداری‌ها نقش دارد.

نکته عملی: در کار عملی باید میان افرادی که بر اساس FlüAG NRW به شهرداری‌ها اختصاص داده می‌شوند و توزیع‌هایی که بر اساس مقررات دیگری انجام می‌شوند تفاوت گذاشت. صلاحیت دقیق می‌تواند به وضعیت اقامتی فرد و نوع توزیع بستگی داشته باشد.

مثال: یک پناهجو بر اساس مقررات قانونی توزیع، به یکی از شهرداری‌های NRW اختصاص داده می‌شود. این تخصیص از طریق نهاد ایالتی مسئول، به‌ویژه Bezirksregierung Arnsberg، انجام می‌شود. درخواست جابجائی پناهجویان از شهری به شهر دیگر یا از ایالتی به ایالتی دیگر باید به این اداره داده شود.

توضیح: در همه ایالت‌های آلمان نهادهای مشابهی وجود دارد، اما نام آنها ممکن است متفاوت باشد. با توجه به اینکه ایالت نورد راین-وستفالن پرجمعیت‌ترین ایالت آلمان است، در اینجا نهاد مربوط به این ایالت معرفی شده است.

پایه حقوقی / منابع:
§ 1 Flüchtlingsaufnahmegesetz (FlüAG NRW) | § 6 ZustAVO NRW | Bezirksregierung Arnsberg | § 51 Länderübergreifende Verteilung | Umverteilung von Asylbewerber*innen

Bundesamt für Migration und Flüchtlinge (BAMF)
(اداره فدرال مهاجرت و پناهندگی)

تعریف: Bundesamt für Migration und Flüchtlinge (BAMF) یک نهاد عالی فدرال در حوزه مسئولیت وزارت کشور فدرال آلمان است و مرکز تخصصی دولت فدرال در امور پناهندگی، مهاجرت و ادغام محسوب می‌شود. از وظایف اصلی آن می‌توان به رسیدگی به درخواست‌های پناهندگی و تصمیم‌گیری درباره آنها، حمایت و هماهنگی در زمینه ادغام، وظایف مربوط به مهاجرت و اقامت، بازگشت داوطلبانه، پژوهش، جمع‌آوری داده‌ها و همکاری بین‌المللی اشاره کرد.

به زبان ساده: BAMF نهاد اصلی فدرال است که درباره درخواست‌های پناهندگی تصمیم می‌گیرد و همزمان وظایف متعددی در حوزه مهاجرت و ادغام دارد.

نکته عملی: برای مشاوره باید میان وظایف BAMF و صلاحیت Ausländerbehörden تفاوت گذاشت. BAMF به‌ویژه درباره درخواست‌های پناهندگی و اَشکال حمایت تصمیم می‌گیرد؛ در حالی که Ausländerbehörde اصولاً مسئول اقدامات و تصمیم‌های مربوط به اقامت بر اساس قانون اقامت است.

مثال: فردی درخواست پناهندگی می‌دهد. BAMF روند پناهندگی را انجام می‌دهد، با فرد مصاحبه پناهندگی را انجام می دهد و درباره اَشکال حمایت درخواست‌شده تصمیم می‌گیرد. پس از تصمیم، بسته به نتیجه، ممکن است وظایف بیشتری بر عهده Ausländerbehörde قرار گیرد.

پایه حقوقی / منابع:
§ 5 AsylG – Bundesamt | § 75 AufenthG – Aufgaben des BAMF | BAMF – Aufgaben | BAMF – Die Behörde

De-facto-Flüchtlinge
(پناهجوی بالفعل)

تعریف: «پناهنده بالفعل» یک اصطلاح حقوقی تعریف‌شده در قانون نیست و یک وضعیت مستقل اقامتی ایجاد نمی‌کند. این اصطلاح به‌صورت یکسان به کار نمی‌رود و به‌ویژه درباره افرادی استفاده می‌شود که وضعیت رسمی پناهندگی ندارند، اما بازگشت آنان به کشور مبدأ به دلایل واقعی یا حقوقی ممکن و عملی نیست. افراد بدون برگه معتبر هویتی در این دسته قرار می گیرند.

بسته به وضعیت حقوقی، اقامت چنین فردی ممکن است برای مثال بر ممنوعیت اخراج، اجازه اقامت به دلایل بشردوستانه، دولدونگ یا مبنای قانونی دیگری استوار باشد. بنابراین همیشه باید وضعیت حقوقی مشخص فرد بررسی شود.

به زبان ساده: «پناهنده بالفعل» بیشتر یک عنوان توصیفی است تا یک وضعیت حقوقی. صرف استفاده از این عنوان، حق اقامت مشخصی ایجاد نمی‌کند.

نکته عملی: در مشاوره امروزی بهتر است تا حد امکان وضعیت مشخص اقامت یا مبنای حقوقی آن ذکر شود. این اصطلاح ممکن است در متون و منابع قدیمی‌تر دیده شود، اما نباید آن را با حمایت پناهندگی بر اساس کنوانسیون ژنو یا با یک عنوان اقامتی مشخص یکی دانست.

مثال: فردی وضعیت رسمی پناهندگی ندارد، اما به دلیل احراز ممنوعیتِ ملی اخراج، نمی‌توان او را به کشور مبدأ بازگرداند. در متون قدیمی ممکن است چنین فردی «پناهنده بالفعل» نامیده شود. برای مشاوره فعلی، مبنای حقوقی اقامت او تعیین‌کننده است.

پایه حقوقی / منابع:
Aufenthaltsgesetz | Asylgesetz

Dublin-III-Verordnung
(مقررات دوبلین۳)

تعریف: مقررات دوبلین ۳ (مقررات اتحادیه اروپا شماره ۲۰۱۳/۶۰۴) معیارها و رویه تعیین کشور عضو مسئول بررسی درخواست حمایت بین‌المللی را تنظیم می‌کرد و مبنای نظام موسوم به «رویه دوبلین» بود.

از ۱۲ ژوئن ۲۰۲۶، مقررات دوبلین ۳ با مقررات اتحادیه اروپا شماره ۱۳۵۱/۲۰۲۴ درباره مدیریت پناهندگی و مهاجرت جایگزین شده است. مقررات جدید، قواعد جاری تعیین کشور مسئول و انتقال فرد را در بر می‌گیرد.

به زبان ساده: «دوبلین ۳» نام نظام پیشین اتحادیه اروپا در بررسی تعیین کشور برای رسیدگی به درخواست پناهندگی بود. از ژوئن ۲۰۲۶ قواعد جدید پیمان پناهندگی و مهاجرت اتحادیه اروپا اعمال می‌شود.

نکته عملی: اصطلاح «رویه دوبلین» ممکن است همچنان در مشاوره، به‌ویژه در تصمیم‌های قدیمی، پرونده‌های قضایی و پرونده‌هایی که پیش‌تر آغاز شده‌اند، دیده شود. در پرونده‌های جدید باید بررسی شود که مقررات جدیدِ مدیریت پناهندگی و مهاجرت، چگونه اعمال می‌شود.

مثال: در سال ۲۰۲۶ برای یک پناهجو تصمیمی صادر شده است که انتقال او به یک کشور عضو دیگر را مشخص کرده است. در مشاوره باید مشخص شود پرونده بر اساس کدام نظام حقوقی باید بررسی شود.

پایه حقوقی / منابع:
Verordnung (EU) 2024/1351 – Asyl- und Migrationsmanagement | EUR-Lex – Zuständiger Mitgliedstaat für Asylanträge

Duldung
(تعلیق موقت اخراج)

تعریف: دولدونگ یا تعلیق موقت اخراج، بر اساس ماده ۶۰الف قانون اقامت، تعلیق موقت اخراج فردی را مشخص می کند که مکلف به ترک کشور است. این وضعیت به‌ویژه زمانی صادر می‌شود که اخراج در حال حاضر به دلایل واقعی یا حقوقی امکان‌پذیر نباشد. دولدونگ عنوان اقامتی محسوب نمی‌شود و اصل الزام به ترک کشور همچنان باقی است.

به زبان ساده فرد دارای دولدونگ می‌تواند موقتاً در آلمان بماند، هرچند اصولاً مکلف به ترک کشور است. دولدونگ به معنای داشتن حق اقامت دائمی نیست.

نکته عملی: در مورد دولدونگ باید بررسی شود که بر چه مبنایی صادر شده، تا چه زمانی اعتبار دارد، آیا اجازه اشتغال وجود دارد، آیا محدودیت مکانی اعمال شده و آیا امکان دیگری برای تثبیت وضعیت اقامتی وجود دارد.

مثال: فردی مکلف به ترک کشور است، اما در حال حاضر به دلیل مانع حقوقی یا واقعی، نمی‌توان او را اخراج کرد. اداره اتباع خارجی برای او دولدونگ صادر می‌کند.

پایه حقوقی / منابع:
§ 60a AufenthG – Vorübergehende Aussetzung der Abschiebung (Duldung)

„Duldung light“ (Duldung für Personen mit ungeklärter Identität)
(دولدونگ برای افراد دارای هویت نامشخص «دولدونگ لایت»)

تعریف: اصطلاح غیررسمی «دولدونگ لایت» برای تحمل افراد دارای هویت نامشخص بر اساس ماده ۶۰ب قانون اقامت به کار می‌رود.

این وضعیت درباره افراد مکلف به ترک کشور مطرح می‌شود که اخراج آنان به دلایلی امکان‌پذیر نیست ، زیرا خودشان مسئول آن هستند؛ از جمله زمانی که درباره هویت یا تابعیت خود اطلاعات نادرست می‌دهند، هویت خود را پنهان می‌کنند یا اقدامات قابل‌انتظار برای تهیه گذرنامه را انجام نمی‌دهند.

به زبان ساده: اگر فرد خودش در روشن نشدن هویت یا تهیه مدارک سفر نقش داشته باشد، تحت شرایط قانونی، ممکن است دولدونگ بر اساس ماده ۶۰ب صادر شود.

نکته عملی: پیامدهای حقوقی این وضعیت قابل‌توجه است و به‌ویژه محدودیت‌هایی در دسترسی به اشتغال وجود دارد. در مشاوره باید دقیقاً بررسی شود که شرایط ماده ۶۰ب وجود دارد و چه اقدامات قابل‌انتظاری برای روشن شدن هویت و تهیه مدارک هنوز امکان‌پذیر است.

مثال: فردی مکلف به ترک کشور است و گذرنامه معتبر ندارد. اداره مسئول تشخیص می‌دهد که او اقدامات قابل‌انتظار برای تهیه گذرنامه را انجام نداده و خود در عدم امکان اخراج نقش دارد. در صورت وجود شرایط قانونی، دولدونگ بر اساس ماده ۶۰ب می‌تواند صادر شود.

پایه حقوقی / منابع:
§ 60b AufenthG – Duldung für Personen mit ungeklärter Identität

„EASY“-System
(سیستم توزیع اولیه متقاضیان پناهندگی)

تعریف: EASY مخفف «Erstverteilung der Asylbegehrenden» و به معنای «توزیع اولیه متقاضیان پناهندگی» است. این نظام برای توزیع متقاضیان پناهندگی میان ایالت‌های آلمان به کار می‌رود. مبنای آن، از جمله، «Königsteiner Schlüssel» و صلاحیت تخصصی برخی مراکز پذیرش برای اتباع کشورهای مبدأ مشخص است. EASY یک سیستم کامپیوتری توزیع پناهجویان در سطح کشور است و درباره پذیرفته شدن یا رد شدن درخواست پناهندگی تصمیم نمی‌گیرد.

به زبان ساده: پس از اعلام درخواست پناهندگی، مشخص می‌شود که فرد برای ادامه روند پذیرش به کدام ایالت یا مرکز پذیرش ارجاع داده شود. هدف این نظام، توزیع متقاضیان پناهندگی در سراسر آلمان است.

نکته عملی: EASY نباید با ثبت رسمی درخواست پناهندگی نزد BAMF اشتباه گرفته شود. در اطلاعات جاری BAMF میان توزیع اولیه و ثبت رسمی درخواست پناهندگی و ادامه روند پناهندگی تفاوت گذاشته می‌شود. سهمیه‌های توزیع و مسئولیت‌های سازمانی ممکن است تغییر کنند و باید بر اساس اطلاعات به‌روز BAMF بررسی شوند. هر ایالت سهمیه مشخصی دارد. این سیستمِ توزیع هر سال به‌روزرسانی می‌شود؛ مبنای محاسبه سهمیه‌ها درآمدهای مالیاتی (دو سوم) و تعداد جمعیت (یک سوم) ایالت‌ها می باشد.

مثال: فردی در آلمان درخواست پناهندگی خود را اعلام می‌کند. پس از ثبت مشخصات، بر اساس نظام EASY مشخص می‌شود که او به کدام ایالت و مرکز پذیرش مسئول ارجاع داده شود.

پایه حقوقی / منابع:
BAMF – Das deutsche Asylverfahren

Ehegattennachzug und der Kindernachzug
(الحاق همسر و الحاق فرزندان)

تعریف: الحاق همسر و الحاق فرزندان شکل‌های خاصی از الحاق خانواده هستند. برای الحاق همسر، به‌ویژه شرایط مقرر در ماده ۳۰ قانون اقامت اهمیت دارد. از جمله، هر دو نفر(فردی که در آلمان است و همسر که در خارج از آلمان است)، باید به سن قانونی رسیده باشند و بسته به مورد، آشنایی پایه با زبان آلمانی لازم است. برای برخی عنوان‌های اقامت و برخی گروه‌های افراد، استثناهایی وجود دارد. الحاق فرزندان خردسال و مجرد، به‌ویژه بر اساس ماده ۳۲ قانون اقامت تنظیم می‌شود.

به زبان ساده: همسران و فرزندان خردسال، جزو اعضای اصلی خانواده هستند. به همین دلیل، قانون اقامت آلمان برای پیوستن آنها به اعضای خانواده در آلمان مقررات ویژه‌ای دارد. اما شرایط برای همه عنوان‌های اقامت یکسان نیست.

نکته عملی: در هر درخواست باید عنوان اقامت فرد مقیم در آلمان، سن و وضعیت تأهل کودک، وجود سند ازدواج یا رابطه قانونی، شرایط زبان، تأمین هزینه زندگی و مسکن در صورت لزوم، امتیازات ویژه افراد دارای حمایت و مهلت‌های قانونی بررسی شود.

مثال: یک فرد به‌عنوان پناهنده در آلمان به رسمیت شناخته شده و می‌خواهد فرزندان خردسال خود را به آلمان بیاورد. برای الحاق فرزندان بررسی می‌شود که شرایط ماده ۳۲ قانون اقامت وجود دارد یا خیر.

پایه حقوقی / منابع:
§ 30 AufenthG – Ehegattennachzug | § 32 AufenthG – Kindernachzug | Auswärtiges Amt – Aussetzung des Familiennachzugs zu subsidiär Schutzberechtigten

Eigenständiges Aufenthaltsrecht der Ehegatten
(اقامتِ مستقل از همسر)

تعریف: بر اساس ماده ۳۱ قانون اقامت، پس از پایان زندگی مشترک زناشویی، اجازه اقامت همسر می‌تواند به‌عنوان حق اقامتی مستقل و جدا از هدف الحاق به خانواده تمدید شود.

در اصل، اگر زندگی مشترک زناشویی دست‌کم سه سال به‌طور قانونی در آلمان برقرار بوده باشد، اجازه اقامت برای یک سال تمدید می‌شود. در «شرایط سخت و ویژه» نیز امکان صرف‌نظر کردن از این شرط وجود دارد؛ قانون از جمله موارد خشونت خانگی را در نظر گرفته است.

به زبان ساده: جدایی به‌طور خودکار به این معنا نیست که فرد باید فوراً آلمان را ترک کند. تحت شرایطی می‌تواند حق اقامت مستقلی جدا از همسر به دست آورد.

نکته عملی: در صورت جدایی باید به‌ویژه مدت زندگی مشترک قانونی در آلمان، وجود شرایط سخت و ویژه، نقش خشونت خانگی و سایر شرایط تمدید یا دریافت عنوان اقامتی دیگر بررسی شود.

مثال: فردی کمتر از سه سال به‌طور قانونی با همسر خود در آلمان زندگی کرده و اجازه اقامت از طریق الحاق به خانواده دارد. در صورت جدایی، تحت شرایط ماده ۳۱ بند ۲ ، می‌توان درخواست اجازه اقامت مستقل از همسر داد. در صورت دارا بودن شرایط، اقامت او تمدید خواهد شد.

پایه حقوقی / منابع:
§ 31 AufenthG – Eigenständiges Aufenthaltsrecht der Ehegatten

Einbürgerung
(کسب تابعیت آلمانی)

تعریف: Einbürgerung به معنای کسب تابعیت آلمانی توسط یک فرد خارجی، بر اساس درخواست و در صورت تحقق شرایط قانونی است. طبق مقررات فعلی، اصولاً پنج سال اقامت قانونی و معمول لازم است. تحت برخی شرایط قانونی، کسب تابعیت می‌تواند پیش از پنج سال نیز ممکن باشد؛ برای مثال، برای همسران یا شرکای ثبت‌شده شهروندان آلمانی طبق ماده ۹ قانون تابعیت، کاهش مدت پنج‌ساله صرفاً به دلیل دستاوردهای ویژه ادغام. از ۳۰ اکتبر ۲۰۲۵ دیگر شرط ادغام موفق شغلی یا تأمین مستقل هزینه‌های زندگی، برای همسر، تعیین نشده است.

به زبان ساده: با Einbürgerung، فرد تابعیت آلمان را به دست می‌آورد.

نکته عملی: برای افراد دارای سابقه پناهندگی یا اقامت، باید میان عنوان اقامت و تابعیت آلمانی تفاوت گذاشته شود. دریافت تابعیت از جمله مستلزم روشن بودن هویت و تابعیت قبلی و تحقق سایر شرایط قانونی است. امکان سابقِ کسب تابعیت پس از سه سال به دلیل دستاوردهای ویژه ادغام، طبق مقررات فعلی دیگر وجود ندارد.

مثال: شخصی پنج سال به‌طور قانونی و معمول در آلمان زندگی کرده و سایر شرایط قانونی را دارد؛ او می‌تواند درخواست تابعیت آلمانی بدهد.

پایه حقوقی / منابع:
§ 10 StAG – Anspruch auf Einbürgerung | § 9 StAG – Einbürgerung von Ehegatten bzw. eingetragenen Lebenspartnern Deutscher | BAMF – Informationen zur Einbürgerung

Eilantrag
(درخواست فوری قضایی)

تعریف: Eilantrag درخواستی است که نزد دادگاه برای دریافت حمایت موقت قضایی ارائه می‌شود، هنگامی که لازم است دادگاه سریع تصمیم بگیرد، زیرا انتظار برای روند عادی دادرسی می‌تواند زیان جدی به دنبال داشته باشد. بسته به مورد، می‌تواند به شکل‌های مختلف حمایت موقت قضایی، به‌ویژه درخواست بر اساس ماده ۸۰ بند ۵ یا ماده ۱۲۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های اداری، اشاره داشته باشد. در ماده ۸۰ بند ۵ ممکن است هدف، صدور یا اعاده اثر تعلیقی باشد؛ درخواست بر اساس ماده ۱۲۳ برای صدور دستور موقت است و شرایط متفاوتی دارد.
Eilantrag و Klage و Zulassung der Berufung ، اقدامات حقوقی متفاوتی هستند.

به زبان ساده: درخواست فوری یعنی از دادگاه خواسته شود پیش از پایان رسیدگی اصلی، سریعاً یک تصمیم موقت بگیرد.

نکته عملی: درخواست فوری برابر با «شکایت» نیست. در برخی پرونده‌های پناهندگی، «شکایت» به‌تنهایی برای جلوگیری موقت از انتقال یا اخراج کافی نیست و باید بررسی شود که آیا درخواست فوری اضافی لازم است یا خیر. مهلت‌ها ممکن است بسیار کوتاه باشند. اگر اخراج یا اقدام اداری دیگری فوراً در پیش باشد، درخواست پناهندگی

به‌عنوان «به‌طور آشکار بی‌اساس» یا «غیرقابل پذیرش» رد شده باشد، یا خطر فوری اخراج وجود داشته باشد، فعالیت وکیل متخصص و ارائه درخواست فوری ضروری است.

مثال: در برابر تصمیم BAMF مهلت کوتاهی برای درخواست حمایت موقت قضایی وجود دارد. فرد علاوه بر طرح شکایت، درخواست فوری را نیز نزد دادگاه اداری مسئول مطرح می‌کند تا اثر تعلیقی برقرار شود یا تصمیم موقت دیگری صادر گردد.

پایه حقوقی / منابع:
§ 80 Abs. 5 VwGO | § 123 VwGO AsylG

Elektronischer Aufenthaltstitel (eAT)

(عنوان اقامت الکترونیکی)

تعریف: عنوان اقامت الکترونیکی (eAT) ، کارتی به اندازه کارت بانکی است که عنوان اقامت فرد در آلمان را مستند می‌کند. کارت حاوی اطلاعات شخصی و یک تراشه الکترونیکی است و می‌تواند امکانات شناسایی الکترونیکی نیز داشته باشد.

به زبان ساده: eAT کارت اقامت برای اتباع کشورهای ثالث است. این کارت کارت شناسایی آلمانی نیست و جایگزین گذرنامه نمی‌شود.

نکته عملی: روی کارت و به‌ویژه روی برگه الحاقی ممکن است اطلاعات مهمی در باره اقامت و اجازه اشتغال درج شده باشد. بنابراین در مشاوره، در صورت وجود، کارت و برگه الحاقی، باید با هم بررسی شوند eAT همچنین در صورت وجود شرایط لازم می‌تواند برای شناسایی آنلاین استفاده شود.

مثال: فردی اجازه اقامت بر اساس قانون اقامت دارد و این اجازه اقامت به شکل کارت الکترونیکی eAT صادر می‌شود.

پایه حقوقی / منابع:
§ 78 AufenthG – Dokumente mit elektronischem Speicher- und Verarbeitungsmedium | BAMF – Der elektronische Aufenthaltstitel (eAT)

Eurodac

(یوروداک)

تعریف: Eurodac یک سامانه اروپایی برای ثبت و مقایسه داده‌های بیومتریک، به‌ویژه اثر انگشت، است. علاوه بر ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا، چهار کشور وابسته به شنگن یعنی ایسلند، لیختن‌اشتاین، نروژ و سوئیس نیز در Eurodac مشارکت دارند.

به زبان ساده:

Eurodac می‌تواند مشخصات فردی و داده‌های اثر انگشت را ذخیره و با داده‌های موجود در کشورهای اروپایی دیگر مقایسه کند.

نکته عملی: وجود یک Eurodac-Treffer به‌خودی‌خود به این معنا نیست که کشور دیگری مسئول رسیدگی به درخواست پناهندگی است. از ۱۲ ژوئن ۲۰۲۶ اصولاً مقررات جدید نظام مشترک اروپایی پناهندگی برای تعیین مسئولیت اعمال می‌شود.

مثال: برای مثال، تطبیق اثر انگشت نشان می‌دهد که داده‌های شخص قبلاً در کشور اروپایی دیگری ثبت شده است.

پایه حقوقی / منابع:
Verordnung (EU) 2024/1358 – Eurodac | § 16 AsylG – Sicherung der Identität | Verordnung (EU) 2024/1351 – Asyl- und Migrationsmanagement

Familienasyl und internationaler Schutz für Familienangehörige
(پناهندگی خانوادگی و حمایت بین‌المللی برای اعضای خانواده)

تعریف: پناهندگی خانوادگی و حمایت بین‌المللی برای اعضای خانواده در ماده ۲۶ قانون پناهندگی تنظیم شده است. بر اساس مقرراتی که از ۱۲ ژوئن ۲۰۲۶ اعمال می‌شوند، درخواست‌های پناهندگی اعضای خانواده اصولاً به‌صورت فردی بررسی و درباره آنها تصمیم‌گیری می‌شود. هم‌زمان، حقوق اتحادیه اروپا قواعدی برای حفظ وحدت خانواده دارد.

به زبان ساده: عضو خانواده فردی که از موقعیت حمایت پناهندگی برخوردار شده است، تحت شرایطی می‌تواند از وضعیت حمایتی یا حق اقامت برخوردار شود. شرایط قانونی هر پرونده باید جداگانه بررسی شود.

نکته عملی: در پرونده‌های جدید باید وضعیت حمایتی فرد مرجع، نوع رابطه خانوادگی، شرایط ماده ۲۶ قانون پناهندگی و قواعد قابل اعمال اتحادیه اروپا درباره حفظ وحدت خانواده بررسی شود.

مثال: فردی در آلمان از حمایت بین‌المللی برخوردار می‌شود و یکی از اعضای خانواده او نیز در آلمان حضور دارد، اما خود آن عضو خانواده شرایط دریافت حمایت بین‌المللی را ندارد. باید بررسی شود کدام مقررات حمایتی یا اقامتی درباره او قابل اعمال است.

پایه حقوقی / منابع:
§ 26 AsylG – Asylanträge von Familienangehörigen | Verordnung (EU) 2024/1347 – Qualifikationsverordnung

Familiennachzug
(الحاق به خانواده)

تعریف: الحاق به خانواده به ورود و اقامت اعضای خانواده خارجی برای ایجاد یا حفظ زندگی خانوادگی در آلمان گفته می‌شود. مقررات اصلی آن در مواد ۲۷ به بعد قانون اقامت آمده است.

شرایط، به‌ویژه به وضعیت اقامتی فرد مرجع و رابطه خانوادگی بستگی دارد. برای همسران و فرزندان مقررات ویژه‌ای وجود دارد.

به زبان ساده: الحاق به خانواده یعنی مثلاً همسر یا فرزند خردسال بتواند برای پیوستن به عضو خانواده‌ای که پیش‌تر به‌طور قانونی در آلمان زندگی می‌کند، وارد آلمان شود. وجود حق قانونی و شرایط لازم به مورد مشخص بستگی دارد.

نکته عملی: پیش از درخواست باید وضعیت اقامت فرد مرجع، شخصی که قرار است ملحق شود، اعتبار رابطه خانوادگی، شرایط زبان، تأمین هزینه زندگی یا مسکن در صورت لزوم، مقررات ترجیحی و مهلت‌های قانونی بررسی شود.

مثال: فردی که به‌عنوان پناهنده شناخته شده در آلمان زندگی می‌کند و می‌خواهد همسر و فرزندان خردسال خود را به آلمان بیاورد. شرایط از جمله بر اساس مواد ۲۹، ۳۰ و ۳۲ قانون اقامت و وضعیت حمایتی فرد مرجع بررسی می‌شود.

پایه حقوقی / منابع:
§ 27 AufenthG – Grundsatz des Familiennachzugs | § 29 AufenthG – Familiennachzug zu Ausländern | Auswärtiges Amt – Auslandsportal

Familiennachzug zu anerkannten unbegleiteten Minderjährigen Flüchtlingen
(الحاق خانواده به پناهندگان خردسالِ بدون همراهِ شناخته‌شده)

تعریف: برای والدین یک فرد خردسالِ بدون همراه که موقعیت پناهندگی در آلمان به رسمیت شناخته شده و دارای حمایت است، تحت شرایط ماده ۳۶ بند ۱ قانون اقامت ممکن است حق الحاق به خانواده وجود داشته باشد.

این مقرره به‌ویژه درباره والدین فرد خردسالی اعمال می‌شود که اجازه اقامت او بر اساس ماده ۲۳ بند ۴، ماده ۲۵ بند ۱ یا بند ۲ جمله ۱، یا برخی عناوین اقامت دائم مقرر در ماده ۲۶ است و هیچ یک از والدین دارای حق حضانت در آلمان حضور ندارد. برای الحاق والدین تسهیلات ویژه‌ای وجود دارد و در اصل تأمین مسکن کافی و هزینه زندگی شرط نیست.

الحاق خواهر و برادر خردسال به‌طور خودکار از ماده ۳۶ بند ۱ ناشی نمی‌شود. برای سایر اعضای خانواده، در شرایطی ممکن است ماده ۳۶ بند ۲ درباره جلوگیری از سختی غیرعادی قابل اعمال باشد.

به زبان ساده: اگر کودک خردسالی بدون والدین خود به آلمان آمده و در اینجا به‌عنوان پناهنده یا دارنده حمایت بین‌المللی شناخته شده باشد، والدین او تحت شرایطی می‌توانند به او ملحق شوند. این قاعده به‌طور خودکار درباره خواهر و برادر صدق نمی‌کند.

نکته عملی: در مشاوره باید به‌ویژه خردسال بودن فردِ مرجع و وضعیت دقیق حمایتی او بررسی شود. همچنین باید زودهنگام مشخص شود کدام اعضای خانواده حق الحاق دارند و چه درخواست‌ها و روادیدهایی لازم است.

اصطلاح UMF (پناهندگان خردسال بدون همراه) هنوز در اسناد قدیمی زیاد دیده می‌شود. در زبان تخصصی امروز اغلب از اصطلاح گسترده‌تر UMA (اتباع خارجی خردسال بدون همراه) استفاده می‌شود. برای الحاق خانواده، با این حال، وضعیت مشخص اقامتی یا حمایتی تعیین‌کننده است.

مثال: یک نوجوان ۱۶ ساله که بدون همراه وارد آلمان شده، به‌عنوان پناهنده شناخته می‌شود. والدین او همچنان در کشور مبدأ هستند. تحت شرایط ماده ۳۶ بند ۱ قانون اقامت، والدین می‌توانند برای الحاق به خانواده درخواست دهند. درباره خواهر و برادر خردسال باید بررسی شود که آیا مبنای حقوقی دیگری، به‌ویژه ماده ۳۶ بند ۲، قابل اعمال است.

پایه حقوقی / منابع:
§ 36 AufenthG – Nachzug der Eltern und sonstiger Familienangehöriger | Auswärtiges Amt – Visumhandbuch / Familiennachzug | BAMF – Informationen zu unbegleiteten Minderjährigen

Fiktionsbescheinigung
(گواهی وضعیت موقت اقامت)

تعریف: Fiktionsbescheinigung گواهی‌ای از اداره اتباع خارجی در باره وضعیت حقوقی درخواست صدور یا تمدید عنوان اقامت است و طبق ماده ۸۱، بند ۵ قانون اقامت صادر می‌شود.

به زبان ساده: وقتی هنوز درباره درخواست عنوان اقامت تصمیم‌گیری نشده است، این گواهی می‌تواند نشان دهد که اقامت شخص از نظر قانونی مجاز است یا عنوان اقامت قبلی همچنان معتبر است.

نکته عملی: مهم است که نوع Fiktionswirkung در هر مورد مشخص شود، زیرا حقوق متفاوتی درباره اقامت و اشتغال ممکن است ایجاد شود. اطلاعات گواهی باید با دقت بررسی شود. Fiktionsbescheinigung اقامت محسوب نمی شود. معمولاً برای یک دوره زمانی محدود صادر می‌شود و در صورت ادامه نیاز، قابل تمدید است. اداره اتباع خارجی می‌تواند بسته به مورد Nebenbestimmungen (شرایط و محدودیت‌های جانبی) را درج کند؛ به‌ویژه موارد مربوط به اجازه کار، محدودیت مکانی یا سایر الزامات باید با دقت بررسی شوند.

مثال: برای مثال، شخصی پیش از پایان اعتبار اجازه اقامت برای تمدید آن درخواست می‌دهد و اثر قانونی درخواست با Fiktionsbescheinigung مستند می‌شود.

پایه حقوقی / منابع:
§ 81 AufenthG – Beantragung des Aufenthaltstitels; Fiktionswirkung | § 58 AufenthV – Muster der Fiktionsbescheinigung

Flughafenverfahren / Asylgrenzverfahren
(رویه فرودگاهی)

تعریف: در قوانین جاری، در ماده ۱۸الف قانون پناهندگی، رویه ای با عنوان «رویه مرزی پناهندگی» (Asylgrenzverfahren) وجود دارد. در این رویه، تحت شرایط مقرر در مقررات اتحادیه اروپا شماره ۱۳۴۸/۲۰۲۴، درخواست پناهندگی در مرز یا فرودگاه و در شرایط ویژه بررسی می‌شود. در صورت رد درخواست، ممکن است از ورود فرد به قلمرو آلمان جلوگیری شود. برای حمایت موقت قضایی نیز مهلت‌های بسیار کوتاهی وجود دارد.

به زبان ساده: «رویه فرودگاهی»، اصطلاح قدیمی این رویه است. در مقررات جاری از «رویه مرزی پناهندگی» نام برده می‌شود.

نکته عملی: از ۱۲ ژوئن ۲۰۲۶ مقررات جدید اتحادیه اروپا و ماده ۱۸الف قانون پناهندگی اهمیت دارند. در صورت تصمیم منفی، به دلیل کوتاه بودن مهلت‌های اعتراض، مراجعه فوری به مشاوره حقوقی ضروری است.

مثال: فردی در یک فرودگاه آلمان درخواست حمایت بین‌المللی می‌کند. اگر شرایط قانونی و اروپایی وجود داشته باشد، درخواست او می‌تواند در رویه مرزی پناهندگی بررسی شود.

پایه حقوقی / منابع:
§ 18a AsylG – Asylverfahren und Rückkehrverfahren an der Grenze | Verordnung (EU) 2024/1348 | asyl.net - Asylverfahrensverordnung

Flüchtlingseigenschaft / Zuerkennung der Flüchtlingseigenschaft
(وضعیت پناهندگی / اعطای وضعیت پناهندگی)

تعریف: وضعیت پناهندگی به وضعیت حمایتی فردی گفته می‌شود که شرایط شناسایی به‌عنوان پناهنده را دارد. قواعد حمایت بین‌المللی برای پرونده‌های مشمول مقررات جدید در مقررات اتحادیه اروپا شماره ۱۳۴۷/۲۰۲۴ تنظیم شده است. فرد باید، از جمله، ترس موجه از تعقیب به دلیل نژاد، دین، تابعیت، عقیده سیاسی یا عضویت در یک گروه

اجتماعی خاص داشته باشد و نتواند یا به دلیل این ترس نخواهد از حمایت کشور مبدأ خود استفاده کند.

این وضعیت باید از حق پناهندگی بر اساس اصل ۱۶الف قانون اساسی آلمان متمایز شود.

به زبان ساده: کسی که به‌عنوان پناهنده شناخته می‌شود، از حمایت بین‌المللی برخوردار می‌شود. این وضعیت با «پناهندگی» به معنای محدود آن در اصل ۱۶الف قانون اساسی یکسان نیست.

نکته عملی: در تصمیم‌های BAMF باید دقیقاً بررسی شود که چه نوع حمایت اعطا یا رد شده است. صرف استفاده از واژه «پناهنده» نشان نمی‌دهد که فرد دارای حق پناهندگی، وضعیت پناهندگی، حمایت فرعی یا ممنوعیت اخراج ملی است.

مثال: اگر BAMF حق پناهندگی فرد را بر اساس اصل ۱۶الف رد کند اما وضعیت پناهندگی او را به رسمیت بشناسد، فرد از حمایت بین‌المللی پناهندگی برخوردار می‌شود.

پایه حقوقی / منابع:
§ 3 AsylG – Zuerkennung des internationalen Schutzes | Verordnung (EU) 2024/1347 – Qualifikationsverordnung | Artikel 16a Grundgesetz

Flüchtlingskonvention
(کنوانسیون پناهندگان)

تعریف: «کنوانسیون ژنو درباره وضعیت پناهندگان» (GFK)، با عنوان رسمی «کنوانسیون مربوط به وضعیت پناهندگان»، در ۲۸ ژوئیه ۱۹۵۱ تصویب شد. این کنوانسیون مهم‌ترین سند بین‌المللی برای حمایت از پناهندگان است و مفهوم پناهنده و حقوق و وظایف اساسی پناهندگان و کشورهای عضو را تعیین می‌کند. پروتکل سال ۱۹۶۷ دامنه زمانی و جغرافیایی آن را گسترش داد. آلمان عضو کنوانسیون ژنو درباره وضعیت پناهندگان است.

به زبان ساده: کنوانسیون پناهندگان یک مبنای بین‌المللی برای حمایت از افرادی است که به دلیل آزار و تعقیب نمی‌توانند به کشور مبدأ خود بازگردند.

نکته عملی: کنوانسیون ژنو یکی از پایه‌های مهم حمایت بین‌المللی از پناهندگان است، اما خودِ کنوانسیون، روندِ اداری رسیدگی به درخواست پناهندگی آلمان نیست. در آلمان شرایط دریافت حمایت پناهندگی، به‌ویژه بر اساس مقررات اتحادیه اروپا و قوانین آلمان بررسی می‌شود. مقررات مربوط در قانون پناهندگی آلمان، از جمله در ماده ۳، آمده است.

کشورهایی که این کنوانسیون را امضا کرده اند، موظف هستند به درخواست پناهندگی افرادی که در آن کشور چنین درخواستی را ارائه می دهند، بررسی کنند. همچنین شرایط و اصول مندرج در این کنوانسیون را در قوانین ملی خود وارد کنند.

مثال: فردی در روند پناهندگی ادعا می‌کند که به دلیل باور سیاسی خود تحت تعقیب قرار گرفته است. در بررسی شرایط اعطای وضعیت پناهندگی، مقررات بین‌المللی و اروپایی حمایت از پناهندگان و اجرای آنها در حقوق آلمان اهمیت دارند.

پایه حقوقی / منابع:
UNHCR – Genfer Flüchtlingskonvention | § 3 AsylG

Flüchtlingsrat

(شورای پناهندگان)

تعریف: شوراهای پناهندگان سازمان‌های مستقل در سطح ایالت هستند که برای حقوق و حمایت از پناهندگان و متقاضیان پناهندگی فعالیت می‌کنند. شوراهای پناهندگان ایالتی از مراکز مشاوره و داوطلبان حمایت می‌کنند، درباره مسائل مربوط به حقوق پناهندگی و اقامت اطلاع‌رسانی می‌کنند و در عرصه عمومی از منافع پناهندگان دفاع می‌کنند. آنها نهادهای دولتی نیستند و درباره درخواست‌های پناهندگی یا عنوان‌های اقامت تصمیم نمی‌گیرند.

به زبان ساده: شورای پناهندگان یک سازمان مستقل برآمده از جامعه مدنی است که برای حقوق پناهندگان و متقاضیان پناهندگی فعالیت می‌کند و برای کار در حوزه پناهندگی اطلاعات و حمایت فراهم می‌کند.

نکته عملی: شوراهای پناهندگان، به‌ویژه برای مراکز مشاوره، حامیان و نیروهای تخصصی، می‌توانند منبع مهمی برای کسب اطلاعات باشند. نوع و دامنه خدمات مشاوره‌ای آنها بسته به ایالت و سازمان متفاوت است.

مثال: یک مرکز مشاوره به اطلاعات به‌روز درباره وضعیت کشور مبدا، تغییر مقررات پناهندگی یا اقامت در نوردراین-وستفالن نیاز دارد. می‌تواند برای دریافت اطلاعات تخصصی و مطالب مرتبط به شورای پناهندگان نوردراین-وستفالن مراجعه کند.

توضیح: به دلیل جمعیت بالای ایالت نوردراین-وستفالن، این ایالت در اینجا به‌عنوان نمونه معرفی شده است.

پایه حقوقی / منابع:
Flüchtlingsrat NRW

Folge- und Zweitantrag

(درخواست مجدد و درخواست دوم)

تعریف: اصطلاح‌های Folgeantrag و Zweitantrag در گذشته به دو وضعیت متفاوت در مورد درخواست دوباره پناهندگی اشاره داشتند. Folgeantrag به طور کلی مربوط به حالتی بود که پرونده قبلی در آلمان رسیدگی شده بود. Zweitantrag بر اساس مقررات سابق به حالتی مربوط می‌شد که فرد قبلاً در یک کشور امن ثالث پرونده پناهندگی ناموفق داشته و سپس در آلمان درخواست پناهندگی می‌کرد. از ۱۲ ژوئن ۲۰۲۶، ماده ۷۱الف قانون پناهندگی که مبنای قانونی مستقل Zweitantrag بود، حذف شده است. بنابراین Zweitantrag دیگر یک عنوان قانونی مستقل در حقوق فعلی آلمان نیست.

به زبان ساده: در مقررات قدیمی Folgeantrag یعنی پرونده قبلی در آلمان بوده است و Zweitantrag یعنی پرونده درخواست پناهندگی قبلی در کشور دیگری بوده است. اما در حقوق جاری از ۱۲ ژوئن ۲۰۲۶، نباید Zweitantrag را همچنان به‌عنوان یک عنوان قانونی مستقل تلقی کرد.

نکته عملی: اصطلاح Zweitantrag ممکن است همچنان در احکام دادگاه‌ها، پرونده‌ها یا متون قدیمی دیده شود. هنگام کار با چنین اسنادی باید توجه کرد که قانونِ زمان انجام درخواست چه بوده است. در متون جدید این اصطلاح استفاده نمی نشود.

مثال: فردی در سال‌های گذشته در یک کشور دیگر عضو اتحادیه اروپا پرونده پناهندگی داشته و سپس در آلمان درخواست کرده است. در یک متن حقوقی قدیمی ممکن است این وضعیت Zweitantrag نامیده شده باشد. در پرونده‌ای که پس از ۱۲ ژوئن ۲۰۲۶ مطرح شده است، باید مقررات جدید قابل اجرا بررسی شود.

پایه حقوقی / منابع:
§ 71 AsylG | Art. 3 Nr. 19 Verordnung (EU) 2024/1348

Folter
(شکنجه)

تعریف: شکنجه طبق ماده ۱ کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه شکنجه، هر اقدامی است که عمداً درد یا رنج شدید جسمی یا روانی به فرد وارد کند، به‌ویژه برای گرفتن اطلاعات یا اعتراف، مجازات، ارعاب یا اجبار او. ممنوعیت شکنجه، مطلق است. بر اساس ماده ۳ این کنوانسیون، اگر دلایل جدی وجود داشته باشد که فردِ متقاضی پناهندگی در کشور مقصد در معرض شکنجه قرار خواهد گرفت، دولت نباید او را به آن کشور بازگرداند.

به زبان ساده: شکنجه یعنی وارد کردن عمدی درد یا رنج شدید جسمی یا روانی به فرد. در حوزه پناهندگی اهمیت ویژه دارد، زیرا بازگرداندن فرد به جایی که در آن خطر شکنجه وجود دارد ممنوع است.

نکته عملی: در پرونده پناهندگی، شکنجه می‌تواند هم به‌عنوان عمل تعقیب و هم به‌عنوان خطر جدی در صورت بازگشت، اهمیت داشته باشد. شرح شکنجه باید تا حد امکان دقیق و منسجم باشد و در صورت وجودِ مدارک پزشکی یا سایر مدارک، آنها باید ارائه شوند.

مثال: فردی می‌گوید در کشور مبدأ توسط نیروهای امنیتی برای وادار کردن او به اعتراف به‌شدت شکنجه شده است. در بررسی پناهندگی باید بررسی شود که آیا شرایط حمایت وجود دارد.

پایه حقوقی / منابع:
UN-Übereinkommen gegen Folter – Artikel 1 und 3 | UN Committee against Torture – Convention against Torture

Fortbildung
(آموزش تکمیلی شغلی)

تعریف: Fortbildung در حوزه شغلی به اقداماتی گفته می‌شود که از طریق آنها دانش و مهارت‌های حرفه‌ای موجود حفظ، گسترش یا با نیازهای جدید هماهنگ می‌شوند. Fortbildung بخشی از آموزش و ادامه آموزش حرفه‌ای است.

به زبان ساده: در یک آموزش تکمیلی، دانش حرفه‌ای موجود به‌روز یا گسترده می‌شود تا فرد بتواند شغل فعلی خود را بهتر انجام دهد یا از نظر حرفه‌ای پیشرفت کند.

نکته عملی: برای پناهندگان و مهاجران، Fortbildung می‌تواند زمانی مفید باشد که فرد از قبل دارای مدرک یا سابقه شغلی است، اما برای بازار کار آلمان به دانش اضافی نیاز دارد. بسته به وضعیت فرد، Agentur für Arbeit یا Jobcenter (اداره کار)، ممکن است آموزش تکمیلی شغلی را طبق شرایط قانونی حمایت مالی کند. موضوع تأمین هزینه باید پیش از شروع دوره روشن شود.

مثال: یک پناهنده دارای سابقه شغلی است، اما برای استفاده از نرم‌افزار رایج در آلمان به دانش جدید نیاز دارد و در یک دوره آموزش تکمیلی مربوط شرکت می‌کند.

پایه حقوقی / منابع:
Bundesagentur für Arbeit – Weiterbildung und berufliche Qualifizierung

GEAS – Gemeinsames Europäisches Asylsystem
(نظام مشترک اروپایی پناهندگی)

تعریف: GEAS مخفف «Gemeinsames Europäisches Asylsystem» یا نظام مشترک اروپایی پناهندگی است. این نظام، مجموعه مقررات اروپایی است که روندها، مسئولیت‌ها و استانداردهای مربوط به پناهندگی و حمایت بین‌المللی در اتحادیه اروپا را تنظیم می‌کند. اصلاحات تصویب‌شده در سال ۲۰۲۴ شامل مقررات جدید درباره روند پناهندگی، غربالگری، مسئولیت و سازوکار همبستگی میان کشورهای عضو است. بخش بزرگی از مقررات جدید از ۱۲ ژوئن ۲۰۲۶ اعمال می‌شود.

به زبان ساده: برای پناهجویان در آلمان، GEAS به این معناست که بخش‌های مهم روند پناهندگی فقط بر اساس حقوق آلمان تعیین نمی‌شوند، بلکه مقررات اتحادیه اروپا نیز نقش دارند.

نکته عملی: نظام جدیدِ مدیریت پناهندگی و مهاجرت، جایگزین مقرره دوبلین ۳ (Dublin III) شده است. برای درخواست‌های پناهندگی که پیش از ۱۲ ژوئن ۲۰۲۶ ثبت شده‌اند، برای تعیین کشور عضو مسئول، معیارهای Dublin III همچنان اعمال می‌شوند. برای درخواست‌هایی که از ۱۲ ژوئن ۲۰۲۶ ثبت می‌شوند، اصولاً مقررات جدید مدیریت پناهندگی و مهاجرت GEAS ملاک می باشد.

مثال: فردی در سال ۲۰۲۶ در آلمان درخواست پناهندگی می دهد. برای بررسی مسئولیت کشور عضو باید علاوه بر حقوق آلمان، مقررات جدید GEAS و مقررات مربوط به مدیریت پناهندگی و مهاجرت نیز در نظر گرفته شوند.

پایه حقوقی / منابع:
Basisinformationen zur GEAS | Verordnung (EU) 2024/1348 – Asylverfahrensverordnung | Verordnung (EU) 2024/1347 – Qualifikationsverordnung | Pro Asyl- GEAS startet

Gemeinschaftsunterkunft / Flüchtlingsheim
(خوابگاه دسته‌جمعی پناهجویان)

تعریف: خوابگاه دسته‌جمعی محلی است که در آن جمعی از پناهجویان یا افراد دیگری که به دلیل وضعیت مهاجرتی خود نیازمند اسکان عمومی هستند، به‌طور مشترک اسکان داده می‌شوند. در حوزه پناهندگی، پناهجویان به‌ویژه در مراکز پذیرش و خوابگاه‌های دسته‌جمعی اسکان داده می‌شوند. شکل و مدت اسکان می‌تواند بر اساس ایالت، شهر و وضعیت اقامت متفاوت باشد.

به زبان ساده: خوابگاه دسته‌جمعی محلی است که چندین نفر در آن به‌صورت مشترک زندگی می‌کنند و اسکان آنان به شکل عمومی سازمان‌دهی شده است.

نکته عملی: مدت اقامت پناهجویان در مراکز و خوابگاه‌های دسته‌جمعی بر اساس مقررات قانونی تعیین می‌شود. خوابگاه‌های پناهجویان انواع مختلف دارند. اسکان پناهجویان در هر ایالت و شهر مطابق قوانین و مقررات همانجا تعریف و اجرا می‌شود.

مثال: خانواده‌ای که در جریان روند پناهندگی خود هنوز امکان اجاره یک مسکن مستقل را ندارد، در یک خوابگاه دسته‌جمعی اسکان داده می‌شود.

توضیح: مدت زمان اقامت پناهجویان در مراکز و خوابگاه های عمومی توسط مقررات قانونی تعیین می‌شود. اقامتگاه‌های عمومی برای پناهجویان می‌تواند اشکال مختلفی داشته باشد. اقامتگاه‌های خاص پناهجویان در ایالت‌ها و شهرداری‌ها - مطابق با مقررات قانونی و سازمانی مربوطه -، طراحی و اجرا می‌شوند.

پایه حقوقی / منابع:
§ 47 AsylG – Aufenthalt in Aufnahmeeinrichtungen | § 53 AsylG – Unterbringung in Gemeinschaftsunterkünften | § 48 AsylG – Beendigung der Verpflichtung, in einer Aufnahmeeinrichtung zu wohnen | § 53 AsylG – Unterbringung in Gemeinschaftsunterkünften

Gesundheitsamt
(اداره بهداشت)

تعریف: Gesundheitsamt یک نهاد دولتی در چارچوب خدمات بهداشت عمومی است که در سطح شهرداری یا منطقه فعالیت می‌کند. این اداره وظایفی در زمینه حفاظت از سلامت و پیشگیری از بیماری‌ها دارد. در حوزه پناهندگی و مهاجرت، اداره بهداشت می‌تواند در معاینات پزشکی، پیشگیری و کنترل بیماری‌های واگیردار، خدمات بهداشتی و برخی مسائل اداری مرتبط با سلامت نقش داشته باشد. وظایف دقیق آن به صلاحیت‌های قانونی و ایالت مربوطه بستگی دارد.

به زبان ساده: اداره بهداشت یک مرجع دولتی در اموربهداشت و سلامت است. این اداره درباره درخواست پناهندگی تصمیم نمی‌گیرد، اما ممکن است در برخی مسائل بهداشتی مربوط به پناهندگان و مهاجران مسئول باشد.

نکته عملی: اداره بهداشت را نباید با مطب پزشک خانواده یا بیمارستان یکی دانست. این اداره درباره برخورداری فرد از حمایت پناهندگی نیز تصمیم نمی‌گیرد. در مسائل پزشکی مربوط به روند پناهندگی ابتدا باید مشخص شود کدام مرجع پزشکی یا اداری در مورد مشخص مسئول است.

مثال: در یک محل اسکان پناهجویان یک بیماری عفونیِ قابل گزارش شیوع پیدا می‌کند. اداره بهداشت مسئول می‌تواند در چارچوب مقررات حفاظت در برابر عفونت وارد عمل شود و اقدامات لازم را هماهنگ کند.

پایه حقوقی / منابع:
Infektionsschutzgesetz (IfSG)

Grenzübertrittsbescheinigung (GÜB)
(گواهی عبور از مرز)

تعریف: GÜB سند اداری‌ای است که به‌ویژه برای افراد مشمول الزام به خروج، به‌عنوان مدرک خروج واقعی از آلمان یا محدوده شنگن استفاده می‌شود.

به زبان ساده: هدف GÜB این است که نشان دهد شخصِ مورد نظر، آلمان یا محدوده شنگن را در مهلت مقرر ترک کرده است. این سند گذرنامه یا عنوان اقامت نیست.

نکته عملی: هدف GÜB این است که اثبات کند شخصِ مورد نظر، آلمان یا محدوده شنگن را در مهلت مقرر قانونی ترک کرده است. این برگه قبل از خروج توسط اداره مهاجرت به فرد تحویل داده می‌شود؛ او نیز موظف است هنگام عبور از مرز، برگه را به پلیس مرزی (Bundespolizei) تحویل دهد. پلیس مرزی با ثبت مهر و امضا روی برگه، زمان و مکان دقیق خروج فرد را تایید کرده و سند را جهت تکمیل پرونده به اداره مهاجرت پس می‌فرستد.

مثال: برای مثال، فرد مشمول الزام به خروج GÜB با مهلت خروج دریافت می‌کند و پس از خروج، گواهی طبق روند تعیین‌شده تأیید می‌شود.

پایه حقوقی / منابع:
§ 50 AufenthG – Ausreisepflicht | Serviceportal Rheinland-Pfalz – Grenzübertrittsbescheinigung (GÜB) | Auswärtiges Amt – Grenzübertrittsbescheinigung

Gutachten
(گزارش کارشناسی / ارزیابی کارشناسی)

تعریف: Gutachten یک ارزیابی کتبی و مستدل تخصصی است که یک کارشناس درباره یک پرسش مشخص تهیه می‌کند. در حوزه پناهندگی و اقامت، برای مثال گزارش‌های کارشناسی پزشکی، روان‌درمانی، روان‌پزشکی یا تخصصی دیگر می‌توانند اهمیت داشته باشند. گزارش کارشناسی برای روشن شدن یک موضوع تخصصی به کار می‌رود، اما جای تصمیم حقوقی مرجع اداری یا دادگاه را نمی‌گیرد.

به زبان ساده: گزارش کارشناسی یک ارزیابی تخصصی و نسبتاً مفصل درباره یک موضوع مشخص است که توسط فرد دارای صلاحیت تخصصی تهیه می‌شود. شرایط تشخیص و تعیین نوع بیماری، میزان و شدت ناتوانی احتمالی، از کار افتادگی یا احتمالا قادر به مسافرت نبودن بر اساس ماده 60آ بند 2س در قانون اقامت مشخص شده است. این تکات باید در گواهی تخصصی رعایت شوند.

نکته عملی: در صورت وجود مشکلات جسمی یا روانی، به‌ویژه بیماری‌های روانی، آسیب‌دیدگی روانی یا پیامدهای احتمالی شکنجه، یک گزارش کارشناسی پزشکی یا روان‌درمانی می‌تواند برای روند پناهندگی یا اقامت اهمیت داشته باشد.
باید به وضوح بیان شود که چه معایناتی انجام شده، کدام یافته‌های کارشناسی به دست آمده و این نتیجه‌گیری‌ها بر چه اساسی استوار است.

نظر کارشناسی به طور خودکار برای اداره فدرال مهاجرت و پناهندگان (BAMF) یا دادگاه الزام‌آور نیست. اداره مهاجرت می‌تواند از اداره بهداشت عمومی بخواهد که معاینه پزشکی فردی را که با اخراج مواجه است، انجام دهد.

شرایط مربوط به تشخیص و تعیین نوع بیماری و همچنین میزان و شدت معلولیت احتمالی، ناتوانی در کار یا ناتوانی در سفر، در ماده ۶۰آ ، بند ۲س از قانون اقامت آلمان تعیین شده است. نکاتی که آنجا آمده باید در نظریه کارشناسی (گواهی اخصصی پزشکی) مورد توجه قرار گیرند.

مثال: در یک متقاضی پناهندگی نشانه‌های یک اختلال شدید ناشی از تروما دیده می‌شود. پزشک متخصص فرد را معاینه کرده و گزارشی کارشناسی درباره وضعیت سلامت او و پیامدهای احتمالی بازگرداندن وی تهیه می‌کند.

پایه حقوقی / منابع:
§ 60 Abs. 5 und 7 AufenthG | § 60a Absatz 2c AufenthG

Integrationskurs
(کلاس دوره ادغام)

تعریف: Integrationskurs یا کلاس ادغام، یک برنامه دولتی برای ادغام زبانی و اجتماعی است. بر اساس ماده ۴۳ قانون اقامت، این دوره شامل دوره زبان و دوره جهت‌یابی است. دوره جهت‌یابی دانش‌هایی درباره نظام حقوقی، فرهنگ و تاریخ آلمان ارائه می‌کند. برخی گروه‌ها بر اساس ماده ۴۴ قانون اقامت حق شرکت دارند و تحت شرایط ماده ۴۴الف ممکن است شرکت الزامی باشد.

به زبان ساده: دوره ادغام از یک دوره زبان و یک دوره جهت‌یابی تشکیل می‌شود و هدف آن آموزش زبان آلمانی و آشنایی پایه با زندگی، نظام حقوقی، تاریخ و فرهنگ آلمان است.

نکته عملی: پیش از ثبت‌نام باید بررسی شود که آیا فرد حق قانونی، مجوز یا الزام شرکت دارد.

مثال: فردی اجازه اقامت از طریق الحاق به خانواده دریافت کرده و هنوز دانش کافی زبان آلمانی ندارد. تحت شرایط قانونی ممکن است حق شرکت و در مواردی الزام شرکت در دوره ادغام وجود داشته باشد.

پایه حقوقی / منابع:
§ 43 AufenthG – Integrationskurs | § 44 AufenthG – Berechtigung zur Teilnahme | § 44a AufenthG – Verpflichtung zur Teilnahme | BAMF – Was ist ein Integrationskurs? | BAMF – Integrationskurse

Internationaler subsidiärer Schutz
(حمایت فرعی بین‌المللی)

تعریف: مقررات ملی پیشین در خصوص حمایت فرعی (subsidiärer Schutz) مندرج در ماده ۴ قانون پناهندگی (AsylG)، از تاریخ ۱۲ ژوئن ۲۰۲۶ ملغی شده است. ماده ۴ قانون پناهندگی در نسخه اصلاحی فعلی، صراحتاً با عنوان «ملغی‌شده» (weggefallen) مشخص گردیده است. با این حال، حمایت فرعی به عنوان یک شکل از انواع حمایت، کاملاً حذف و برچیده نشده است.

مبنای قانونی برای اعطای حمایت فرعی بین‌المللی در خصوص درخواست‌هایی که از تاریخ ۱۲ ژوئن ۲۰۲۶ به بعد ثبت می‌شوند، بر اساس آیین‌نامه (اتحادیه اروپا) شماره 1347/2024 تعیین می‌گردد. این امر از مقررات انتقالی مندرج در ماده ۸۷e قانون پناهندگی (AsylG) نیز استنباط می‌شود. با این وجود، این اصطلاح و مقررات ملی سابق آن همچنان در این فرهنگ اصطلاحات توضیح داده می‌شوند؛ زیرا متقاضیان مشاوره ممکن است در برگه ردی/قبولی‌های قدیمی‌تر پناهندگی، احکام دادگاه‌ها، اسناد مشاوره و سایر مدارک، همچنان با «ماده ۴ قانون پناهندگی – حمایت فرعی» مواجه شوند.

«آسیب جدی» به‌ویژه شامل صدور یا اجرای حکم اعدام، شکنجه یا رفتار و مجازات غیرانسانی یا تحقیرآمیز، و همچنین تهدید جدی و فردی علیه جان یا تمامیت جسمانی یک فرد غیرنظامی در نتیجه خشونت‌های کور و بی‌هدف در چارچوب یک مناقشه مسلحانه بین‌المللی یا داخلی است.

در مقابل، برای پرونده‌ها و فرآیندهای جاری، آیین‌نامه اتحادیه اروپا که از ۱۲ ژوئن ۲۰۲۶ لازم‌الاجرا شده، ملاک عمل است.

به زبان ساده: حمایت فرعی به این معناست که فرد به عنوان پناهنده (طبق کنوانسیون ژنو) شناخته نمی‌شود، اما بازگشت او به کشورش به دلیل وجود یک خطر جدی، غیرقابل‌قبول و ناممکن است. به همین دلیل، او تحت حمایت بین‌المللی قرار می‌گیرد.

نکته کاربردی: در فرآیند مشاوره باید میان «وضعیت پناهندگی»(Flüchtlingseigenschaft)، «حمایت فرعی» (subsidiärer Schutz) و «ممنوعیت‌های ملی اخراج از کشور» (nationale Abschiebungsverbote) تفکیک قائل شد. این اشکالِ حمایتی دارای پیش‌شرط‌های قانونی متفاوت و در برخی موارد پیامدهای اقامتی متفاوتی هستند.

مثال: فردی شرایط شناسایی به‌عنوان پناهنده را ندارد، اما در صورت بازگشت به کشور مبدأ با خطر شکنجه یا رفتار غیرانسانی روبه‌رو است. در پرونده مشمول مقررات جدید، شرایط حمایت فرعی بر اساس مقررات اتحادیه اروپا بررسی می‌شود.

پایه حقوقی / منابع:
§ 4 AsylG – Subsidiärer Schutz | Verordnung (EU) 2024/1347 – Qualifikationsverordnung

Istanbul-Protokoll
(پروتکل استانبول)

تعریف: «پروتکل استانبول» یک راهنمای سازمان ملل متحد برای بررسی و مستندسازی مؤثر شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز است. این پروتکل استانداردها و توصیه‌های تخصصی بین‌المللی را برای متخصصان پزشکی، روان‌شناسی، حقوقی و سایر متخصصانی که موارد شکنجه را بررسی یا مستندسازی می‌کنند، ارائه می‌دهد. دومین نسخه بازنگری‌شده آن در سال ۲۰۲۲ منتشر شد و تجربه‌ها و پیشرفت‌های علمی از زمان نسخه قبلی را در نظر گرفته است.

به زبان ساده: پروتکل استانبول توضیح می‌دهد که چگونه می‌توان آثار جسمی و روانی شکنجه را به‌صورت تخصصی بررسی و مستند کرد.

نکته عملی: در روند پناهندگی، مستندسازی تخصصی پیامدهای شکنجه می‌تواند اهمیت ویژه‌ای داشته باشد، به‌خصوص زمانی که فرد ادعای تعقیب، شکنجه یا سایر نقض‌های شدید حقوق بشر را مطرح می‌کند. پروتکل استانبول بخشی از قوانین آلمان نیست و اجرای آن برای ادارات و دادگاه‌های آلمان الزام‌آور نمی باشد. با این حال، در عمل می‌تواند از سوی نهادهای مختلف آلمان و به‌ویژه دادگاه‌ها در پرونده‌های پناهندگی مورد توجه قرار گیرد؛ خصوصاً برای بررسی و مستندسازی تخصصی آثار شکنجه.

مثال: یک متقاضی پناهندگی گزارش می‌کند که در کشور مبدأ خود شکنجه شده است. یک متخصص پزشکی یا روان‌شناسی واجد صلاحیت او را معاینه و آثار جسمی و روانی مشاهده‌شده را با توجه به استانداردهای پروتکل استانبول مستند می‌کند.

پایه حقوقی / منابع:
Was ist das Istanbul-Protokoll? | Istanbul Protocol – OHCHR, 2022 | UNO Istanbul-Protokoll | 25 Jahre Istanbul-Protokoll

Härtefallkommission

(کمیسیون موارد سخت و ویژه)

تعریف: کمیسیون موارد سخت و ویژه می‌تواند بر اساس ماده ۲۳الف قانون اقامت تشکیل شود. این کمیسیون می‌تواند پرونده اتباع خارجی ملزم به ترک کشور را بررسی کند و در صورت وجود دلایل فوری بشردوستانه یا شخصی، از عالی‌ترین مقام ایالتی ذی‌صلاح درخواست بررسی اعطای اقامت کند. درخواست کمیسیون به‌خودی‌خود حق قانونی فرد برای دریافت اجازه اقامت ایجاد نمی‌کند.

به زبان ساده: در موارد ویژه، کمیسیون می‌تواند بررسی کند که آیا با وجود الزام به ترک کشور، به دلایل فوری بشردوستانه یا شخصی امکان ادامه اقامت وجود دارد یا نه. مراجعه به کمیسیون تضمین دریافت اقامت نیست.

نکته عملی: شرایط و روند کار کمیسیون‌ها در ایالت‌های مختلف متفاوت است. در اینجا نوردراین-وستفالن به‌عنوان نمونه آورده شده است.

مثال: فردی سال‌های طولانی در آلمان زندگی کرده، اما مکلف به ترک کشور است و دلایل شخصی و بشردوستانه ویژه‌ای برای ادامه اقامت دارد. امکان درخواست بررسی مورد سخت و ویژه در چارچوب مقررات ایالتی بررسی می‌شود.

توضیح: به دلیل جمعیت بالای ایالت نوردراین-وستفالن، این ایالت در اینجا به‌عنوان نمونه معرفی شده است.

پایه حقوقی / منابع:
§ 23a AufenthG – Aufenthaltsgewährung in Härtefällen | Härtefallkommission Nordrhein-Westfalen – Landesregierung NRW

Heirat, Kinder – Schutz von Ehe und Familie
(ازدواج، فرزندان – حمایت از ازدواج و خانواده)

تعریف: ازدواج و خانواده بر اساس اصل ۶ قانون اساسی آلمان از حمایت ویژه برخوردارند. در حقوق اقامت، زندگی مشترک خانوادگی تحت شرایط قانونی می‌تواند مبنای حق اقامت باشد. ازدواج به‌تنهایی و به‌صورت خودکار حق اقامت ایجاد نمی‌کند.

به زبان ساده: ازدواج یا داشتن فرزند می‌تواند تحت شرایط قانونی مبنای اقامت باشد، اما ازدواج یا به‌رسمیت‌شناختنِ پدر بودن، به‌خودی‌خود به معنای دریافت اجازه اقامت نیست.

نکته عملی: در هر مورد باید رابطه خانوادگی، تابعیت و عنوان اقامتی فرد مرجع و شرایط قانونی الحاق به خانواده بررسی شود.

مثال :فردی خارجی با یک تبعه آلمان ازدواج می‌کند. این ازدواج اصولاً می‌تواند مبنای الحاق همسر یا دریافت اجازه اقامت باشد، اما وجود حق اقامت به بررسی شرایط قانونی پرونده بستگی دارد.

پایه حقوقی / منابع:
Artikel 6 Grundgesetz – Ehe und Familie | § 28 AufenthG – Familiennachzug zu Deutschen | § 30 AufenthG – Ehegattennachzug

Jesiden / Eziden
(ایزدیان)

تعریف: ایزدیان یا یزیدیان یک جامعه قومی-دینی مستقل هستند که مناطق تاریخی سکونت آنان، از جمله در شمال عراق قرار دارد. آنان به‌ویژه از سال ۲۰۱۴ به‌دلیل جنایات گروه موسوم به «دولت اسلامی- داعش» به‌شدت مورد آزار قرار گرفتند و بسیاری کشته، آواره یا قربانی بردگی و خشونت جنسی شدند.

به زبان ساده: ایزدیان یک جامعه قومی-دینی مستقل هستند. آزار آنان به نقض‌های شدید حقوق بشر انجامیده است. با این حال، در پرونده پناهندگی باید وضعیت مشخص هر فرد بررسی شود.

نکته عملی: در درخواست پناهندگی افراد ایزدی باید منطقه مبدأ و وضعیت فردی تعقیب یا خطر مستند شود. تعلق به این قوم و اظهارات کلی موجب شناسایی خودکار موقعیت پناهندگی نمی شود. دلایل هر فرد بطور شخصی مورد بررسی قرار می گیرد.

مثال: یک فرد ایزدی از عراق در آلمان درخواست حمایت می‌کند. وضعیت فردی، محل مبدأ، احتمال تعقیب و وضعیت جاری عراق بررسی می‌شود.

پایه حقوقی / منابع:
Auswärtiges Amt – Hilfe für Jesidinnen und Jesiden im Irak | bpb – Jesiden

Jobcenter
(مرکز کاریابی)

تعریف: Jobcenter یک نهاد دولتی است که مسئول تأمین پایه برای جویندگان کار است. این نهاد از جمله در جست‌وجوی کار، ادغام شغلی و ـ در صورت وجود شرایط قانونی ـ در ارائه مزایای تأمین هزینه زندگی حمایت

می‌کند. از ۱ ژوئیه ۲۰۲۶، نظام تأمین پایه از نو تنظیم شده است؛ Bürgergeld پیشین با Grundsicherungsgeld جایگزین شده است.

به زبان ساده: Jobcenter از افرادی حمایت می‌کند که در جست‌وجوی کار هستند و نمی‌توانند هزینه زندگی خود را به‌طور کامل یا با جزئی از درآمد خود تأمین کنند.

نکته عملی: در مورد پناهجویان با به‌رسمیت شناخته شدن وضعیت حمایتی و پس از صدور اجازه اقامت از سوی اداره اتباع خارجی، صلاحیت رسیدگی به امور تامین اجتماعی از اداره سوسیال به حوزه حقوقی قانون اجتماعی دوم (SGB II) منتقل می‌شود. افراد دارای حق پناهندگی، پناهندگان به‌رسمیت‌شناخته‌شده و افراد برخوردار از حمایت فرعی، در صورت وجود سایر شرایط قانونی، می‌توانند مزایای تأمین پایه برای جویندگان کار را از Jobcenter دریافت کنند. تا زمان به‌رسمیت شناخته شدن و در جریان روند پناهندگی، افراد واجد شرایط تحت پوشش قانون تامین احتماعی پناهجویان (AsylbLG) قرار دارند.

مثال: یک فرد پناهنده قبولی پناهندگی یا موقعیت حمایتی دریافت کرده و شرایط دریافت مزایای تأمین پایه را دارد. او به Jobcenter شهر یا منطقه اش مراجعه می‌کند. در آنجا هم حمایت مالی و هم امکان‌های ادغام شغلی بررسی می‌شود.

پایه حقوقی / منابع:
BMAS – Grundsicherung | Bundesagentur für Arbeit – Jobcenter

Jugendamt
(اداره حمایت از کودکان و نوجوانان)

تعریف: Jugendamt اداره محلی مسئول امور حمایت از کودکان و نوجوانان است و از جمله وظیفه حمایت از کودکان و نوجوانان را دارد. در مورد کودکان و نوجوانان خارجی بدون همراه، وظایف قانونی ویژه‌ای دارد.

به زبان ساده: Jugendamt زمانی مسئول است که کودکان یا نوجوانان به حمایت، کمک یا خدمات حوزه حمایت از کودکان و نوجوانان نیاز داشته باشند.

نکته کاربردی: اگر کودک یا نوجوان در معرض خطر برای مصلحت کودک، از جمله خشونت خانگی، باشد، Jugendamt موضوع را بررسی و اقدامات حفاظتی مناسب را آغاز می‌کند. در موارد فوری، می‌تواند کودک یا نوجوان را موقتاً تحت حمایت خود بگیرد و در مرکز یا محل مناسب دیگری اسکان دهد. اگر والیدن دارای حق حضانت مخالفت کنند ولی خطر آسیب کودک ادامه داشته باشد، در صورت لزوم دادگاه خانواده (Familiengericht) وارد موضوع می‌شود و می‌تواند اقدامات لازم تا محدود کردن یا سلب جزئی یا کامل حضانت والدین را مقرر کند.

مثال: برای مثال، نوجوان ۱۶ ساله بدون والدین وارد آلمان می‌شود و Jugendamt ابتدا او را تحت حمایت موقت قرار می‌دهد.

پایه حقوقی / منابع:
§ 2 SGB VIII – Aufgaben der Jugendhilfe | § 42 SGB VIII – Inobhutnahme | §§ 42a und 42b SGB VIII – unbegleitete ausländische Kinder und Jugendliche

Kinderrechtskonvention
(کنوانسیون حقوق کودک)

تعریف: کنوانسیون حقوق کودک، کنوانسیون سازمان ملل متحد درباره حقوق کودک است که در ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹ تصویب شد و آلمان نیز عضو آن است. این کنوانسیون کودکان را دارنده حقوق مستقل بشری می‌داند.

کشورهایی که این کنوانسیون را امضا کرده اند، موظف به رعایت مواد آن بوده و باید قوانین کشور خود را با آن هماهنگ کنند.

برای حقوق پناهندگی و اقامت، به‌ویژه ماده ۳ بند ۱ اهمیت دارد: در همه اقدامات مربوط به کودکان، منافع و مصالح عالی کودک باید به‌عنوان یک ملاحظه مقدم در نظر گرفته شود. این اصل در باره مقامات و دادگاه‌ها و تصمیم‌های مربوط به اقامت، اسکان، پیوند خانوادگی و پایان اقامت اهمیت دارد.

سایر اصول محوری این کنوانسیون عبارتند از: ممنوعیت تبعیض، حق حیات و رشد، و همچنین در نظر گرفتن نظرات کودک با توجه به سن و میزان بلوغ او.

به زبان ساده: کنوانسیون حقوق کودک از حقوق همه کودکان حمایت می‌کند. برای مقامات و دادگاه‌ها مهم است که در تصمیم‌های مربوط به کودکان، منافع عالی کودک در درجه نخست مورد توجه قرار گیرد.

نکته عملی: در روند پناهندگی و اقامت باید بررسی و مستند شود که یک تصمیم چه تأثیری بر کودک دارد. منافع کودک باید مشخصاً بررسی و لحاظ شود.

مثال: یک مقام اداری درباره اقدامی تصمیم می‌گیرد که یک کودک خردسال را تحت تأثیر قرار می‌دهد. او باید پیامدهای تصمیم برای کودک مشخص را بررسی کند و نشان دهد که منافع عالی کودک چگونه مورد توجه قرار گرفته است.

پایه حقوقی / منابع:
UN-Kinderrechtskonvention – Volltext | UN-Ausschuss für die Rechte des Kindes – General Comment No. 14 zum Kindeswohl

Kindersoldat
(کودک سرباز)

تعریف: در ادبیات حقوق بشری و تخصصی، کودک سرباز به فرد زیر ۱۸ سالی گفته می‌شود که توسط نیروهای مسلح دولتی یا گروه‌های مسلح غیردولتی به کار گرفته یا عضوگیری شده است. این مشارکت فقط به جنگ مستقیم محدود نیست و می‌تواند شامل پیام‌رسانی، دیده‌بانی، نگهبانی یا وظایف پشتیبانی باشد.

به زبان ساده: کودک سرباز، فرد زیر ۱۸ سالی است که توسط نیروهای مسلح یا گروه‌های مسلح عضوگیری یا به کار گرفته می‌شود. لازم نیست خود کودک در جنگ مستقیم شرکت کرده باشد.

نکته عملی: در پرونده پناهندگی، سابقه عضوگیری یا استفاده از کودک می‌تواند برای ارزیابی خطر و احتمال اعطا نوعی از حمایت، اهمیت داشته باشد. در مصاحبه باید به حساسیت کودک و آسیب روانی او توجه شده و به شیوه مناسب با او مصاحبه انجام شود.

مصاحبه پناهندگی با کودکان و نوجوانان با مصاحبه با افراد بالغ متفاوت است. در جلسه مصاحبه، فردی که به عنوان سرپرست قانونی کودک/ نوجوان مشخص شده است می تواند در جلسه حاضر باشد. همچنین انجام مصاحبه با حضور نماینده ویژه در امور کودکان و نوجوانان انجام شده و حساسیت های مربوط به کودک/ نوجوان مورد نظر قرار می گیرد.

مثال: نوجوان ۱۵ ساله‌ای توسط یک گروه مسلح به‌عنوان پیام‌رسان و نگهبان به کار گرفته شده است. حتی بدون شرکت مستقیم در جنگ، این وضعیت می‌تواند مصداق استفاده از کودک سرباز باشد.

پایه حقوقی / منابع:
UN – Fakultativprotokoll zur Kinderrechtskonvention über die Beteiligung von Kindern an bewaffneten Konflikten | Kinder und Jugendliche, Die Anhörung im Asylverfahren

Kirchenasyl
(پناه گرفتن در کلیسا)

تعریف: Kirchenasyl به پذیرش و حمایت موقت از پناهجو توسط کلیسا یا نهاد کلیسایی گفته می‌شود، هنگامی که بازگرداندن یا انتقال او به دلایل خاصی سختی انسانی ویژه تلقی شود. Kirchenasyl وضعیت مستقل اقامتی نیست و به‌خودی‌خود حق اقامت ایجاد نمی‌کند.

به زبان ساده: یک کلیسا شخص را موقتاً می‌پذیرد تا از بازگرداندن قریب‌الوقوع جلوگیری شود یا برای بررسی دوباره وضعیت دشوار او زمان ایجاد شود.

نکته عملی: Kirchenasyl در عمل ساده نیست و هر کلیسایی با درخواست موافقت نمی‌کند. از ۱ اوت ۲۰۱۸ در پرونده‌های Dublin روند ویژه‌ای میان BAMF و کلیساها وجود دارد. کلیسا باید موضوع را بدون تأخیر به BAMF اطلاع دهد و در مهلت‌های تعیین‌شده Härtefalldossier همراه با دلایل و مدارک لازم ارائه کند. رعایت نکردن مهلت‌ها یا پایان ندادن به Kirchenasyl پس از تصمیم منفی می‌تواند پیامدهایی مانند طولانی شدن مهلت انتقال داشته باشد. Kirchenasyl خودِ روند پناهندگی یا اقامت را پایان نمی‌دهد و جایگزین راهکار قانونی یا تصمیم دادگاه نیست.

در قسمت منابع در پایان این مدخل به یک مقاله فارسی کاربردی درباره تغییرات از اول اوت ۲۰۱۸ لینک داده شده است.

مثال: برای مثال، در آستانه انتقال فرد به کشور اروپایی دیگر، کلیسا به‌طور موقت او را می‌پذیرد و Härtefalldossier برای بررسی به BAMF ارسال می‌شود.

پایه حقوقی / منابع:
Bayerischer Landtag – Informationen zum Kirchenasyl und Dossierverfahren | BayObLG, Urteil vom 25.02.2022 – 201 StRR 95/21 | § 60a AufenthG – Aussetzung der Abschiebung | پناه گرفتن در کلیسا

Klage
(شکایت قضایی)

تعریف: شکایت قضایی یک روند دادگاهی است که در آن فرد می‌تواند از دادگاه بخواهد یک تصمیم اداری را بررسی کند. در حقوق پناهندگی و اقامت، به‌ویژه شکایت علیه تصمیم منفی BAMF نزد دادگاه اداری (Verwalrtungsgericht-VG) اهمیت دارد. در صورت وجود شرایط قانونی، می‌توان شکایت کرد.

به زبان ساده: با شکایت قضایی، از دادگاه خواسته می‌شود یک تصمیم اداری را بررسی کند.

نکته عملی: در روند پناهندگی، مهلت شکایت ممکن است بسیار کوتاه باشد. اینکه کدام مهلت اعمال می‌شود، از جمله به نوع تصمیم BAMF بستگی دارد. بنابر این تصمیم، از جمله بخش مربوط به راه‌های اعتراض، باید فوراً بررسی شود. شکایت به‌تنهایی در همه موارد به‌طور خودکار اثر تعلیقی ندارد. بسته به مورد، ممکن است علاوه بر آن درخواست فوری (Eilantrag) نیز لازم باشد.

فرد ذی‌نفع می‌تواند شکایت را شخصاً تنظیم و نزد دادگاه مسئول ارائه کند. یک مرکز مشاوره می‌تواند در این کار کمک کند. با توجه به پیچیدگی روند حقوقی و اهمیت تنظیم شکایت با زبانِ مناسب حقوقی ـ اداری، توصیه می‌شود شکایت با کمک وکیل ارائه شود.

مثال: BAMF درخواست پناهندگی یک فرد پناهنده را رد می‌کند. در مهلت مقرر، فرد شکایت خود را به دادگاه ارائه می دهد.

پایه حقوقی / منابع:
§ 74 AsylG | § 42 VwGO

Klagebegründung
(استدلال / شرح دلایلِ شکایت)

تعریف: Klagebegründung شرح محتوایی و استدلالی یک شکایت است. در آن، دلایل واقعی و حقوقی‌ای بیان می‌شود که بر اساس آنها فرد تصمیم اداری مورد اعتراض را خلاف قانون می‌داند. در روند پناهندگی، این متن می‌تواند به‌ویژه برای توضیح مشروح دلایل فرار، وضعیت شخصی و ایرادهای حقوقی نسبت به تصمیم BAMF مورد استفاده قرار گیرد.

به زبان ساده: در شرح دلایل شکایت توضیح داده می‌شود که چرا تصمیم یک اداره از دید فرد شاکی نادرست است.

نکته عملی: شرح دلایل شکایت باید به‌طور مشخص با تصمیم مورد اعتراض ارتباط داشته باشد. در روند پناهندگی، واقعیت‌های جدید، ادله اثباتی، مدارک پزشکی یا اسناد مرتبط دیگر نیز می‌توانند نقش داشته باشند. اینکه کدام اطلاعات و مدارک مناسب هستند، باید با وکیل پرونده بررسی شود.

به دلیل کوتاه بودن مهلت شکایت در برخی موارد، وکلا در حوزه پناهندگی اغلب ابتدا شکایت را نزد دادگاه اداری مسئول ثبت می‌کنند تا مهلت شکایت حفظ شود. سپس پرونده و تصمیم را به‌طور کامل بررسی کرده و پیش از تنظیم شرح دلایل شکایت، درباره پرونده با موکل گفت‌وگو می‌کنند. بر اساس ماده ۷۴، بند ۲ قانون پناهندگی، واقعیت‌ها و ادله اثباتی که برای استدلال شکایت لازم هستند، اصولاً باید ظرف یک ماه پس از ابلاغ تصمیم ارائه شوند. با این حال، در برخی روندها مهلت‌های کوتاه‌تری وجود دارد.

مثال: یک فرد پناهنده تصمیم منفی BAMF را دریافت می‌کند. در شرح دلایل شکایت توضیح داده می‌شود که کدام دلایل به اندازه کافی مورد توجه قرار نگرفته‌اند و کدام مدارک اضافی از اظهارات او پشتیبانی می‌کنند.

پایه حقوقی / منابع:
§ 74 AsylG | § 82 VwGO

Kontingentflüchtlinge
(پناهجویان سهمیه‌ای)

تعریف: «پناهجویان سهمیه‌ای» یک وضعیت اقامتی مستقل و عمومی در حقوق کنونی اقامت آلمان نیست. این اصطلاح از رویه‌های پیشین پذیرش گروه‌های مشخص خارج از روند فردی پناهندگی آمده است.

امروزه چنین پذیرش‌هایی، بسته به برنامه و مبنای قانونی، به‌ویژه بر اساس مواد ۲۲ یا ۲۳ قانون اقامت، اسکان مجدد بر اساس ماده ۲۳ بند ۴ قانون اقامت یا حمایت موقت بر اساس ماده ۲۴ قانون اقامت تنظیم می‌شوند.

پذیرش این گروه از افراد اصولاً با همکاری کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد (UNHCR) انجام می‌شود و شامل پناهجویانی است که در زمان انجام فرایند پذیرش، خارج از آلمان قرار دارند.

به زبان ساده: پناهجویان سهمیه‌ای» امروز بیشتر یک اصطلاح توصیفی برای افرادی است که در چارچوب یک برنامه دولتی پذیرش به آلمان می‌آیند. شرایط تعیین‌کننده، مبنای قانونی مشخص همان برنامه پذیرش است.

نکته عملی: در اسناد و متون قدیمی ممکن است این اصطلاح همچنان دیده شود. در پرونده‌های جاری باید بررسی شود که پذیرش مثلاً بر اساس ماده ۲۲، ماده ۲۳، ماده ۲۳ بند ۴ یا ماده ۲۴ قانون اقامت انجام شده است.

مثال: آلمان در چارچوب یک برنامه دولتی پذیرش، گروه مشخصی از پناهجویان را که خارج از آلمان هستند می‌پذیرد. در متون قدیمی ممکن است این گروه «پناهجویان سهمیه‌ای» نامیده شوند؛ اما برای مشاوره کنونی، مبنای قانونی برنامه پذیرش تعیین‌کننده است.

پایه حقوقی / منابع:
§ 22 AufenthG – Aufnahme aus dem Ausland | § 23 AufenthG – Aufnahme bestimmter Ausländergruppen und Resettlement | § 24 AufenthG – Vorübergehender Schutz

Krankenkasse
(صندوق بیمه درمانی)

تعریف: Krankenkasse یک بیمه درمانی قانونی یا خصوصی یا نهاد بیمه‌ای است که پوشش بیمه درمانی از طریق آن سازمان‌دهی می‌شود. در آلمان اصولاً داشتن پوشش بیمه درمانی الزامی است.

به زبان ساده: صندوق بیمه درمانی، بسته به وضعیت بیمه و مقررات قانونی، پوشش درمانی را تأمین می‌کند و هزینه خدمات پزشکی ضروری را بر عهده می‌گیرد.

نکته عملی: برای پناهجویان و دیگر افرادی که مشمول دریافت خدمات بر اساس قانون تأمین خدمات اجتماعی ویژه پناهجویان (AsylbLG) هستند، مقررات ویژه‌ای درباره خدمات درمانی وجود دارد. پناهجویانی که درخواست پناهندگی آنها رد شده یا هنوز در مرحله رسیدگی است، در اصل – در صورت مشمول بودن AsylbLG – تابع مقررات ویژه این قانون درباره خدمات درمانی هستند. در برخی ایالت‌ها یا شهرها ممکن است تحت شرایط خاص کارت بیمه درمانی دریافت کنند، اما دامنه خدمات همچنان می‌تواند بر اساس مقررات AsylbLG محدود باشد. در ۳۶ ماه نخست اقامت، دامنه خدمات به‌ویژه بر اساس مواد ۴ و ۶ AsylbLG تعیین می‌شود و در درجه نخست درمان بیماری‌های حاد و درد شدید و دیگر خدمات مقرر قانونی را شامل می‌شود.

مثال: یک پناهنده پذیرفته‌شده که وارد یک کار مشمول بیمه‌های اجتماعی می‌شود، از طریق کارفرما برای بیمه درمانی ثبت می‌شود و در یک Krankenkasse قانونی بیمه خواهد شد.

پایه حقوقی / منابع:
Sozialgesetzbuch V (SGB V) | Bundesministerium für Gesundheit – Gesetzliche Krankenversicherung | Asylbewerberleistungsgesetz (AsylbLG)

Kriegs- und Bürgerkriegsflüchtlinge
(پناهجویان جنگی و جنگ داخلی)

تعریف: «پناهجوی جنگی و جنگ داخلی» یک وضعیت مستقل حمایتی در حقوق پناهندگی و اقامت آلمان نیست. افراد ممکن است به دلیل یک مخاصمه مسلحانه بین‌المللی یا داخلی، کشور مبدأ خود را ترک کنند، اما صرفاً به همین دلیل به‌عنوان پناهنده شناخته نمی‌شوند.
برای درخواست‌های پناهندگی ارائه‌شده از ۱۲ ژوئن ۲۰۲۶، بررسی حمایت بین‌المللی بر اساس مقررات اتحادیه اروپا شماره ۱۳۴۷/۲۰۲۴ انجام می‌شود. مقرره ملی پیشین حمایت فرعی در ماده ۴ قانون پناهندگی از ۱۲ ژوئن ۲۰۲۶ حذف شده است. برای افرادِ فراری از جنگ، به‌ویژه باید بررسی شود که آیا شرایط مواد ۱۸ و ۱۵ مقررات اتحادیه اروپا ۱۳۴۷/۲۰۲۴ وجود دارد یا نه؛ از جمله خطر جدی علیه جان یا تمامیت جسمانی غیرنظامی در نتیجه خشونت بی‌ضابطه در یک مخاصمه مسلحانه.

به زبان ساده: کسی که به دلیل جنگ یا جنگ داخلی فرار می‌کند، خودکار به‌عنوان پناهنده شناخته نمی‌شود. تعیین‌کننده این است که فرد در صورت بازگشت با چه خطر مشخصی روبه‌رو خواهد شد.

نکته عملی: عنوان کلی «پناهجوی جنگی» برای ارزیابی حقوقی کافی نیست. باید بررسی شود که آیا تحت تعقیب بودن فردی هم وجود دارد یا شرایط حمایت بین‌المللی، به‌ویژه حمایت فرعی بر اساس مقررات جاری از ۱۲ ژوئن ۲۰۲۶، وجود دارد.

هنگام ارائه مشاوره، سوال نباید صرفاً این باشد: «آیا فرد از منطقه جنگی آمده است؟»، بلکه باید این موارد نیز بررسی شوند:
- چه خطر خاصی هنگام بازگشت وجود دارد؟
- آیا شرایط لازم برای وضعیت پناهندگی یا حفاظت فرعی برآورده شده است؟
- آیا ترتیبات پذیرش یا حفاظت ویژه‌ای برای این گروه از افراد وجود دارد؟
- کدام مجوز اقامت یا سایر مقررات مربوط به اقامت در واقع قابل اجرا است؟

برای گروه‌های خاص، آلمان همچنین می‌تواند بر اساس ترتیبات پذیرش یا حفاظت ویژه، اقامت اعطا کند. بخش ۲۴ قانون اقامت (AufenthG) (اعطای اقامت برای حفاظت موقت) در اینجا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، اگر اتحادیه اروپا تصمیم مربوطه در مورد حفاظت موقت را اتخاذ کرده باشد. بسته به شرایط، مقررات بخش ۲۳ قانون اقامت یا سایر مجوزهای اقامت بشردوستانه نیز ممکن است در نظر گرفته شود.

برای تصمیمات پناهندگی قدیمی‌تر و احکام دادگاه، هنوز می‌توان به بخش ۴ قانون پناهندگی - حفاظت فرعی - مراجعه کرد. این ماده در ۱۲ ژوئن ۲۰۲۶ لغو شد. رویه‌های فعلی باید تابع مقررات (EU) 2024/1347 باشند.

مثال: فردی کشور مبدأ خود را به دلیل یک مخاصمه مسلحانه طولانی ترک می‌کند. او تحتِ تعقیب بودن فردی را اثبات نمی‌کند، اما در صورت بازگشت به‌عنوان غیرنظامی در معرض تهدید جدی ناشی از خشونت بی‌ضابطه قرار می‌گیرد. باید بررسی شود که آیا شرایط حمایت فرعی بر اساس مقررات اتحادیه اروپا ۱۳۴۷/۲۰۲۴ وجود دارد یا خیر.

پایه حقوقی / منابع:
Verordnung (EU) 2024/1347 – Voraussetzungen für internationalen Schutz, deutsche Fassung | § 4 AsylG – subsidiärer Schutz (weggefallen) | § 23 AufenthG – Aufnahme aus humanitären oder politischen Gründen | § 24 AufenthG – vorübergehender Schutz

Landesaufnahmesystem in NRW / Asylstufenplan
(سیستم پذیرش ایالتی در نوردراین-وستفالن / طرح مرحله‌ای پذیرش پناهجویان در ایالت NRW)

تعریف: Landesaufnahmesystem in Nordrhein-Westfalen سیستمی است که در این ایالت پذیرش، اسکان و توزیع پناهجویان و دیگر پناهندگان خارجی را سازمان‌دهی می‌کند. شهرداری‌ها اصولاً موظف‌اند افرادی را که طبق مقررات ایالتی به آنها اختصاص داده می‌شوند، بپذیرند و اسکان دهند. این تخصیص بر اساس Flüchtlingsaufnahmegesetz NRW (FlüAG NRW) و توسط Bezirksregierung Arnsberg انجام می‌شود. اصطلاح Asylstufenplan NRW بیشتر به طرح سیاسی و سازمانی‌ای اشاره دارد که در سال ۲۰۱۸ برای تغییر ساختار پذیرش در این ایالت تصویب شد.

به زبان ساده: پناهجویان در نوردراین-وستفالن به‌طور تصادفی میان شهرداری‌ها تقسیم نمی‌شوند. ایالت ابتدا روند پذیرش و اسکان را سازمان‌دهی می‌کند و سپس، بر اساس مقررات مربوط، فرد را به یک شهرداری اختصاص می‌دهد.

نکته عملی: در کار مشاوره‌ای باید میان اسکان در یک مرکز متعلق به ایالت و تخصیص فرد به یک شهرداری تفاوت گذاشت. همچنین ساختار واقعی مراکز و مسئولیت‌های اداری باید بر اساس مقررات جاری بررسی شود.

مثال: یک پناهجو بر اساس مقررات توزیع ایالتی به یکی از شهرداری‌های نوردراین-وستفالن اختصاص داده می‌شود. در این حالت، اصولاً شهرداری مربوط مسئول پذیرش و اسکان او خواهد بود، مگر اینکه مقررات ویژه‌ای اعمال شود.

توضیح: در هر یک از ۱۶ ایالت آلمان دست‌کم یک مرکز پذیرش اولیه دولتی برای پناهجویان وجود دارد. به دلیل جمعیت بالای ایالت نوردراین-وستفالن، این ایالت در اینجا به‌عنوان نمونه معرفی شده است.

پایه حقوقی / منابع:
Flüchtlingsaufnahmegesetz (FlüAG NRW) | §§ 1–3 FlüAG NRW | §§ 44 ff. AsylG

LEA Bochum (Landeserstaufnahmeeinrichtung Bochum)
(اداره پذیرش اولیه ایالتی بوخوم)

تعریف: اداره پذیرش اولیه ایالتی (LEA) در شهر بوخوم، نخستین محل مراجعه مرکزی ایالت نوردراین-وستفالن برای افرادی است که در این ایالت خود را پناهجو معرفی می‌کنند. از وظایف آن، از جمله ثبت مشخصات و بررسی هویت و سپس توزیع پناهجویان میان مراکز پذیرش اولیه مسئول در ایالت است.

به زبان ساده: کسی که در ایالت نوردراین-وستفالن خود را پناهجو معرفی می‌کند، ابتدا به LEA بوخوم مراجعه می‌کند. در آنجا ثبت می‌شود و سپس بر اساس مقررات قانونی توزیع، به یک مرکز پذیرش اولیه مسئول ارجاع داده می‌شود.

نکته عملی: در مشاوره باید میان LEA به‌عنوان محل نخست مراجعه و ثبت و مراکز پذیرش اولیه (EAE) تفاوت گذاشت.

در مشاوره، تمایز قائل شدن بین LEA، EAE و ZUE مهم است:

- LEA: مرکز پذیرش و ثبت نام اولیه که در شهر بوخوم است،
- EAE: مرکز پذیرش اولیه زیر نظر ایالت،
- ZUE: مرکز اقامت مرکزی، زیر نظر شهرداری محل.

مثال: فردی در ایالت نوردراین-وستفالن خود را پناهجو معرفی می‌کند. ابتدا به LEA بوخوم مراجعه کرده، در آنجا ثبت می‌شود و سپس بر اساس مقررات قانونی توزیع به یک مرکز پذیرش اولیه در ایالت ارجاع داده می‌شود.

توضیح: به دلیل جمعیت بالای ایالت نوردراین-وستفالن، این ایالت در اینجا به‌عنوان نمونه معرفی شده است.

پایه حقوقی / منابع:
§ 22 AsylG – Meldung bei der Landeserstaufnahmeeinrichtung | § 45 AsylG – Aufnahmequoten | § 46 AsylG – Bestimmung der zuständigen Aufnahmeeinrichtung | ZustAVO NRW – § 8 Landeserstaufnahmeeinrichtung | Flüchtlingsrat NRW – Umzug der LEA Bochum

Maghreb-Länder
(کشورهای مغرب)

تعریف: در زبان عمومی، «مغرب» به منطقه شمال‌غرب آفریقا گفته می‌شود. معمولاً الجزایر، مراکش و تونس در این منطقه قرار می‌گیرند و بسته به تعریف، لیبی و موریتانی نیز اضافه می‌شوند.

به زبان ساده: «مغرب» نام یک منطقه در شمال‌غرب آفریقاست. این اصطلاح به‌خودی‌خود چیزی درباره وضعیت اقامتی یا پناهندگی یک فرد نمی‌گوید.

نکته عملی: در مشاوره پناهندگی باید کشور مشخص مبدأ بررسی شود. آلمان با برخی از کشورهای مغرب توافق‌ها یا ترتیباتی برای بازپذیری افرادی منعقد کرده است که درخواست پناهندگی آنها رد شده یا به دلایل دیگری مکلف به ترک کشور هستند. از جمله این کشورها، به‌ویژه الجزایر و مراکش هستند. در حال حاضر با تونس توافق دوجانبه مستقلی برای بازپذیری وجود ندارد؛ بازپذیری در مورد تونس در چارچوب همکاری اروپایی انجام می‌شود.

آیین‌نامه رویه‌های پناهندگی اتحادیه اروپا (GEAS) از ۱۲ ژوئن ۲۰۲۶ لازم‌الاجرا شده است. در سطح اتحادیه اروپا، مراکش و تونس، در میان کشورهای دیگر، به عنوان کشورهای مبدا امن تعیین شده‌اند. با این حال، الجزایر، لیبی و موریتانی در این فهرست سراسری اتحادیه اروپا قرار ندارند.

علاوه بر این، آلمان فهرست ملی خود از کشورهای مبدا امن را حفظ می‌کند. این فهرست در حال حاضر شامل ده کشور است؛ نه الجزایر، نه مراکش و نه تونس در میان آنها نیستند.

مثال: فردی از مراکش در آلمان درخواست پناهندگی می‌کند. برای بررسی حقوقی، تابعیت مراکشی او و وضعیت مشخص کشور مبدأ اهمیت دارد، نه صرفاً این واقعیت که مراکش در منطقه مغرب قرار دارد.

پایه حقوقی / منابع:
EU-Verordnung 2026/464 – sichere Herkunftsstaaten | § 29a AsylG – sichere Herkunftsstaaten | Verordnung über
Bundeszentrale für politische Bildung – Maghreb | Artikel 16a sichere Herkunftsstaaten – aktuelle Fassung
Absatz 3 Grundgesetz

Menschen mit Migrationshintergrund
(افراد دارای پیشینه مهاجرتی)

تعریف: افراد دارای پیشینه مهاجرتی (Menschen mit Migrationshintergrund) «در آلمان قبل از هر چیز یک اصطلاح آماری است و به معنای یک وضعیت حقوقی اقامتی نیست.

بر اساس تعریفی که همچنان توسط اداره فدرال آمار آلمان استفاده می‌شود، فرد زمانی دارای پیشینه مهاجرتی محسوب می‌شود که خود او یا دست‌کم یکی از والدینش با تابعیت آلمانی متولد نشده باشند. این گروه شامل اتباع خارجی، افراد تغییر تابعیت‌داده (پذیرفته‌شدگان تابعیت آلمان)، مهاجران آلمانی‌تبار (و مهاجران آلمانی‌تبار متأخر) و همچنین برخی از افراد آلمانی متولدشده در خاک آلمان می‌شود.

اداره فدرال آمار آلمان از چند سال پیش به این سو، در کنار این واژه، به طور فزاینده‌ای از مفهوم «تاریخچه مهاجرت» (Einwanderungsgeschichte) نیز استفاده می‌کند. طبق این مفهوم، افرادی دارای تاریخچه مهاجرت هستند که خود آن‌ها یا هر دو والدینشان از سال ۱۹۵۰ به این سو به قلمرو فعلی کشور آلمان مهاجرت کرده باشند. این مفهوم جدید محدودتر و جزئی‌تر از تعریف قبلی «پیشینه مهاجرتی» است.

به زبان ساده: عبارت «پیشینه مهاجرتی» در وهله اول هیچ چیزی درباره وضعیت اقامتی یک فرد بیان نمی‌کند. یک فرد دارای پیشینه مهاجرتی می‌تواند به عنوان مثال شهروند آلمان، تبعه خارجی، فرد تغییر تابعیت‌داده یا مهاجر آلمانی‌تبار (متأخر) باشد. بنابراین، این کلمه به طور خودکار به معنای «خارجی» یا «پناهنده» نیست.

نکته کاربردی: برای ارائه مشاوره در زمینه، حقوق اقامت و پناهندگی، اتکا به این اصطلاح به تنهایی کافی نیست. در عوض باید تا جایی که به پرونده مربوط می‌شود، وضعیت اقامتی دقیق فرد ذکر گردد. علاوه بر این، باید توجه داشت که دو مفهوم «پیشینه مهاجرتی» و «تاریخچه مهاجرت» با یکدیگر هم‌معنی و یکسان نیستند.

مثال: یک شهروند آلمانی که در خاک آلمان متولد شده است، بر اساس تعریف آماری می‌تواند دارای «پیشینه مهاجرتی» باشد؛ به عنوان مثال اگر یکی از والدین او با تابعیت آلمانی متولد نشده باشد. با این حال، او به همین دلیل نه تبعه خارجی محسوب می‌شود و نه از نظر حقوقی به طور خودکار یک مهاجر به شمار می‌رود.

پایه حقوقی / منابع:
| Statistisches Bundesamt – Migration und Integration | Bevölkerung mit Migrationshintergrund
Migrationshintergrund | Destatis – Migration und Integration

Migration
(مهاجرت)

تعریف: مهاجرت به جابه‌جایی محل زندگی افراد یا گروه‌ها گفته می‌شود. این اصطلاح گسترده‌تر از «فرار/ پناهندگی» است و شکل‌های گوناگون مانند مهاجرت کاری، خانوادگی، تحصیلی، مهاجرت ناشی از فرار و اشکال دیگر مهاجرت را دربر می‌گیرد. مهاجرت می‌تواند داوطلبانه یا اجباری باشد و هم در داخل یک کشور و هم از مرزهای کشورها انجام شود.

به زبان ساده: مهاجرت یعنی انسان محل زندگی خود را برای مدتی طولانی یا به‌طور دائم تغییر دهد. دلایل این جابه‌جایی می‌تواند بسیار متفاوت باشد و الزاما با فرار به دلیل پناهنده شدن برابر نیست.

نکته عملی: در مشاوره مهم است که مهاجرت با فرار یا پناهندگی یکسان دانسته نشود.

مثال: فردی به دلایل شغلی از یک کشور به کشور دیگری نقل مکان می‌کند. این مهاجرت است، اما خودبه‌خود مهاجرت ناشی از فرار محسوب نمی‌شود و به‌تنهایی حق دریافت حمایت بین‌المللی ایجاد نمی‌کند.

پایه حقوقی / منابع:
bpb Was ist Migration? | BMI-Migration Begriff | Migration

Migrationsberatungsstelle
(مرکز مشاوره مهاجران)

تعریف: Migrationsberatungsstelle مرکزی برای مشاوره به افراد دارای سابقه مهاجرت درباره مسائل زندگی در آلمان است. یکی از ساختارهای مهم مورد حمایت دولت فدرال، Migrationsberatung für erwachsene Zugewanderte (MBE) است که به بزرگسالان مهاجر در زمینه ادغام زبانی، شغلی و اجتماعی و همچنین ارتباط با ادارات و نهادها مشاوره می‌دهد.

به زبان ساده: مرکز مشاوره مهاجران به افراد کمک می‌کند در نظام اداری و حمایتی آلمان راه خود را پیدا کنند و مسائل عملی زندگی در آلمان را پیگیری کنند.

نکته عملی: مشاوره می‌تواند موضوعاتی مانند اقامت، دوره ادغام، کار، آموزش حرفه‌ای، مسکن، خدمات اجتماعی، بیمه درمانی یا ارتباط با ادارات را دربرگیرد. MBE جایگزین مشاوره حقوقی توسط وکیل نیست. بسته به وضعیت اقامتی و سن فرد، مراکز مشاوره متفاوتی ممکن است مناسب باشند.

مثال: یک پناهنده پذیرفته‌شده برای ثبت‌نام در دوره ادغام و همزمان درباره جست‌وجوی کار به کمک نیاز دارد و به یک مرکز مشاوره مهاجران مراجعه می‌کند.

پایه حقوقی / منابع:
BAMF-NAvI – Migrationsberatung für erwachsene Zugewanderte (MBE) | BAMF – Migrationsberatung

Niederlassungserlaubnis
(اجازه اقامت دائم)

تعریف: اجازه اقامت دائم، یک عنوان اقامتی نامحدود است. شرایط عمومی آن در ماده ۹ قانون اقامت تنظیم شده است؛ از جمله پنج سال داشتن اجازه اقامت، تأمین هزینه زندگی، پرداخت کافی برای تأمین دوران سالمندی، دانش کافی زبان آلمانی و دانش پایه درباره نظام حقوقی و اجتماعی و شرایط زندگی در آلمان. قانون استثناهای متعددی دارد.

به زبان ساده: اجازه اقامت دائم یک حق اقامت نامحدود است و برخلاف اجازه اقامت موقت، اصولاً نیازی به تمدید دوره‌ای ندارد.

نکته عملی: پیش از درخواست باید شرایط عمومی یا مقررات ویژه پرونده بررسی شود. برای نیروی متخصص، افراد دارای حمایت و برخی اعضای خانواده ممکن است مهلت‌های کوتاه‌تر یا شرایط دیگری وجود داشته باشد.

مثال: فردی چند سال اجازه اقامت داشته و شرایط تثبیت اقامت دائم را دارد. اداره اتباع خارجی بررسی می‌کند که آیا شرایط ماده ۹ یا یکی از مقررات ویژه برای صدور اجازه اقامت دائم وجود دارد یا خیر.

پایه حقوقی / منابع:
§ 9 AufenthG – Niederlassungserlaubnis | § 18c AufenthG – Niederlassungserlaubnis für Fachkräfte | § 26 AufenthG – Dauer des Aufenthalts aus humanitären Gründen

Notar
(دفتر اسناد رسمی / محضردار)

تعریف: Notar (محضردار) یک حقوقدان واجد شرایط است که پس از طی مراحل قانونی، به‌عنوان محضردار منصوب می‌شود. او کارمند دولت نیست، اما در انجام وظایف محضری خود یک مقام عمومی مستقل محسوب می‌شود. که برخی معاملات حقوقی و اظهارات را رسمی یا گواهی می‌کند. در حوزه مهاجرت و اقامت، Notar می‌تواند از جمله در تنظیم یا تائید گواهی برخی اسناد، وکالت‌نامه‌ها یا اظهارات نقش داشته باشد.

به زبان ساده: Notar برخی اظهارات یا اسناد مهم حقوقی را تأیید می‌کند و اطمینان می‌دهد که برخی معاملات حقوقی مطابق تشریفات قانونی انجام شوند.

نکته عملی: گواهی رسمی Notar به‌طور خودکار به این معنا نیست که یک سند خارجی از نظر محتوایی در آلمان به رسمیت شناخته می‌شود. برای اسناد خارجی ممکن است علاوه بر آن ترجمه، آپوستیل یا تأیید کنسولی لازم باشد.

اگر یک اداره از فرد پناهنده یا مهاجر سندی درخواست کند، ممکن است لازم باشد سند ترجمه و گواهی شود. تا زمانی که اداره صراحتاً گواهی رسمی Notar را درخواست نکرده باشد، مراجعه به Notar ضروری نیست.

مثال: یک فرد پناهنده برای یک روند حقوقی به وکالت‌نامه گواهی‌شده نیاز دارد و اظهارات لازم را نزد Notar گواهی می‌کند.

پایه حقوقی / منابع:
Bundesnotarordnung | Bundesnotarkammer

Papierlose Menschen
(افراد بدون مدارک / افراد فاقد اقامت قانونی)

تعریف: «افراد بدون مدارک» در زمینه سیاست مهاجرت و حقوق اجتماعی به افرادی گفته می‌شود که در آلمان بدون عنوان اقامت معتبر و اغلب بدون مدارک کافی هویتی یا مسافرتی زندگی می‌کنند.

به زبان ساده: این اصطلاح یک وضعیت را توصیف می‌کند و لزوماً به معنای داشتن یک وضعیت اقامتی مشخص نیست.

نکته عملی: در آلمان مراکز مشاوره محدودی وجود دارند که به افرادی که اقامت قانونی ندارند نیز مشاوره ارائه می‌دهند. خدمات آنها اغلب درباره این موضوع است که چنین افرادی از چه راه‌هایی می‌توانند برای دریافت اقامت قانونی اقدام کنند. همچنین مراکز کمی وجود دارند که خدمات محدود و فوری پزشکی به افراد فاقد اقامت قانونی ارائه می‌دهند.

مثال: فردی بدون عنوان اقامت معتبر در آلمان زندگی می‌کند و مدارک مسافرتی معتبر نیز ندارد. پیش از مشاوره باید بررسی شود که آیا امکان درخواست اقامت، وجود یک تعهد به ترک کشور، امکان دریافت Duldung یا وضعیت حقوقی دیگری وجود دارد.

پایه حقوقی / منابع:
Medizinische | Papierlose Menschen | Illegaler Aufenthalt | Beratungshandbuch Aufenthaltsrechtliche Illegalität
Versorgung für papierlose Menschen

Petitionsausschuss-NRW

(کمیسیون دادخواست‌های پارلمان ایالت نوردراین-وستفالن)

تعریف: کمیسیون دادخواست‌های پارلمان ایالت نوردراین-وستفالن یک مرجع پارلمانی برای افرادی است که احساس می‌کنند یک اداره یا نهاد عمومی با آنان ناعادلانه رفتار کرده یا موضوع آنان به‌طور مناسب مورد توجه قرار نگرفته است. مبنای حق دادخواست، اصل ۱۷ قانون اساسی آلمان است. اصولاً هر فرد می‌تواند دادخواست ارائه کند.
کمیسیون می‌تواند موضوع را بررسی و از اداره مربوط اطلاعات و توضیح بخواهد. با این حال، دادخواست جایگزین اعتراض، شکایت یا دیگر راه‌های قانونی نیست و به‌ویژه اثر تعلیقی ندارد.

به زبان ساده: کسی که احساس می‌کند یک اداره با او ناعادلانه رفتار کرده است یا در مورد او حکم یا تصمیم ناعادلانه ای را ابلاغ کرده است، می‌تواند به کمیسیون دادخواست‌های پارلمان ایالت NRW مراجعه کند. کمیسیون می‌تواند موضوع را از نظر پارلمانی بررسی کند، اما دادگاه نیست.

نکته عملی: دادخواست نباید جایگزین راه‌های قانونی دارای مهلت تلقی شود. اگر علیه یک تصمیم امکان اعتراض یا شکایت وجود دارد، مهلت آن مستقل از دادخواست باید رعایت شود. دادخواست می‌تواند کتبی یا آنلاین ارائه شود.

مثال: فردی از نوردراین-وستفالن در آلمان درخواست پناهندگی داده است BAMF .درخواست او را رد کرده است. شکایت او علیه این تصمیم نیز از سوی دادگاه اداری صالح رد شده و رسیدگی قضایی به‌صورت قطعی پایان یافته است.
دادخواست نمی‌تواند برای بازبینی، تغییر یا لغو تصمیم دادگاه مورد استفاده قرار گیرد. اما اگر موضوع دادخواست متوجه رفتار یا تصمیم یک اداره ایالتی باشد و شرایط شخصی یا بشردوستانه ویژه‌ای وجود داشته باشد، ممکن است ارائه دادخواست قابل بررسی باشد. کمیسیون دادخواست‌ها می‌تواند از اداره مسئول توضیح بخواهد و در صورت امکان برای یافتن راه‌حل دیگری تلاش کند.

توضیح: به دلیل جمعیت بالای ایالت نوردراین-وستفالن، این ایالت در اینجا به‌عنوان نمونه معرفی شده است.

پایه حقوقی / منابع:
Artikel 17 Grundgesetz – Petitionsrecht | Landtag NRW – Der Petitionsausschuss | Landtag NRW – Online-Petition | Landtag NRW – Informationen zum Petitionsrecht

Praktikum
(کارآموزی)

تعریف: Praktikum (کارآموزی) یک فعالیت محدود از نظر زمانی است که از طریق آن می‌توان دانش عملی و تجربه شغلی کسب کرد. برای پناهندگان، Praktikum می‌تواند به‌ویژه برای جهت‌یابی شغلی، ورود به بازار کار آلمان یا در ارتباط با کسب صلاحیت حرفه‌ای اهمیت داشته باشد.

به زبان ساده: Praktikum امکان آشنایی با یک شغل یا یک محل کار و کسب تجربه عملی را فراهم می‌کند.

نکته عملی: پیش از آغاز Praktikum ، باید بررسی شود که آیا برای فرد مربوطه اجازه اشتغال لازم است و آیا فعالیت مشخص مورد نظر مجاز است. بسته به نوع و مدت Praktikum، مقررات متفاوتی در زمینه کار و اقامت ممکن است اعمال شود. اگر اجازه لازم وجود نداشته باشد، Praktikum نباید آغاز شود.

مثال: یک فرد پناهنده می‌خواهد در یک محل کار مناسب Praktikum انجام دهد. پیش از شروع بررسی می‌شود که آیا این فعالیت مجاز است.

پایه حقوقی / منابع:
§ 4a AufenthG | Bundesagentur für Arbeit – Anerkennung

Prozesskostenhilfe(PKH)
(کمک‌هزینه دادرسی/ دادگاه)

تعریف: Prozesskostenhilfe به افرادی که درآمد کمی دارند و در شرایط مقرر نمی‌توانند هزینه‌های یک دادرسی را به‌طور کامل یا جزئی پرداخت کنند، امکان دسترسی مالی به دادرسی در دادگاه را می‌دهد. از جمله باید رسیدگی حقوقی مورد نظر شانس کافی برای موفقیت داشته باشد و اقدام بی‌دلیل یا سوءاستفاده‌گرانه نباشد. در امور پناهندگی، مقررات ویژه‌ای وجود دارد و در برخی پرونده‌ها اصولاً هزینه دادرسی دریافت نمی‌شود.

به زبان ساده: اگر فردی توان مالی پرداخت هزینه‌های دادرسی در یک دادگاه را نداشته باشد، در شرایط مشخص می‌تواند درخواست Prozesskostenhilfe کند. این کمک به‌طور خودکار اعطا نمی‌شود.

نکته عملی: اینکه چنین درخواستی کجا و چگونه باید ارائه شود، می‌تواند در هر ایالت یا شهر متفاوت باشد. در این مورد لازم است پیش از اقدام با وکیل پرونده مشورت شود.

مثال: پناهجویی می‌خواهد علیه یک تصمیم قضایی اقدام کند، اما درآمد کمی دارد. او درخواست PKH می کند و مدارک مربوط به وضعیت مالی خود را ارائه می‌دهد.

پایه حقوقی / منابع:
§ 166 VwGO – Prozesskostenhilfe | Justiz-Services – Prozesskostenhilfe

Psychosoziale Beratung
(مشاوره روحی ـ اجتماعی)

تعریف: مشاوره روحی ـ اجتماعی در حوزه پناهندگی و مهاجرت به خدمات حمایتی برای افرادی گفته می‌شود که در نتیجه فرار، آزار و تعقیب، خشونت، شرایط دشوار زندگی یا روند پناهندگی و اقامت دچار فشارهای روانی یا اجتماعی شده‌اند. این مشاوره می‌تواند به تثبیت وضعیت، جهت‌یابی و در صورت نیاز معرفی فرد به خدمات پزشکی یا روان‌درمانی تخصصی کمک کند. مشاوره روحی ـ اجتماعی جایگزین درمان پزشکی یا مشاوره حقوقی نیست.

به زبان ساده: مشاوره روحی ـ اجتماعی به پناهجویان و مهاجران در برخورد با مشکلات روانی و اجتماعی کمک می‌کند و در صورت نیاز آنان را به مراکز تخصصی معرفی می‌کند.

نکته عملی: فردی ممکن است به دلیل شرایط سخت زندگی در یک خوابگاه پناهجویان یا به دلیل محدودیت در پیدا کردن کار دچار مشکلات روحی ـ اجتماعی شود که به تدریج می‌تواند شدیدتر نیز بشود. مشکلات روحی ـ روانی او در درجه اول می‌تواند ریشه در وضعیت زندگی، محیط اجتماعی یا محدودیت‌های قانونی داشته باشد. در مشاوره روحی ـ اجتماعی این عوامل باید شناخته، دسته‌بندی و اولویت‌بندی شوند و برای برطرف کردن آنها از مجاری قانونی ـ اداری تلاش شود.

مثال: پناهجویی از اختلال خواب، ترس شدید و فشار ناشی از روند جاری پرونده خود صحبت می‌کند. یک مرکز مشاوره روحی ـ اجتماعی می‌تواند ابتدا به تثبیت وضعیت او کمک کند و در صورت نیاز او را به مرکز تخصصی معرفی کند.

پایه حقوقی / منابع:
Adresse Psychosoziale Zentren für Geflüchtete – BAfF

PTBS (Posttraumatische Belastungsstörung)
(اختلال استرس پس از سانحه)

تعریف: PTBS مخفف Posttraumatische Belastungsstörung و به معنای اختلال استرس پس از سانحه است. این بیماری می‌تواند واکنشی تأخیری یا طولانی‌مدت به رویدادی بسیار شدید و آسیب‌زا باشد. در ICD-10-GM 2026 با کد F43.1 ثبت شده است.

به زبان ساده: برخی از افرادی که تجربه‌های شدید و تروماتیک داشته‌اند ممکن است دچار یادآوری‌های مکرر یا فلاش‌بک، کابوس، اجتناب، حساسیت و ترس شدید و اختلال خواب شوند. هر کسی که تروما را تجربه کرده باشد لزوماً به PTBS مبتلا نمی‌شود.

نکته عملی: به افراد مبتلا به PTBS توصیه می‌شود پیش از مصاحبه BAMF یا قرار دادگاه با یک مرکز روحی ـ روانی ویژه پناهجویان و قربانیان شکنجه (Psychosoziales Zentrum) تماس بگیرند تا وضعیت تخصصی بررسی و مستند شود. پناهجویان یا سایر افراد مشمولِ ملزام به خروج از آلمان که در معرض اخراج هستند نیز بهتر است زودتر با چنین مرکزی تماس بگیرند. اگر بیماری به‌عنوان مانع پزشکی برای اخراج مطرح شود، گزارش روان‌شناس یا روان‌درمانگر به‌تنهایی جایگزین گواهی پزشکی واجد شرایط طبق ماده ۶۰آ، بند ۲س قانون اقامت نمی‌شود و باید گواهی پزشکی مطابق الزامات قانونی تهیه شود.

در صورت اهمیت PTBS برای پرونده، مدارک تخصصی باید به‌موقع در اختیار وکیل یا نماینده حقوقی قرار گیرد و در صورت لزوم به BAMF یا دادگاه ارائه شود.

مثال: برای مثال، پس از ارزیابی تخصصی PTBS تشخیص داده می‌شود و با رضایت فرد، گزارش تخصصی در اختیار نماینده حقوقی قرار می‌گیرد.

پایه حقوقی / منابع:
BfArM – ICD-10-GM 2026, F43.1 Posttraumatische Belastungsstörung | BAMF – Informationen zum Asylverfahren und Sonderbeauftragte | BAMF – Konzept zur Identifizierung vulnerabler Personen im Asylverfahren

Oberverwaltungsgericht (OVG) / Verwaltungsgerichtshof (VGH)
(دادگاه عالی اداری / دادگاه اداری ایالتی)

تعریف: Oberverwaltungsgericht (OVG) مرجع قضایی دوم در نظام دادگاه‌های اداری است. در برخی ایالت‌ها این دادگاه Verwaltungsgerichtshof (VGH) نامیده می‌شود. در حوزه پناهندگی، OVG یا VGH می‌تواند، از جمله، درباره درخواست اجازه تجدیدنظر و برخی شکایت‌ها علیه تصمیم‌های دادگاه‌های اداری تصمیم بگیرد. راه‌های اعتراض تابع مقررات ویژه قانون پناهندگی هستند.

به زبان ساده: در بسیاری از پرونده‌های پناهندگی، Verwaltungsgericht نخستین مرجع قضایی است. OVG یا VGH مرجع بالاتر برای رسیدگی به درخواست تجدید نظر است.

نکته عملی: پس از دریافت جواب منفی از اداره فدرال مهاجرت و پناهندگان (BAMF)، دادگاه اداری (VG) نخستین مرجع قضایی است که می‌توان علیه این تصمیم در آن شکایت کرد. اگر این دادگاه نیز شکایت را رد کند، می‌توان در مهلت قانونی تعیین‌شده و در صورتی که شرایط لازم وجود داشته باشد، به مرجع بالاتر، یعنی OVG مراجعه کرد.

مثال: دادگاه اداری شکایت یک پناهجو را رد می‌کند. باید بررسی شود که آیا شرایط لازم برای درخواست Zulassung der Berufung نزد OVG مسئول وجود دارد یا خیر.

پایه حقوقی / منابع:
§ 78 AsylG – Rechtsmittel | § 46 VwGO – Zuständigkeit der Oberverwaltungsgerichte

Rathaus
(شهرداری / ساختمان اداری شهر)

تعریف: Rathaus (شهرداری)، ساختمان اداری یک شهر یا شهرداری است. بسته به شهرداری، ادارات مختلفی در آنجا قرار دارند. برای پناهندگان و مهاجران، خدمات شهری می‌تواند برای مثال در ثبتِ محل سکونت، امور ثبت احوال یا برخی مسائل اجتماعی و امور مربوط به اتباع خارجی اهمیت داشته باشد.

به زبان ساده: Rathaus یک محل مراجعه مرکزی برای اداره شهر یا شهرداری است.

نکته عملی: هر موضوعی مستقیماً در Rathaus رسیدگی نمی‌شود. بسته به موضوع، برای مثال Bürgeramt، Standesamt، Sozialamt یا یک واحد تخصصی دیگر مسئول است. Ausländerbehörde نیز ممکن است از نظر سازمانی در ساختار و ساختمان شهرداری قرار داشته باشد.

مثال: یک فرد پناهنده به خانه جدیدی نقل مکان می‌کند. برای ثبت محل سکونت(Anmelden) ، او به مرجع شهری مسئول مراجعه می‌کند که بسته به شهر ممکن است برای مثال در Rathaus یا Bürgeramt قرار داشته باشد.

پایه حقوقی / منابع:
Bundesmeldegesetz

Rechtsanwalt / Rechtsanwältin
(وکیل دادگستری)

تعریف: وکیل دادگستری به موکلان در امور حقوقی مشاوره می‌دهد و آنان را نمایندگی می‌کند. در امور پناهندگی و اقامت می‌تواند تصمیم‌های اداری را بررسی کند، شکایت یا درخواست فوری قضایی تنظیم کند و موکل را در دادگاه نمایندگی کند.

به زبان ساده: برای پناهجویان، به‌ویژه زمانی که مهلت کوتاه قانونی در جریان است یا پرونده به دادگاه رفته است، وکیل آشنا با حقوق پناهندگی و اقامت می‌تواند اهمیت زیادی داشته باشد.

نکته عملی: در امور اقامت، پناهندگی و مهاجرت، هزینه وکلا بر اساس مقررات مربوط به حق‌الزحمه و یا بطور توافقی تعیین می‌شود. اگر قرار باشد وکیل موکل خود را در دادگاه نیز نمایندگی کند، ممکن است هزینه‌های دیگری نیز محاسبه شود.

مثال: پناهجویی یک جواب منفی از BAMF دریافت کرده است. به دلیل کوتاه بودن مهلت اقدام، او تصمیم را برای بررسی به وکیلی که در امور پناهندگی تجربه دارد ارائه می‌کند.

توضیح ۱: در امور اقامت، پناهندگی و مهاجرت، هزینه وکلا بر اساس نرخی که دفتر وکلا و مقررات مربوط تعیین می‌کنند مشخص می‌شود، ولی در عمل اغلب به‌صورت توافقی میان وکیل و موکل انجام می‌شود. علاوه بر حق‌الزحمه، اگر قرار باشد وکیل موکل خود را در دادگاه همراهی یا نمایندگی کند، هزینه آن می‌تواند جداگانه محاسبه شود.

توضیح ۲: بسیاری از پناهجویان از وکیل انتظارات فوق‌العاده یا غیرواقعی دارند. وکیل در تعیین زمان رسیدگی دادگاه یا نتیجه آن نقش تعیین کننده ای ندارد.

توضیح ۳: هر موکلی آزاد است در صورت راضی نبودن از وکیل خود، وکیل جدیدی اختیار کند. برای تعویض وکیل، اصولاً نیازی به کسب موافقت وکیل قبلی نیست. با این حال بهتر است پیش از تعویض، در باره اینکه در چه شرایطی و در چه زمانی این کار مناسب است، فکر شود یا با یک مرکز مشاوره مشورت شود.

پایه حقوقی / منابع:
Bundesrechtsanwaltskammer – Bundesweites Amtliches Anwaltsverzeichnis | Beratungshilfegesetz

Rechtsbehelfsbelehrung

(راهکارهای قانونی)

تعریف: Rechtsbehelfsbelehrung بخشی از یک تصمیم اداری یا قضایی است که در آن توضیح داده می‌شود علیه حکم یا تصمیم ابلاغ شده، چه راه قانونی اعتراضی وجود دارد و اعتراض باید نزد کدام مرجع ارائه شود و چه مهلتی برای آن وجود دارد.

به زبان ساده: توضیحات مربوط به راه اعتراض به فرد می‌گوید آیا و چگونه می‌تواند علیه یک تصمیم اقدام کند و چه مهلتی را باید رعایت کند.

نکته عملی: برای پناهجویان و مهاجران، این بخش اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا مهلت‌های اعتراض در حقوق پناهندگی و اقامت گاهی بسیار کوتاه هستند. این بخش باید بلافاصله پس از دریافت حکم یا تصمیم ابلاغ شده، مطالعه و مهلت آن بررسی شود. در تصمیم BAMF باید به‌ویژه بررسی شود که شکایت، درخواست فوری یا راه اعتراض دیگری پیش‌بینی شده است. این توضیحات جایگزین مشاوره حقوقی نیستند.

پناهجویانی که قبولی پناهندگی دریافت می‌کنند، از آن پس مشمول مقرراتی متفاوت از دوران رسیدگی به درخواست پناهندگی می‌شوند. از همین رو، ادامه همراهی در روند ادغام و بسیاری از امور عملی و اداری روزمره، معمولاً از طریق مراکز مشاوره مهاجران (MBE) و برای جوانان از طریق خدمات مشاوره مهاجرت جوانان (JMD) انجام می‌شود.

مثال: یک پناهجو یک تصمیم منفی BAMF دریافت می‌کند. در بخش Rechtsbehelfsbelehrung مشخص شده است که کدام دادگاه مسئول است و چه مهلتی برای اعتراض وجود دارد. او این موضوع را فوراً از یک مرکز مشاوره یا وکیل بررسی می‌کند.

پایه حقوقی / منابع:
Verwaltungsgerichtsordnung (VwGO), §§ 58 und 74 | Asylgesetz (AsylG) – Rechtsbehelfe, §§ 74 bis 83c

Reiseausweis für Flüchtlinge („Blauer Pass“)
(مدرک سفر پناهندگان/ «پاسپورت آبی»)

تعریف: Reiseausweis für Flüchtlinge مدرک جایگزین گذرنامه‌ای است که آلمان برای افرادی صادر می‌کند که به‌عنوان Asylberechtigte طبق ماده ۱۶الف قانون اساسی آلمان یا به‌عنوان Flüchtlinge طبق ماده ۳ قانون پناهندگی به‌رسمیت شناخته شده‌اند و شرایط صدور را دارند. این مدرک اغلب پاس آبی (Blauer Pass) نامیده می‌شود. مبنای حقوقی آن به‌ویژه ماده ۲۸ کنوانسیون ژنو درباره وضعیت پناهندگان در ارتباط با مقررات آلمان است.

به زبان ساده: پاسپورت آبی، مدرک سفری برای پناهندگان به‌رسمیت‌شناخته‌شده است که اصولاً نباید یا نمی‌توانند با گذرنامه ملی کشور مبدأ سفر کنند.

نکته عملی: این مدرک همان گذرنامه آلمانی نیست و تابعیت آلمان ایجاد نمی‌کند. پیش از سفر باید بررسی شود کشور مقصد آن را می‌پذیرد یا نه و آیا ویزا لازم است. سفر به کشور مبدأ می‌تواند پیامدهای حقوقی در زمینه اقامت داشته باشد و باید پیش از سفر بررسی شود.

مثال: برای مثال، فردِ دارای حمایت پناهندگی پیش از سفر به کشور ثالث، مقررات ورود و ویزای آن کشور را بررسی می‌کند.

پایه حقوقی / منابع:
§ 4 AufenthV – Passersatzpapiere und Reiseausweise | § 18 AufenthV – Befreiung für Inhaber von Reiseausweisen für Flüchtlinge und Staatenlose | Art. 28 Genfer Flüchtlingskonvention

Reiseunfähigkeit
(ناتوانی از سفر)

تعریف: Reiseunfähigkeit (قادر به سفر نبودن)، در زمینه پزشکی به وضعیتی گفته می‌شود که فرد به دلیل وضعیت سلامت خود، به‌طور موقت یا تحت شرایط خاص قادر به سفر نیست. در حقوق پناهندگی و اقامت، مسئله ناتوانی از سفر می‌تواند به‌ویژه در مورد اخراج اهمیت داشته باشد.

به زبان ساده: ممکن است فردی به دلایل پزشکی قادر به سفر نباشد. تعیین‌کننده، فقط بیمار بودن فرد نیست، بلکه این مهم است که آیا و تحت چه شرایطی یک سفر مشخص از نظر پزشکی امکان‌پذیر است.

نکته عملی: وجود بیماری به‌طور خودکار به معنای ناتوانی از سفر نیست. برای اداره ها و در صورت لزوم دادگاه‌ها، تعیین‌کننده این است که آیا یک سفر مشخص با توجه به وضعیت سلامت فرد امکان‌پذیر است و چه خطراتی وجود دارد. ارزیابی پزشکی مربوط باید قابل فهم و از نظر تخصصی مستدل باشد.

بسیاری از پناهندگان نمی‌دانند گواهی پزشکی باید چه استاندارد و ویژگی‌هایی داشته باشد. به همین دلیل، گواهی‌های آنان ممکن است از سوی Ausländerbehörde، BAMF یا دادگاه به رسمیت شناخته نشود. بسیاری از پزشکانی که در حوزه پناهندگی تجربه ندارند نیز با این استانداردها آشنا نیستند. وکلا و مراکز مشاوره فعال در حوزه پناهندگی می‌توانند در چنین مواردی استانداردهای لازم برای گواهی پزشکی را به‌صورت کتبی برای پزشک معالج توضیح دهند.

شرایط تشخیص و تعیین نوع بیماری، میزان و شدت ناتوانی احتمالی، از کار افتادگی یا احتمالا قادر به مسافرت نبودن بر اساس ماده ۶۰آ بند ۲س در قانون اقامت مشخص شده است. این نکات باید در گواهی تخصصی رعایت شوند.

مثال: یک فرد پناهنده به بیماری حاد و شدید مبتلاست. کمی پیش از اخراج برنامه‌ریزی‌شده، از نظر پزشکی بررسی می‌شود که آیا فرد تحت شرایط پیش‌بینی‌شده قادر به سفر است یا خیر.

پایه حقوقی / منابع:
§ 60 AufenthG | Qualifizierte ärztliche Bescheinigung | Traumafolgestörungen § 60 a Abs. 2 c und 2d AufenthG und Asylrecht

Residenzpflicht / Räumliche Beschränkung
(الزام به اقامت / محدودیت مکانی)

تعریف: اصطلاح «Residenzpflicht» در زبان روزمره برای شکل‌های مختلف محدودیت مکانی به کار می‌رود. از نظر حقوقی باید میان محدودیت مکانی در جریان روند پناهندگی بر اساس مواد ۵۶ به بعد قانون پناهندگی، الزام به اقامت در مرکز پذیرش و محدودیت‌های مکانی بر اساس قانون اقامت، تفاوت گذاشت. بر اساس ماده ۵۶، اجازه اقامت موقت پناهجویی در دوره‌های مشخص از نظر مکانی محدود است. برای افراد دارای حمایتِ شناخته‌شده نیز ممکن است الزام تعیین محل سکونت بر اساس ماده ۱۲الف قانون اقامت مطرح باشد.

به زبان ساده: Residenzpflicht در زبان عمومی یعنی فرد نمی‌تواند آزادانه محل اقامت خود را در سراسر آلمان انتخاب کند یا نمی‌تواند بدون اجازه، محدوده مشخصی را ترک کند. نوع محدودیت به وضعیت اقامتی و مبنای قانونی بستگی دارد.

نکته عملی: در مشاوره باید همیشه مبنای قانونی مشخص ذکر شود. برای پناهجویان به‌ویژه مواد ۵۶ تا ۵۹ب قانون پناهندگی اهمیت دارند؛ برای افراد دارای اجازه اقامت، مثلاً الزام تعیین محل سکونت بر اساس ماده ۱۲الف قانون اقامت می‌تواند مطرح باشد.

مثال: فردی که درخواست پناهندگی داده و اجازه اقامت موقت پناهجویی دارد، در ابتدا مشمول محدودیت مکانی است. پس از پایان مهلت قانونی، این محدودیت اصولاً می‌تواند از بین برود، مگر اینکه استثنای قانونی وجود داشته باشد.

پایه حقوقی / منابع:
§ 56 AsylG – Räumliche Beschränkung | | § 57 AsylG – Verlassen des Aufenthaltsbereichs | § 59a AsylG – Erlöschen der räumlichen Beschränkung | § 59b AsylG – Anordnung der räumlichen Beschränkung | § 61 AufenthG – Räumliche Beschränkung | § 12a AufenthG – Wohnsitzregelung

Schulung
(دوره آموزشی)

تعریف: Schulung ، یک اقدام آموزشی یا تمرینی محدود از نظر زمانی است که در آن دانشِ مشخص یا مهارت‌های عملی آموزش داده می‌شود. در حوزه مهاجرت و ادغام، Schulung می‌تواند برای مثال برای کسب صلاحیت حرفه‌ای، جهت‌یابی یا آماده‌سازی برای فعالیت‌های مشخص باشد.

به زبان ساده: Schulung دانش تئوریک پایه یا مهارت های عملی در باره یک موضوع مشخص را منتقل می‌کند.

نکته عملی: یک دوره آموزشی بسته به هدف و ارائه‌دهنده آن می‌تواند شرایط حقوقی و مالی متفاوتی داشته باشد. برای پناهندگان می‌توان بررسی کرد که آیا Schulung از طریق Agentur für Arbeit، Jobcenter یا یک برنامه حمایتی دیگر قابل پشتیبانی مالی است.

مثال: یک فرد پناهنده می‌خواهد در یک شغل مشخص کار کند، اما هنوز برخی دانش‌ها و مهارت‌های لازم را ندارد. او در یک دوره آموزشی حرفه‌ای شرکت می‌کند.

پایه حقوقی / منابع:
Bundesagentur für Arbeit – Weiterbildung

Schulsystem in Deutschland
(نظام آموزشی مدارس در آلمان)

تعریف: نظام آموزشی مدارس در آلمان شامل انواع مختلف مدارس و مسیرهای آموزشی برای کودکان و نوجوانان است. آموزش و امور مدارس عمدتاً در صلاحیت ایالت‌های فدرال قرار دارد. به همین دلیل، انواع مدارس، مراحل انتقال و برخی مقررات در ایالت‌های مختلف با یکدیگر تفاوت دارند.

به زبان ساده: در آلمان فقط یک نوع مدرسه وجود ندارد. کودکان بسته به سن، مسیر آموزشی و ایالت محل زندگی، می‌توانند در مدارس مختلف تحصیل کنند.

نکته عملی: نظام آموزشی مدارس آلمان برای خانواده‌های خارجی اغلب ناآشناست. والدین معمولاً نمی‌دانند کدام مدرسه برای فرزندانشان مناسب‌تر است. در ادارات آموزش و پرورش مراکزی برای راهنمایی والدین در این زمینه وجود دارد. مراکز مشاوره نیز می‌توانند در چنین مواردی نشانی اداره آموزشی مسئول در شهر محل زندگی را در اختیار والدین قرار دهند.

مثال: یک خانواده پناهنده همراه با یک کودک دهساله به آلمان می‌آید. والدین به اداره آموزشی یا مدرسه مسئول مراجعه می‌کنند.

پایه حقوقی / منابع:
Schools in German- Farsi | Schools in Germany KMK – Allgemeinbildende Schulen

Sozialamt
(اداره تامین اجتماعی)

تعریف: Sozialamt (اداره تامین اجتماعی)، یک اداره اجتماعی شهری یا محلی است. این اداره بسته به وضعیت شخص، انواع مختلفی از مزایای کمک اجتماعی و سایر امور اجتماعی را رسیدگی می‌کند. برای پناهندگان، به‌ویژه باید تفاوت گذاشت که آیا مزایا بر اساس قانون مزایای پناهجویان (AsylbLG)، قوانین اجتماعی یا مقررات دیگری پرداخت می‌شوند.

به زبان ساده: Sozialamt اداره‌ای است که برخی مزایا و حمایت‌های اجتماعی را سازمان‌دهی و تصویب می‌کند.

نکته عملی: Sozialamt یا مرجع مسئول پرداخت مزایا، مسئول ارائه مزایا بر اساس قانون تامین اجتماعی پناهجویان و ـ پس از مدت طولانی‌تر اقامت ـ مسئول پرداخت مزایای موسوم به Analogleistungen است.

مزایا بر اساس AsylbLG (قانون تامین اجتماعی پناهجویان): مرجع مسئولِ پرداخت مزایا، خدمات پایه را برای افراد واجد شرایط دریافتِ مزایا بر اساس AsylbLG ارائه می‌کند. این موارد به‌ویژه شامل هزینه غذا، محل سکونت، گرمایش، پوشاک، مراقبت‌های بهداشتی و نیازهای شخصی ضروری است.

کمک‌های پزشکی: بر اساس ماده ۴ قانون مزایای پناهجویان، به‌ویژه درمان پزشکی و دندانپزشکی لازم در موارد بیماری‌های حاد و حالات درد شدید و نیز خدمات مرتبط با بارداری و زایمان ارائه می‌شود.

مزایای مشابه پس از ۳۶ ماه: پس از ۳۶ ماه اقامتِ بدون وقفه در آلمان، در صورت وجود شرایط قانونی، می‌توان مزایایی مطابق SGB XII پرداخت کرد. مرجع مسئول همچنان برای این مزایا صلاحیت دارد.

مثال: یک فرد پناهنده هنوز در روند پناهندگی قرار دارد و برای تأمین هزینه زندگی به مزایا نیاز دارد. مرجع مسئول پرداخت مزایا، استحقاق او را بر اساس قانون مزایای پناهجویان بررسی می‌کند.

پایه حقوقی / منابع:
Asylbewerberleistungsgesetz | Sozialgesetzbuch XII

Spätaussiedler
(آلمانی‌تباران بازگشته از اروپای شرقی و اتحاد شوروی سابق)

تعریف: Spätaussiedler به آلمانی‌تبارانی گفته می‌شود که از مناطق تعیین‌شده در ماده ۴ قانون آوارگان و اخراج‌شدگان (BVFG) می‌آیند و شرایط قانونی پذیرش بر اساس این قانون را دارند. پیش از ورود به آلمان باید تصمیم پذیرش از اداره فدرال امور اداری صادر شده باشد. پس از ورود، ثبت و توزیع میان ایالت‌ها انجام می‌شود. وضعیت Spätaussiedler در روند صدور گواهی بر اساس قانون BVFG احراز می‌شود و با شناسایی به‌عنوان Spätaussiedler اصولاً تابعیت آلمان نیز تحصیل می‌شود.

به زبان ساده: Spätaussiedler به افراد آلمانی‌تبار از برخی کشورهای اروپای شرقی و اتحاد شوروی سابق گفته می‌شود که از طریق یک روند ویژه پذیرش، وارد آلمان می‌شوند. این روند عمدتاً توسط اداره فدرال امور اداری انجام می‌شود.

نکته عملی: برای پرونده‌های جاری باید میان تصمیم پذیرش، ویزای ورود، ثبت پس از ورود و گواهی Spätaussiedler تفاوت گذاشت..

مثال: فردی آلمانی‌تبار از یکی از مناطق تعیین‌شده قصد مهاجرت به آلمان را دارد. او از اداره فدرال امور اداری درخواست تصمیم پذیرش می‌کند و پس از صدور آن روند بعدی ورود را انجام می‌دهد.

پایه حقوقی / منابع:
§ 4 Bundesvertriebenengesetz – Spätaussiedler | § 15 Bundesvertriebenengesetz – Bescheinigungen | Auswärtiges Amt – Aufnahme in der Bundesrepublik als Spätaussiedler

Standesamt
(اداره ثبت احوال)

تعریف: Standesamt مسئول رسیدگی به امور ثبت احوال است. این امور به‌ویژه شامل ثبت تولد، ازدواج و فوت است. برای پناهندگان و مهاجران، Standesamt می‌تواند در بررسی اسناد ثبت احوال یک فرد خارجی و در امور ازدواج نیز نقش مهمی داشته باشد.

به زبان ساده: Standesamt مسئول رویدادهای مهم مربوط به وضعیت مدنی، برای مثال تولد و ازدواج، است.

نکته عملی: برای اسناد خارجی بسته به کشور مبدأ، ممکن است الزامات اضافی وجود داشته باشد، برای مثال ترجمه‌های گواهی‌شده، آپوستیل یا تأییدات کنسولی.

مثال: یک زوج پناهنده می‌خواهند در آلمان ازدواج کنند. Standesamt بررسی می‌کند که چه مدارکی لازم است و آیا شرایط و مدارک قانونی لازم موجود است.

پایه حقوقی / منابع:
Personenstandsgesetz | § 13 PStG

Stellungnahme (Psychologische-Psychotherapeutische Stellungnahme)
(گزارش / اظهار نظر روان‌شناختی - روان‌درمانی)

تعریف: در حوزه مشاوره روان‌شناختی و روحی ـ اجتماعی پناهندگان، یک Stellungnahme (گزارش اعلام وضعیت) می‌تواند برای مستندسازی کتبی وضعیت روانی فرد، فشارهای موجود یا پیامدهای تجربه‌های تروماتیک به کار رود. بسته به تخصص فرد، تهیه‌کننده و مأموریت او، این می‌تواند گزارش روان‌شناختی، گزارش روان‌درمانی یا گزارش روحی ـ اجتماعی باشد.

به زبان ساده: چنین گزارشی وضعیت روحی- روانی فرد را با جزئیات بیشتری نسبت به یک گواهی ساده توصیف می‌کند. برای مثال می‌تواند شامل اطلاعاتی درباره علائم و مشکلات، سابقه، فشارهای روانی، تجربه‌های تروماتیک، ارزیابی‌های تشخیصی، روند مشاوره و پیامدهای احتمالی بازگرداندن فرد باشد. حجم و محتوای آن به مأموریت، تخصص تهیه‌کننده و روند مربوط بستگی دارد.

نکته عملی: یک گزارش روان‌شناختی، روان‌درمانی یا روحی ـ اجتماعی می‌تواند از سوی فرد پناهنده یا یک مرکز مشاوره به یک اداره یا دادگاه ارائه شود. چنین گزارشی می‌تواند به‌ویژه در مورد فشارهای روانی، پیامدهای تروما یا نیاز ویژه به حمایت در روند پناهندگی یا اقامت اهمیت داشته باشد. چنین گزارشی می‌تواند از همان مرحله مصاحبه پناهندگی یا در روند دادگاه کمک‌کننده باشد، به‌ویژه در ارزیابی میزان باورپذیری دلایل فرار یا اظهارات مربوط به تعقیب و آزار، زندان، شکنجه، تجاوز یا دیگر تجربه‌های شدید تروماتیک. همچنین می‌تواند در موارد مربوط به جابه‌جایی از شهری به شهر دیگر، خروج از یک خوابگاه جمعی، انتقال به خانه شخصی یا در ارتباط با جلوگیری از اخراج کمک‌کننده باشد.

تفاوت آن با یک گزارش پزشکی واجد شرایط مهم است: یک گزارش روان‌شناختی یا روحی ـ اجتماعی به‌طور خودکار شرایط قانونی مربوط به گواهی پزشکی بر اساس ماده ۶۰آ، بند ۲س قانون اقامت را برآورده نمی‌کند. همچنین گزارش روان‌درمانی نیز به‌طور خودکار با گزارش پزشک متخصص هم‌ارز نیست.

به پناهجویانی که از پیامدهای تروما رنج می‌برند ـ چه جان‌به‌دربردگان از شکنجه و زندان، فراریان از جنگ، قربانیان تجاوز یا افرادی که در مسیر رسیدن به آلمان آسیب یا دیگر تجربه‌های تروماتیک داشته‌اند ـ توصیه می‌شود هرچه زودتر با یک مرکز مشاوره روحی ـ اجتماعی تماس بگیرند. ارائه دیرهنگام مدارک یا گزارش‌های لازم می‌تواند از میزان اعتبار و تأثیرگذاری آنها بکاهد.

مثال: یک فرد پناهنده، از شکنجه و تجربه‌های تروماتیک خود گزارش می‌دهد. یک روان‌شناس در یک مرکز روحی ـ اجتماعی چند جلسه با او گفت‌وگو می‌کند و یک گزارش روان‌شناختی تهیه می‌کند. در این گزارش، از جمله فشارهای روانی، علائم مشاهده‌شده، سابقه و تأثیرات آن بر وضعیت فعلی زندگی توصیف می‌شود.

پایه حقوقی / منابع:
§ 60 Abs. 7 AufenthG | § 60a Abs. 2c AufenthG | PRO ASYL – DA-Asyl: Ärztliche Stellungnahmen | BAfF – Stellungnahmen und Positionspapiere | asyl.net – Rechtsprechung

Trauma / Traumatisierung
(تروما / آسیب‌دیدگی روانی)

تعریف: «تروما» به یک تکان یا آسیب شدید روحی- روانی گفته می‌شود که می‌تواند در نتیجه یک رویداد فوق‌العاده سنگین یا تهدیدکننده ایجاد شود. در بین پناهندگان، جنگ، شکنجه، اسارت، تعقیب و آزار، خشونت جنسی، ربوده شدن یا سایر تجربه‌های تهدیدکننده زندگی می‌توانند از عوامل ایجاد تروما باشند. «آسیب‌دیدگی روانی» به فرایند یا پیامدهای روانی چنین تجربه‌ای اشاره دارد. خود این اصطلاح به‌تنهایی یک تشخیص پزشکی محسوب نمی‌شود.

برخی از افرادی که دچار تروما می‌شوند ــ و نه همه آنها ــ ممکن است تحت تأثیر این تجربه، از عوارضی مانند بازتکرار یا فلاش‌بک، کابوس، اختلال خواب، ترس، مشکلات تمرکز و عوارض دیگر رنج ببرند. اگر در یک ارزیابی تخصصی، تشخیص «اختلال استرس پس از سانحه» (PTBS) داده شود، باید در گفت‌وگو با روان‌درمانگر

راه‌های مختلف درمان بررسی شود. در صورتی که این تشخیص با پرونده پناهندگی یا اقامت فرد مرتبط باشد، توصیه می‌شود گزارش و تشخیص مربوطه در زمان مناسب در اختیار وکیل یا نماینده حقوقی قرار گیرد و در صورت لزوم به BAMF یا دادگاه ارائه شود.

به زبان ساده: تروما می‌تواند بر سلامت روحی- روانی و جسمی، حافظه، تمرکز، خواب و رفتار فرد تأثیر بگذارد. اما هر فردی که یک رویداد بسیار سنگین را تجربه کرده باشد، الزاماً به یک اختلال ناشی از تروما مبتلا نمی‌شود.

نکته عملی: در مشاوره پناهندگان نباید رفتار غیرعادی یا متفاوت فرد را خیلی سریع به عدم همکاری یا غیرقابل‌باور بودن اظهارات او نسبت داد. اگر نشانه‌هایی از مشکلات روحی- روانی وجود داشته باشد، ارزیابی توسط پزشک متخصص یا روان‌درمانگر می‌تواند مفید باشد. در روند پناهندگی، مشکلات جسمی یا روانی بسته به مورد می‌توانند برای مصاحبه، ارزیابی باورپذیری اظهارات یا بررسی ممنوعیت اخراج اهمیت داشته باشند؛ اما این امر به‌طور خودکار به اعطای وضعیت حمایتی منجر نمی‌شود. در آلمان مراکز تخصصی مشاوره روحی-اجتماعی برای پناهندگانی که تجربه‌های آسیب‌زا داشته‌اند وجود دارد و می‌توانند در صورت نیاز در طول روند پناهندگی نیز همراهی و حمایت کنند.

مثال: یک فرد پناهنده از شکنجه و اسارت طولانی‌مدت در کشور مبدأ خود می‌گوید. او دچار اختلال خواب، مشکلات تمرکز و واکنش‌های شدید ترس است. این علائم ممکن است با آسیب‌دیدگی روانی مرتبط باشند و باید به‌صورت تخصصی بررسی شوند.

مشاوره و حمایت‌های روحی-اجتماعی :در آلمان، مراکز مشاوره روحی-اجتماعی تخصصی برای پناهندگانی که تجربیات آسیب‌زا (تروماتیک) داشته‌اند وجود دارد. به افرادی که از آسیب‌های روحی یا پیامدهای روانی ناشی از تجربیات تلخ و تکان‌دهنده رنج می‌برند، توصیه می‌شود که ترجیحاً پیش از ارائه درخواست پناهندگی و قبل از جلسه مصاحبه حضوری، با یکی از این مراکز مشاوره تماس بگیرند. با این حال، حتی اگر درخواست پناهندگی قبلاً ارائه شده باشد نیز تماس با یک مرکز مشاوره مربوطه بسیار مهم است. در آنجا می‌توان بررسی کرد که آیا به حمایت‌های ویژه، گفتگو با یک روان‌شناس و یا درمان‌های روان‌درمانی نیاز است یا خیر. در صورت نیاز، مراکز روحی-اجتماعی می‌توانند افراد جویای کمک را در طول فرآیند پناهندگی نیز همراهی و حمایت کنند.

پایه حقوقی / منابع:
WHO – ICD-11: Post-traumatic stress disorder | Flucht & Trauma | Adresse von Psychosoziale Zentren

Überweisung
(ارجاع پزشکی)

تعریف: Überweisung در زمینه پزشکی به ارجاع پزشک یا برگه ارجاع برای بررسی یا درمان بیشتر، نزدِ پزشک متخصص یا یک مطب دیگر گفته می‌شود.

به زبان ساده: پزشک زمانی فرد را به پزشک یا مطب دیگری ارجاع می‌دهد که بررسی یا درمان بیشتری لازم باشد.

نکته عملی: در مورد افراد در روند پناهندگی باید بررسی شود که با توجه به وضعیت اقامت و دریافت مزایا، کدام خدمات پزشکی تحت پوشش قرار می‌گیرد. داشتن Überweisung به‌تنهایی به معنای تأمین خودکار هر درمان نیست.

مثال: برای مثال، پزشک عمومی یک متقاضی پناهندگی را برای بررسی تخصصی به پزشک متخصص ارجاع می‌دهد.

پایه حقوقی / منابع:
§§ 4 und 6 AsylbLG – medizinische Leistungen | § 264 SGB V – Übernahme der Krankenbehandlung für nicht Versicherte

Umverteilung / Umverteilungsantrag
(تغییر محل اسکان / درخواست تغییر محل اسکان)

تعریف: Umverteilung در حوزه پناهندگی و پناهندگان به انتقال و تخصیص یک فرد یا خانواده از محل اقامتی که قبلاً به آن اختصاص داده شده‌اند، به محل دیگری یا ایالت دیگری گفته می‌شود. Umverteilungsantrag درخواست مربوط به تغییر این تخصیص است. اینکه کدام اداره مسئول است و چه شرایطی وجود دارد، به‌ویژه به وضعیت اقامتی فرد و مرحله یا زمان روند پناهندگی بستگی دارد.

به زبان ساده: تغییر محل اسکان به این معناست که فرد بخواهد از محل تعیین‌شده فعلی خود به محل دیگری منتقل شود. این امر حق خودکار فرد برای زندگی در شهر دلخواهش نیست و باید درخواست و دلیل آن بررسی شود.

نکته عملی: در نوردراین-وستفالن، بسته به وضعیت فرد و شرایط پرونده، ممکن است Bezirksregierung Arnsberg یا مرجع صلاحیت‌دار دیگری مسئول باشد. دلایل معمول می‌تواند ایجاد یا حفظ زندگی خانوادگی مشترک، یک مورد خاصِ سختی انسانی یا دلایل دیگری باشد که قانون اجازه در نظر گرفتن آنها را می‌دهد. پیش از درخواست، باید مشخص شود که درباره فرد مورد نظر دقیقاً کدام مقررات مربوط به تخصیص محل اقامت اعمال می‌شود.

مثال: یک متقاضی پناهندگی به یک شهرداری مشخص اختصاص داده شده است و می‌خواهد نزد فرزند خردسال خود در شهرداری دیگری زندگی کند. او یک درخواست مستدل برای تغییر محل اسکان ارائه می‌دهد. مرجع مسئول بررسی می‌کند که آیا شرایط قانونی تغییر تخصیص وجود دارد یا خیر.

توضیح: به دلیل جمعیت بالای ایالت نوردراین-وستفالن، این ایالت در اینجا به‌عنوان نمونه معرفی شده است.

پایه حقوقی / منابع:
§ 51 Länderübergreifende Verteilung | Bezirksregierung Arnsberg – Umverteilung von Flüchtlingen Landesinterne Verteilung (AsylG)50 § | (AsylG)

Umschulung
(بازآموزی شغلی)

تعریف: Umschulung نوعی آموزش حرفه‌ای برای ورود به یک حرفه جدید است که در برخی موارد می‌تواند در رشته‌ای هم‌خانواده و نزدیک به تخصص قبلی فرد انجام شود. اگر پایه تخصص قبلی و تخصص جدید به هم نزدیک باشند، فرد ممکن است با یک دوره آموزشی کوتاه‌تر برای تخصص جدید آماده شود. در پایان این دوره می‌تواند یک مدرک حرفه‌ای معتبر جدید دریافت کند.

به زبان ساده: در Umschulung فرد یک حرفه جدید می‌آموزد تا مسیر شغلی خود را تغییر دهد یا امکان اشتغال بهتری پیدا کند.

نکته عملی: برای پناهندگان و مهاجران، بازآموزی می‌تواند راهی برای کسب یک مدرک حرفه‌ای معتبر در آلمان یا بهبود ادغام شغلی باشد. امکان حمایت مالی از آن به وضعیت شخصی، شرایط حرفه‌ای و مقررات مربوط به حمایت مالی بستگی دارد. بهتر است پیش از شروع، با Agentur für Arbeit یا Jobcenter مشورت شود.

مثال: یک پناهنده در کشور مبدأ در حرفه‌ای کار کرده است، اما در آلمان نمی‌تواند به‌سادگی همان حرفه را ادامه دهد. پس از مشاوره بررسی می‌شود که آیا بازآموزی برای یک حرفه رسمی در آلمان قابل حمایت مالی است.

پایه حقوقی / منابع:
§ 1 Absatz 5 Berufsbildungsgesetz (BBiG) | Bundesagentur für Arbeit – Umschulung und berufliche Weiterbildung

Unbegleitete Minderjährige Flüchtlinge (UMF)
(پناهندگان زیر سن قانونی بدون همراه)

تعریف: «خردسالان بدون همراه» (UMA) کودکان یا نوجوانان خارجی هستند که بدون شخص دارای حق حضانت یا سرپرست تربیتی به آلمان می‌آیند یا بدون چنین افرادی در قلمرو آلمان باقی می‌مانند. در حقوق آلمان امروزه بیشتر از عنوان «خردسالان خارجی بدون همراه» (UMA) استفاده می‌شود. «پناهندگان خردسال بدون همراه» (UMF) یک وضعیت حقوقی مستقل نیست. آنچه از نظر حقوقی تعیین‌کننده است، خردسال بودن فرد و نبود شخص دارای حق حضانت یا سرپرست تربیتی در داخل آلمان است.

به زبان ساده: خردسال بدون همراه در درجه اول کودک یا نوجوانی است که اداره امور جوانان (Jugendamt) مسئول حمایت از اوست. این امر به‌خودی‌خود به این معنا نیست که فرد به‌عنوان پناهنده به رسمیت شناخته شده است.

نکته عملی: اگر یک کودک یا نوجوان خارجی بدون همراه به آلمان بیاید، اداره امور جوانان اصولاً موظف است او را تحت حمایت و مراقبت موقت قرار دهد. در جریان این حمایت، از جمله باید وضعیت او روشن شود و در صورت وجود شرایط قانونی، برای تعیین سرپرست قانونی یا قیم اقدام شود. در موارد مقرر قانونی، درخواست پناهندگی نیز باید بدون تأخیر ارائه شود. روند پناهندگی، یک «روند ویژه UMF» مستقل نیست؛ مقررات عمومی پناهندگی اعمال می‌شوند، اما منافع کودک و تضمین‌های ویژه مربوط به خردسالان باید مورد توجه قرار گیرد.

پیش از مصاحبه BAMF، آسیب‌پذیری‌های ویژه باید از سوی سرپرست قانونی به BAMF اطلاع داده شود. همچنین زبان مورد نظر برای مصاحبه و در صورت لزوم درخواست برای مصاحبه‌کننده زن باید اعلام شود. BAMF برای مصاحبه و تصمیم‌گیری درباره خردسالان بدون همراه، افراد مسئول و متخصص ویژه تعیین می‌کند.
توصیه می‌شود سرپرستان قانونی این کودکان و نوجوانان حتی‌الامکان پیش از ارائه درخواست پناهندگی و پیش از مصاحبه شخصی، با یک مرکز مشاوره تخصصی تماس بگیرند.

مثال: یک نوجوان ۱۶ ساله بدون والدین وارد آلمان می‌شود. اداره امور جوانان او را تحت مراقبت موقت قرار می‌دهد و اقدامات قانونی بعدی را انجام می‌دهد. سپس بررسی می‌شود که چه خدماتی، چه نوع نمایندگی از سوی سرپرست قانونی و در صورت لزوم چه روند پناهندگی یا اقامتی برای او ضروری است.

مشاوره و حمایت‌های روحی-اجتماعی :در آلمان، مراکز مشاوره ویژه‌ای برای متقاضیان پناهندگی زیر سن قانونی و پناهجویان زیر سن قانونی بدون همراه وجود دارد. به قیم‌های قانونی این کودکان و نوجوانان توصیه می‌شود که ترجیحاً پیش از ارائه درخواست پناهندگی و قبل از جلسه مصاحبه حضوری، با یکی از این مراکز مشاوره تماس بگیرند. با این حال، حتی اگر درخواست پناهندگی قبلاً ارائه شده باشد نیز تماس با یک مرکز مشاوره مربوطه بسیار مهم است. در آنجا می‌توان بررسی کرد که آیا به حمایت‌های ویژه، گفتگو با یک روان‌شناس و یا درمان‌های

روان‌درمانی نیاز است یا خیر. در صورت نیاز، این مراکز مشاوره می‌توانند متقاضیان زیر سن قانونی را در طول فرآیند پناهندگی نیز همراهی و حمایت کنند.

پیش از برگزاری جلسه مصاحبه، قیم قانونی باید آسیب‌پذیری‌های خاص (مانند قربانی قاچاق انسان بودن، ختنه زنان FGMC/، آسیب‌ها و فشارهای روانی و غیره) را به اداره مهاجرت و پناهندگی فدرال (BAMF) اعلام کند. علاوه بر این، زبان مورد نظر برای انجام مصاحبه و در صورت تمایل، درخواست برای تعیین یک مصاحبه‌کننده زن نیز باید اطلاع داده شود. اداره BAMF برای جلسه مصاحبه و تصمیم‌گیری در این پرونده‌ها، از مأموران ویژه‌ی پناهجویان زیر سن قانونی بدون همراه استفاده می‌کند.

پایه حقوقی / منابع:
§ 42 SGB VIII – Inobhutnahme von Kindern und Jugendlichen | BAMF – Das deutsche Asylverfahren | UMF im (Unbegleitete) minderjährige Geflüchtete | Asylverfahren | UMF- Rechte in Deutschland

United Nations Voluntary Fund for Victims of Torture (UNVFVT)
(صندوق داوطلبانه سازمان ملل متحد برای قربانیان شکنجه)

تعریف: «United Nations Voluntary Fund for Victims of Torture (UNVFVT)» یک صندوق داوطلبانه سازمان ملل متحد است که از طریق دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد (OHCHR) اداره می‌شود. این صندوق از سازمان‌هایی حمایت می‌کند که به‌طور مستقیم به قربانیان شکنجه و اعضای خانواده آنان کمک می‌کنند؛ از جمله در زمینه ارائه مشاوره های پزشکی، روان‌شناختی، اجتماعی، اقتصادی، حقوقی و بشردوستانه.

به زبان ساده: «UNVFVT» یک برنامه و یک اداره دولتی آلمان نیست. این صندوق از سازمان‌هایی حمایت مالی می‌کند که به قربانیان شکنجه و خانواده‌های آنان کمک می‌کنند.

نکته عملی: برای کار در حوزه پناهندگی، این صندوق به‌ویژه درباره ساختارهای بین‌المللی حمایت از بازماندگان شکنجه اهمیت دارد. افراد به‌طور مستقیم از این صندوق برای دریافت اجازه اقامت آلمان یا مزایای جبرانی آلمان درخواست نمی‌کنند. در آلمان مراکز مشاوره تخصصی برای بازماندگان زندان و شکنجه وجود دارد و تماس با آنها می‌تواند برای بررسی حمایت‌های لازم مفید باشد.

مثال: یک سازمان در آلمان خدمات روحی-اجتماعی و حقوقی به بازماندگان شکنجه ارائه می‌دهد و برای یک پروژه مشخص از UNVFVT کمک مالی دریافت می‌کند. صندوق، سازمان یا پروژه را تأمین مالی می‌کند، نه اینکه برای فرد مورد حمایت عنوان اقامت آلمان صادر کند.

مشاوره و حمایت‌های روحی-اجتماعی :در آلمان، مراکز مشاوره ویژه‌ای برای بازماندگان شکنجه وجود دارد. به افرادی که از حبس و شکنجه جان سالم به در برده‌اند، توصیه می‌شود که ترجیحاً پیش از ارائه درخواست پناهندگی و قبل از جلسه مصاحبه حضوری، با یکی از این مراکز مشاوره تماس بگیرند. با این حال، حتی اگر درخواست پناهندگی قبلاً ارائه شده باشد نیز تماس با یک مرکز مشاوره مربوطه بسیار مهم است. در آنجا می‌توان بررسی کرد که آیا به حمایت‌های ویژه، گفتگو با یک روان‌شناس و یا درمان‌های روان‌درمانی نیاز است یا خیر. در صورت نیاز، این مراکز مشاوره می‌توانند متقاضیان پناهندگی را در طول فرآیند پناهندگی نیز همراهی و حمایت کنند.

پایه حقوقی / منابع:
OHCHR – United Nations Voluntary Fund for Victims of Torture | Beratungsstellen für Überlebende von Haft und Folter

UNO - Flüchtlingshilfe
(کمک‌رسانی سازمان ملل به پناهندگان)

تعریف: «UNO-Flüchtlingshilfe» شریک آلمانی کمیساریای عالی سازمان ملل متحد برای پناهندگان (UNHCR) است و از فعالیت‌های این نهاد از طریق جمع‌آوری کمک‌های مالی، اطلاع‌رسانی عمومی و حمایت از پروژه‌ها پشتیبانی می‌کند. این سازمان یک نهاد مستقل آلمانی است و خودِ UNHCR نیست.

به زبان ساده: «UNO-Flüchtlingshilfe» کمک‌های مالی جمع‌آوری می‌کند و از این طریق از فعالیت‌های بین‌المللی در زمینه حمایت از پناهندگان پشتیبانی می‌کند. این سازمان با اداره‌های دولتی مسئول پناهندگی در آلمان تفاوت دارد.

نکته عملی: «UNO-Flüchtlingshilfe» درباره درخواست‌های پناهندگی تصمیم نمی‌گیرد و عنوان اقامت صادر نمی‌کند. با این حال، اطلاعات و فعالیت‌های آن می‌تواند به‌عنوان یک منبع تکمیلی در باره حمایت بین‌المللی از پناهندگان مفید باشد. UNHCR نیز مشاوره فردی ارائه نمی‌کند؛ بلکه از برخی مراکز مشاوره، در صورت وجود شرایط لازم، از جمله از نظر مالی حمایت می‌کند و اطلاعاتی درباره فرار، پناهندگی و وضعیت پناهندگان در کشور مبدا منتشر می‌کند.

مثال: یک مرکز مشاوره می‌خواهد مطالب اطلاعاتی درباره حمایت بین‌المللی از پناهندگان در اختیار مراجعان قرار دهد. می‌تواند از مطالب منتشرشده توسط UNO-Flüchtlingshilfe و UNHCR استفاده کند.

پایه حقوقی / منابع:
UNO-Flüchtlingshilfe – Über uns

Urteil
(حکم دادگاه)

تعریف: Urteil یک تصمیم قضایی است که در دادرسی‌های اداری از جمله شامل بخش حکم، شرح ماجرا، دلایل تصمیم و راهکارهای قانونی است.

به زبان ساده: با Urteil یا حکم دادگاه در باره یک اختلاف حقوقی تصمیم می‌گیرد و مشخص می‌کند پرونده از نظر حقوقی چگونه ارزیابی می‌شود.

نکته عملی: پس از دریافت Urteil باید بررسی شود چه Rechtsmittel یا Rechtsbehelf (راهکار قانونی) و چه مهلتی وجود دارد. Urteil همیشه بلافاصله قطعی نیست. تفاوت آن با Beschluss این است که Urteil اصولاً تصمیم در باره اصل دعواست، در حالی که Beschluss شکل دیگری از تصمیم قضایی است و می‌تواند درباره مسائل روند رسیدگی یا درخواست‌های مشخص صادر شود.

در پرونده‌های پناهندگی، دادگاه می‌تواند با Beschluss تصمیم بگیرد که رسیدگی طبق ماده ۷۶ قانون پناهندگی توسط Einzelrichter (قاضی منفرد) ادامه پیدا کند. بنابراین Beschluss لزوماً تصمیم در باره قبول یا رد اصل دعوای پناهندگی نیست. در هر دو مورد باید محتوای تصمیم، Rechtsbehelfsbelehrung و مهلت‌ها دقیق بررسی شود.

مثال: برای مثال، دادگاه اداری (VG) درباره شکایت متقاضی پناهندگی علیه Bescheid BAMF رأی می‌دهد و در Urteil دلایل موافقت یا رد شکایت را توضیح می‌دهد.

پایه حقوقی / منابع:
§ 117 VwGO – Inhalt des Urteils | § 121 VwGO – Bindungswirkung rechtskräftiger Urteile | § 124 VwGO – § 76 AsylG | Berufung

Verpflichtungserklärung
(تعهدنامه مالی)

تعریف: Verpflichtungserklärung اعلام تعهدی است که در آن شخص در برابر اداره اتباع خارجی یا نمایندگی دیپلماتیک آلمان متعهد می‌شود هزینه‌های زندگی فرد خارجی دعوت شده از سوی خودش به آلمان را تأمین کند. مبنای قانونی آن به‌ویژه ماده ۶۸ قانون اقامت است.

به زبان ساده: یک فرد در آلمان می‌تواند متعهد شود هزینه‌های زندگی فرد دیگری را تأمین کند تا او تحت شرایط قانونی وارد آلمان شود.

نکته عملی: Verpflichtungserklärung می‌تواند پیامدهای مالی قابل توجهی داشته باشد. در اساس مسئولیت پنج سال از زمانِ ورود ادامه دارد. اگر شخصی که با دعوت‌نامه یا بر اساس Verpflichtungserklärung وارد آلمان شده و سپس درخواست پناهندگی بدهد، صرف درخواست پناهندگی تعهد را پایان نمی‌دهد و فرد متعهد، اصولاً می‌تواند برای هزینه‌های عمومی ایجادشده، از جمله هزینه‌های زندگی و در صورت لزوم درمان، مسئول باشد.

مثال: برای مثال، فردی در آلمان برای ورود یک مهمان Verpflichtungserklärung ارائه می‌کند و باید پیش از آن از دامنه و مدت مسئولیت مالی خود آگاه شود.

پایه حقوقی / منابع:
§ 68 AufenthG – Haftung für Lebensunterhalt | AufenthV – Vorschriften zur Verpflichtungserklärung

Verwaltungsgericht (VG)
(دادگاه اداری)

تعریف: دادگاه اداری (VG)، نخستین مرجع قضایی در نظام عمومی دادگاه‌های اداری است. در امور پناهندگی، دادگاه‌های اداری به‌ویژه در باره شکایت علیه تصمیم‌های Bundesamt für Migration und Flüchtlinge (BAMF) و درباره برخی درخواست‌های حمایت موقت قضایی تصمیم می‌گیرند.

به زبان ساده: اگر پناهجو بخواهد علیه تصمیم BAMF اعتراض قضایی کند، Verwaltungsgericht نخستین مرجع قضایی است.

نکته عملی: ارسال شکایت باید در مهلت تعیین‌شده‌ای که در جواب رد اداره فدرال مهاجرت و پناهندگان (BAMF) آمده است، انجام شود. ارسال شکایت به دادگاه می‌تواند بدون وکیل هم انجام شود و مراکز مشاوره می‌توانند در تنظیم و ارسال شکایت کمک کنند. اما این روش توصیه نمی‌شود، زیرا به‌ویژه لایحه شکایت (Klagebegründung) باید مطابق استانداردها و الزامات حقوقی تنظیم شود و در بسیاری از موارد استفاده از وکیل متخصص منطقی است.

مثال: BAMF درخواست پناهندگی فردی را رد می‌کند. فرد می‌خواهد تصمیم را در دادگاه بررسی کند و در مهلت مقرر به Verwaltungsgericht شکایت می‌کند.

نکته ۱: شکایت باید حتماً در مهلت زمانیِ تعیین‌شده که در برگه رأی منفیِ اداره مهاجرت و پناهندگی فدرال (BAMF) آمده، انجام شود.

نکته ۲: ثبت شکایت در دادگاه اداری اصولا بدون داشتن وکیل حقوقی نیز امکان‌پذیر است. مراکز مشاوره می‌توانند در تنظیم متن و ارسال دادخواست به شما کمک کنند .با این حال، این روش کار توصیه نمی‌شود؛ چرا که به‌ویژه بخش «دلایل و توجیهات شکایت (Klagebegründung) «باید با الزامات و استانداردهای قانونی مطابقت داشته باشد و در بسیاری از موارد، داشتن یک وکیل متخصص و با تجربه، کاملاً ضروری است.

پایه حقوقی / منابع:
§ 40 VwGO – Verwaltungsrechtsweg | § 52 VwGO – örtliche Zuständigkeit | § 74 AsylG – Klagefrist

“VIS” - Visa-Informationssystem

(بانک اطلاعاتی ویزا)

تعریف: Visa-Informationssystem (VIS) یک سامانه اطلاعاتی اروپایی برای پردازش و تبادل اطلاعات مربوط به ویزا شنگن است. این سامانه به مراجع صلاحیت‌دار امکان می‌دهد اطلاعات مربوط به درخواست‌های روادید و روادیدهای صادرشده را ذخیره و با یکدیگر تطبیق دهند. در صورت وجود شرایط قانونی، داده‌های بیومتریک، مانند اثر انگشت و تصویر چهره نیز در آن ثبت می‌شود. هنگام درخواست روادید شنگن، مراجع مسئول صدور روادید کشورهای شنگن اطلاعات شخصی و داده‌های زیستی لازم را ثبت و در VIS ذخیره می‌کنند.

به زبان ساده: VIS به مراجع صلاحیت‌دار کمک می‌کند درخواست‌های روادید و اطلاعات مربوط به روادیدها را در سطح اروپا با یکدیگر تطبیق دهند و هویت فرد را بررسی کنند.

نکته عملی: هنگام ثبت درخواست پناهندگی، اثر انگشت و اطلاعات شخصی متقاضی در سامانه VIS بررسی می‌شود. وجود یک سابقه در VIS می‌تواند برای بررسی صلاحیت کشورها و شناسایی ویزاهای قبلی اهمیت داشته باشد. با این حال، وجود یک سابقه در VIS به‌خودی‌خود به این معنا نیست که یک کشور مشخص حتماً مسئول رسیدگی به درخواست پناهندگی است؛ قواعد مربوط به تعیین کشور مسئول باید جداگانه بررسی شود.

مثال: فردی در آلمان درخواست پناهندگی می‌دهد. در بررسی مشخص می‌شود که پیش‌تر برای او ویزای شنگن از سوی کشور دیگری صادر شده است. مراجع مسئول می‌توانند این اطلاعات را از طریق VIS در نظر بگیرند و سپس پیامدهای حقوقی آن را بررسی کنند.

پایه حقوقی / منابع:
Bundesverwaltungsamt – Visa-Informationssystem (VIS) | EU-Kommission – Visa Information System (VIS)

Vollmacht

(وکالت‌نامه)

تعریف: Vollmacht اجازه‌ای کتبی است که به موجب آن یک شخص، شخص دیگری را برای انجام امور حقوقی مشخص یا نمایندگی از طرف خود مجاز می‌کند. در روند اداری، شخص می‌تواند طبق ماده ۱۴ VwVfG توسط فرد دارای وکالت نمایندگی شود.

به زبان ساده: با Vollmacht یک شخص به فرد دیگری اجازه می‌دهد امور مشخصی را از طرف او انجام دهد یا در برابر اداره نماینده او باشد.

نکته عملی: Vollmacht می‌تواند همراه با Schweigepflichtentbindung (رفع تعهد محرمانگی) باشد، اما رفع تعهد محرمانگی جزء خودکار و الزامی هر وکالت‌نامه نیست. اگر فرد دارای وکالت باید به اطلاعات محرمانه، به‌ویژه مدارک پزشکی یا سایر اسناد شخصی، دسترسی داشته باشد یا آنها را در پرونده ارائه کند، باید بررسی شود که

Schweigepflichtentbindung صراحتاً اعطا شده باشد. این رفع محرمانگی می‌تواند در خود Vollmacht یا در نوشته جداگانه ای درج شود.

مثال: برای مثال، شخصی به یک مرکز مشاوره یا وکیل وکالت‌نامه کتبی می‌دهد تا در روند اداری با اداره مسئول ارتباط برقرار کند.

پایه حقوقی / منابع:
§ 14 VwVfG – Bevollmächtigte und Beistände | § 67 VwGO – Vertretung vor dem Verwaltungsgericht | § 164 BGB – Wirkung der Erklärung des Vertreters

Vormund
(قیّم/سرپرست قانونی برای افراد زیر سن قانونی)

تعریف: Vormund شخص یا نهادی است که دادگاه خانواده برای نمایندگی قانونی و سرپرستی یک فرد زیر سن قانونی تعیین می‌کند، زمانی که والدین دارای حق حضانت وجود نداشته باشند یا نتوانند شخص را قانوناً نمایندگی کنند.

به زبان ساده: Vormund کودک یا نوجوان را از نظر حقوقی نمایندگی می‌کند و از منافع او در تصمیم‌های مهم حمایت می‌کند.

نکته عملی: در مورد افراد زیر سن قانونی بدون همراه خارجی، Vormund اهمیت ویژه‌ای دارد. Jugendamt ابتدا فرد را تحت حمایت موقت می‌گیرد و سپس تعیین Vormund یا Pfleger پیگیری می‌شود.

برای افراد بالغ اصطلاح Vormund درست نیست. اگر فرد بالغ به دلیل بیماری یا ناتوانی جسمی، روانی یا ذهنی نتواند امور حقوقی خود را انجام دهد، می‌توان نزد Betreuungsgericht درخواست یا پیشنهاد تعیین rechtlicher Betreuer را مطرح کرد. این سرپرستی فقط در صورت ضرورت تعیین می‌شود.

مثال: برای مثال، نوجوان ۱۵ ساله بدون والدین وارد آلمان می‌شود و پس از Inobhutnahme تعیین Vormund برای او پیگیری می‌شود.

پایه حقوقی / منابع:
§§ 1773 und 1774 BGB – Voraussetzungen und Bestellung des Vormunds | § 1790 BGB – Amtsführung des Vormunds | § 42 SGB VIII – Inobhutnahme | Bürgerliches Gesetzbuch (BGB)1814 §

Weiterbildung
(آموزش تکمیلی)

تعریف: Weiterbildung به اقدامات آموزشی‌ای گفته می‌شود که از طریق آنها دانش، مهارت یا صلاحیت‌های حرفه‌ای گسترش یا به‌روز می‌شوند. این امر به‌ویژه برای افرادی می‌تواند مهم باشد که از قبل تجربه شغلی دارند اما برای فعالیت در بازار کار آلمان به دانش اضافی نیاز دارند.

به زبان ساده: Weiterbildung به کسب دانش حرفه‌ای جدید یا گسترش دانش موجود کمک می‌کند.

نکته عملی: برای پناهندگان، Weiterbildung می‌تواند برای ادغام شغلی یا تطبیق با نیازهای بازار کار آلمان اهمیت داشته باشد. بسته به وضعیت اقامتی و شرایط شخصی، Agentur für Arbeit یا Jobcenter ممکن است مسئول مشاوره و حمایت مالی باشند. اصولاً باید حمایت مالی پیش از آغاز دوره مشخص شود.

برای مشاوره تخصصی در این زمینه، علاوه بر Agentur für Arbeit، مراکز مشاوره تخصصی متعددی وجود دارد که ممکن است در هر شهر و منطقه اسامی متفاوتی داشته باشند.

مثال: یک فرد پناهنده دارای صلاحیت حرفه‌ای از کشور مبدأ است، اما برای ورود به بازار کار آلمان به دانش اضافی نیاز دارد. او با مرجع مسئول بررسی می‌کند که آیا Weiterbildung می‌تواند مورد حمایت مالی قرار گیرد.

پایه حقوقی / منابع:
§ 81 SGB III | Bundesagentur für Arbeit – Weiterbildung

Widerspruch
(اعتراض اداری)

تعریف: Widerspruch یک راه رسمی اعتراض به یک تصمیم اداری است. با Widerspruch ، فرد ذی‌نفع می‌تواند بخواهد که اداره مربوطه، تصمیم خود را دوباره بررسی کند. اینکه اعتراض اداری مجاز و لازم است یا نه، به حوزه حقوقی مربوط و توضیحات مربوط به راه اعتراض در تصمیم بستگی دارد.

به زبان ساده: فردی که با تصمیم یک اداره موافق نیست، در صورت وجود شرایط قانونی، می‌تواند Widerspruch ارائه کند تا اداره، تصمیم خود را دوباره بررسی کند.

نکته عملی: مهلت Widerspruch اغلب یک ماه است. بخش مربوط به راه اعتراض در پایان تصمیم باید با دقت خوانده شود. در حقوق پناهندگی مقررات ویژه‌ای وجود دارد: در برابر تصمیم‌های BAMF در همه موارد روند Widerspruch پیش‌بینی نشده است؛ اغلب مستقیماً دادگاه اداری مسئول است.

معمولاً بررسی اعتراض در یک اداره، نه توسط کارمند مستقیمِ مسئول پرونده، بلکه توسط بخش یا واحد دیگری در همان اداره انجام می‌شود؛ این وظیفه در بسیاری از موارد بر عهده بخش حقوقی یا واحد مسئول رسیدگی به اعتراض‌هاست.

میزان موفقیت Widerspruch به استدلال و مدارک ارائه‌شده بستگی دارد. توصیه می‌شود در چنین مواردی از یک مرکز مشاوره یا وکیل کمک گرفته شود.

مثال: یک فرد پناهنده نامه اداری یا تصمیمی دریافت می‌کند که در آن یک مزایای درخواست‌شده رد شده است. در بخش مربوط به راه اعتراض نوشته شده است که می‌توان Widerspruch ارائه کرد. فرد در مهلت مقرر اعتراض خود را ارائه می‌کند.

پایه حقوقی / منابع:
§ 68 VwGO | § 70 VwGO | § 73 VwGO

Wohnsitzauflage / Wohnsitzregelung
(الزام به داشتن محل اقامت مشخص / مقرراتِ تعیین محل اقامت)

تعریف: «Wohnsitzauflage / Wohnsitzregelun» به این معناست که بر اساس شرایط قانونی، فرد موظف می‌شود محل اقامت معمول خود را در یک محل مشخص یا در یک ایالت مشخص قرار دهد. در حقوق اقامت، به‌ویژه ماده ۱۲آ قانون اقامت آلمان (AufenthG) اهمیت دارد. این مقررات شامل برخی افراد دارای وضعیت حمایتی می‌شود و اصولاً می‌تواند برای مدت محدودی اعمال شود.

Wohnsitzauflage را باید از محدودیت‌های جغرافیایی مربوط به رفت‌وآمد و آزادی جابه‌جایی متمایز کرد .

به زبان ساده: Wohnsitzauflage یعنی فرد اصولاً نمی‌تواند آزادانه انتخاب کند که محل اقامت معمول خود را در کجا قرار دهد. اما این مقررات به معنای Residenzpflicht یا ممنوعیت عمومی ترک یک محل مشخص نیست.

نکته عملی: در مشاوره، ابتدا باید بررسی شود که الزام به داشتن محل اقامت مشخص بر چه مبنای قانونی اعمال شده است. ماده ۱۲آ قانون اقامت(AufenthG) ، از جمله، مقررات مربوط به تعیین محل اقامت برای برخی افراد دارای وضعیت حمایتی، استثناها و امکان لغو یا تغییر این الزام را دربرمی‌گیرد.

اشتغال، آموزش حرفه‌ای، تحصیل، دلایل خانوادگی و برخی موارد سخت و شرایط خاص (Härtefall) نیز می‌توانند در این زمینه اهمیت داشته باشند. بنابراین، بررسی شرایط هر فرد به‌صورت جداگانه ضروری است.

مثال: فردی که وضعیت حمایتی او در آلمان به رسمیت شناخته شده است، اجازه اقامت دریافت می‌کند و بر اساس ماده ۱۲آ قانون اقامت مشمول الزام به داشتن محل اقامت مشخص می‌شود. او به دلیل پیدا کردن یک شغل می‌خواهد به ایالت دیگری نقل مکان کند. پیش از جابه‌جایی باید بررسی شود که آیا شرایط قانونی لازم برای لغو یا تغییر این الزام را دارد یا خیر.

پایه حقوقی / منابع:
Antrag auf Änderung der | § 12a AufenthG – Wohnsitzregelung | BAMF – Wohnsitzregelung / Arbeitsaufnahme Wohnsitzzuweisung

Zentrale Ausländerbehörde (ZAB)
(اداره مرکزی امور اتباع خارجی)

تعریف: ZAB یک اداره ویژه امور اتباع خارجی در سطح ایالت یا در ساختار اداره ایالتی است که برخی از وظایف مربوط به اتباع خارجی را به‌صورت متمرکز انجام می‌دهد.
بنابراین، ZAB در همه ایالت‌ها الزاماً وظایف یکسانی ندارد و حوزه مسئولیت آن به مقررات و ساختار اداری همان ایالت بستگی دارد.

به زبان ساده: ZAB یک اداره مرکزی امور اتباع خارجی است که در برخی موارد، به‌جای اداره محلی امور اتباع خارجی (Ausländerbehörde)، وظایف مشخصی را در ارتباط با افراد خارجی انجام می‌دهد.

نکته عملی: اینکه یک فرد مشخصاً با ZAB یا با اداره محلی امور اتباع خارجی در ارتباط باشد، به نوع پرونده، مرحله رسیدگی و مقررات اداری ایالت مربوطه بستگی دارد. بنابراین، صرف اینکه پرونده فرد در ZAB رسیدگی می‌شود، به این معنا نیست که همه امور اقامتی او الزاماً توسط این اداره انجام خواهد شد.

مثال: در یک ایالت، ممکن است ZAB مسئول برخی امور مربوط به افراد دارای تعهد به ترک آلمان یا اجرای تصمیم بازگرداندن باشد، در حالی که امور دیگر فرد توسط اداره محلی امور اتباع خارجی انجام شود.

پایه حقوقی / منابع:
Bezirksregierung Arnsberg – Ausländerangelegenheiten | Aufgaben der ZAB

Zentrale Unterbringungseinrichtung (ZUE)
(مرکز اسکان مرکزی پناهجویان)
تعریف: Zentrale Unterbringungseinrichtung (ZUE) یک مرکز اسکان مرکزی برای متقاضیان پناهندگی است که در برخی ایالت‌های آلمان برای اسکان و رسیدگی اولیه به متقاضیان پناهندگی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

ZUE بخشی از ساختار اسکان متقاضیان پناهندگی در سطح ایالت است و وظایف و شکل سازمان‌دهی آن می‌تواند بر اساس مقررات همان ایالت متفاوت باشد.

به زبان ساده: ZUE یعنی محلی که متقاضیان پناهندگی، به‌ویژه در مرحله اولیه روند پناهندگی، در آن اسکان داده می‌شوند. این مراکز معمولاً با ساختارهای مربوط به پذیرش و رسیدگی اولیه به متقاضیان پناهندگی ارتباط دارند.

نکته عملی: اسکان در ZUE را نباید با محل اقامت دائمی یا محل زندگی انتخابی فرد یکی دانست. اینکه فرد چه مدت در چنین مرکزی بماند و پس از آن به کجا منتقل شود، به مقررات ایالت، وضعیت پرونده و تصمیمات مربوط به توزیع و اسکان بستگی دارد.

مثال: یک متقاضی پناهندگی پس از ورود و ثبت درخواست خود، برای مدتی در یک ZUE اسکان داده می‌شود. پس از آن، ممکن است بر اساس مقررات مربوط به توزیع و اسکان، به محل دیگری منتقل شود.

پایه حقوقی / منابع:
Zentrale Unterbringungseinrichtungen (ZUE) | BAMF – Das deutsche Asylverfahren

Zeugnisanerkennung / Zeugnisbewertung
(تأیید / ارزیابی مدارک تحصیلی)

تعریف: Zeugnisanerkennung و Zeugnisbewertung به دو روند متفاوت برای تعیین جایگاه مدارک تحصیلی و صلاحیت‌های حرفه‌ای خارجی در آلمان گفته می‌شود. در Zeugnisanerkennung به‌ویژه بررسی می‌شود که آیا یک مدرک پایان تحصیلات مدرسه‌ای خارجی می‌تواند با مدرک پایان تحصیلات مدرسه‌ای آلمان هم‌ارز شناخته شود یا نه. Zeugnisbewertung برای مثال می‌تواند برای مدارک دانشگاهی خارجی توسط Zentralstelle für ausländisches Bildungswesen (ZAB) انجام شود. مرجع مسئول به نوع مدرک و شغل یا مسیر آموزشی مربوط بستگی دارد.

به زبان ساده: هر مدرک خارجی در آلمان به‌طور خودکار با یک مدرک آلمانی هم‌ارز و برابر شناخته نمی‌شود. بسته به نوع مدرک باید بررسی شود که کدام صلاحیت آلمانی با آن مطابقت دارد و کدام مرجع مسئول این کار است.

نکته عملی: مهم است که میان مدرک پایان تحصیلات مدرسه‌ای، صلاحیت حرفه‌ای و مدرک دانشگاهی تفاوت گذاشته شود. برای مدارکِ پایان تحصیلات مدرسه‌ای خارجی، اصولاً مراکز تأیید مدارک ایالت‌ها مسئول هستند. برای مدارک دانشگاهی خارجی، ZAB می‌تواند ارزیابی فردی مدرک را انجام دهد. برای مشاغل دارای مقررات خاص، اغلب یک روند مستقل تأیید صلاحیت لازم است.

در ۱۶ ایالت آلمان، روندهای اداری و مراجع مسئول برای ارزیابی یا تأیید مدارک با یکدیگر تفاوت دارند. مدارک باید به مرجع مسئول همان ایالتی ارائه شوند که فرد در آنجا اقامت رسمی دارد. مدارک باید به صورت اصل ارائه شوند و توسط مترجمی که در آلمان به رسمیت شناخته شده یا مترجم سوگندخورده است به زبان آلمانی ترجمه شوند.

مثال: یک فرد پناهنده در کشور مبدأ تحصیلات دانشگاهی خود را به پایان رسانده و می‌خواهد در آلمان در شغلی متناسب با آن کار کند. ابتدا بررسی می‌شود که آیا ارزیابی مدرک توسط ZAB مناسب است یا برای شغل مشخص، یک روند رسمی تأیید صلاحیت لازم است.

پایه حقوقی / منابع:
ZAB – Zeugnisbewertung | Anerkennung in Deutschland | Bundesagentur für Arbeit – Anerkennung

Zulassung der Berufung
(پذیرش درخواست تجدیدنظر)

تعریف: Zulassung der Berufung، به معنی پذیرش تصمیمی است در باره اینکه آیا می‌توان نسبت به رأی دادگاه اداری (Verwaltungsgerichtshof)، در دادگاه عالی اداری (Oberverwaltungsgericht) درخواست تجدیدنظر کرد یا خیر.
در فرآیند پناهندگی، مقررات ویژه‌ای بر اساس بند ۷۸ قانون پناهندگی (AsylG) اعمال می‌شود. در موارد ذکرشده در این قانون، تجدیدنظرخواهی نسبت به رأی دادگاه اداری تنها در صورتی امکان‌پذیر است که توسط دادگاه عالی اداری پذیرفته شود. طبق بند ۳ ماده ۷۸ قانون پناهندگی، درخواست تجدیدنظر به‌ویژه در صورتی پذیرفته می‌شود که پرونده دارای اهمیت بنیادین و اصولی باشد، رأی صادر شده با تصمیم یک دادگاه بالاتر مغایرت داشته و بر پایه آن استوار باشد، و یا اینکه نقص و خطایی در روند دادرسی رخ داده باشد که بتواند بر تصمیم نهایی تأثیر بگذارد.

به زبان ساده: هر رأیی که دادگاه اداری در پرونده پناهندگی صادر می‌کند، به طور خودکار قابل تجدیدنظرخواهی نیست. در موارد مشخصی، ابتدا باید درخواست «پذیرش تجدیدنظر» ثبت و تأیید شود.

نکته کاربردی: هر کس که می‌خواهد درخواست پذیرش تجدیدنظر بدهد، باید شرایط قانونی را مد نظر قرار داده و مهلت‌های تعیین‌شده را رعایت کند. در مواردی که حق اعتراض و تجدیدنظرخواهی در متن خودِ رأی صادر شده لحاظ نشده است، باید به‌ویژه به ماده ۷۸ قانون پناهندگی توجه شود. لازم به ذکر است که «درخواست پذیرش تجدیدنظر»، با خودِ «دادخواست تجدیدنظر» یکی نیست و تفاوت دارد.
اینکه آیا چنین درخواستی اصلاً شانس موفقیت دارد یا خیر، باید مستقیماً با وکیل مدافعی که مسئولیت پرونده را بر عهده دارد، بررسی و گفتگو شود.

مثال: یک دادگاه اداری، شکایت یک متقاضی پناهندگی را رد می‌کند. فرد متقاضی بر این باور است که رأی صادرشده با رویه قضایی دادگاه عالی اداری مغایرت دارد. بنابراین، او بررسی می‌کند که آیا شرایط لازم برای ثبت درخواست پذیرش تجدیدنظر بر اساس ماده ۷۸ قانون پناهندگی وجود دارد یا خیر.

پایه حقوقی / منابع:
§ 78 AsylG | §§ 124 und 124a VwGO

****

برخی وبسایت های تخصصی و مفید در امور پناهندگی و اقامت

- Asyl & Migration- AsylnetInformationsverbund
- Bundesverband Psychosozialer Zentren
- Flüchtlingsrat Berlin
- Flüchtlingsrat NRW - Flüchtlingsrat NRW
- GGUA - Qualifizierung der Flüchtlingsberatung
- Glossar Migration – Integration – Flucht & Asyl
- Handbook Germany
- Handbook Germany/ Farsi-Dari
- Medizinische Flüchtlingshilfe Bochum
- MiGAZIN-Newsletter
- Pro Asyl